جغرافیای اقتصادی

و تجارتی

ایران - انگلیس - فرانسه - آلمان

برای سال چهارم دبیرستانها

مطابق برنامه جدید وزارت فرهنگ

تألیف

عباس اقبال

استاد دانشگاه تهران

حق چاپ مخصوص بشرکت مطبوعات است

مرکز فروش

شرکت نسبی مطبوعات و شرکت نسبی علی اکبر علمی و شرکاء

۱۳۳۰

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1805493930-18

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1805493930-18

جغرافیای اقتصادی

و تجارتی ایران و انگلیس و فرانسه و آلمان

برای سال چهارم دبیرستانها

مطابق برنامه جدید وزارت فرهنگ

تألیف

عبّاس اقبال

استاد دانشگاه

حق چاپ مخصوص بشرکت مطبوعات است

مرکز فروش

شرکت نسبی مطبوعات و شرکت نسبی علی اکبر علمی و شرکاء

۱۳۳۰

چاپخانه شرکت مطبوعات

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1805493930-18

مقدمه

غرض از جغرافیای سیاسی و اقتصادی

یك فرد انسان اعم از آنکه بدوی چادر نشین باشد یا توانگر صاحب ضیاع وعقارخواهی نخواهی بشش رشته چیزمحتاجست که بدون تهیهٔ اسباب رفع آنها زنده ماندن وفارغ البال زیستن برای او صورت امکان نخواهد داشت .

این حوائج شش گانه عبارتست از: ۱° - غذا ۲° ، - لباس ، ۳° - منزل ، ۴° - آتش ، ۵° - لوازم تجمل و تفنن ، ۶° - مقداری آلات و ادوات ومصالح برای تهیه و نگاهداری حوائج دیگر .

البته جنس وطرز ساخت غذا ولباس ومنزل ولوازم یکنفر متمدن امریکائی مثلا با جنس وطرز ساخت همین امور در پیش یکنفر وحشی استرالیائی ازلحاظ کمال وظرافت وسلیقه ورعایت حفظ صحت فوق العاده متفاوتست لیکن ازاین اختلافات که بگذریم خواهیم دید که جمیع طبقات بشر درهر درجه ازمعیشت که باشند بتمام این شش رشته چیز احتیاج دارند وهریك بآن اندازه که محیط مسکونی واستعداد ولیاقت ذاتی ایشان بآنها توانائی دهد در رفع آنها می کوشند وصورتی ساده یاکامل از آنها را مهیا می سازند .

درجغرافیا غرض ازمحیط مسکونی انسان همان طبقه ایست از کرهٔ زمین که قسمتی از آنرا خشکی پوشانده و قسمت دیگر آنرا آب فرا گرفته و بردورا دور آن کرهٔ هوای جوّ احاطه دارد . انسان درروی این خشکی

ودرمیان کرهٔ جوو کم وبیش دوریانزدیك بدریاها ساکنست بنابراین باید جمیع حوائج مذکور درفوق وکلیهٔ لوازم زندگانی ومصالح ومواد کار اونیز ازهمین محیط مسکونی وبیش ازهمه ازخاك برآورده شود . ملاحی که عمرخود رادرپیمودن اقیانوسها میگذارد وهوانوردی که برفراز جو می‌پرد وثروتمندی که در آسمانخراشهای چهل پنجاه مرتبه‌ای نیویورك زندگی میکند همه جمیع وسایل معیشت ومواد حیاتی خود را اززمین گرفته‌اند وحال ایشان دراین راه بازارعی که مثلا سیب زمینی را برای خوردن ارزیرخاك بیرون میآورد فرقی ندارد .

امابايد دانست که‌موادومصالحی که درزمین وجود داردهمه‌بهمان حال طبیعی وخام برای انسان ورفع حوائج او قابل استفاده نیست بلکه اکثرآنها محتاج بتصرف وتغییرصورت‌اند ، بعضی‌نیزدرهمهٔ سرزمینهابحد کافی بدست نمی‌آیند وپاره‌ای‌هم دراعماقی‌دورترازسطح خشکی‌بنهانند وباید باتدابیر ووسایلی آنهارا اززیرزمین ببالاآورد .

هریك‌ازاین‌اعمال یعنی‌تبدیل صورت مواد خام واولیه ، استخراج منابع ثروتی زیرزمینی ، آوردن مواد ومصالحی که درخارج از دسترس جمعی ازمردم هست وفرستادن مواد ومصالحی که‌زیاد دارند بنقاط‌دیگر، مستلزم بکار انداختن قوای دماغی وبدنی وفایده برداشتن از تجارب و وسائل علمی وعملی ، هنرمندان‌وکارآگاهانی است که‌یاپیش ازمامیزیسته یاهم امروزدرسرزمینهائی غیرازمحیط مسکونی ما زندگانی میکنند .

مجموعهٔ اعمالی راکه انسان بوسیله آنها جزئی ازاجزاء زمین را قابل استفادهٔ خود میسازد **صنعت** وعملی‌راکه‌درتکثیر موادنباتی‌وحیوانی می‌ورزد **زراعت** وطریقه‌ای راکه‌درآوردن‌مواد وکالاهای لازم ازخارج یادرفرستادن‌موادو کالاهای‌خودبنقاط دیگر پیش میگیرد **تجارت** میگوئیم

مساعدتی که زمین یعنی طبقهٔ خشکی بانسان درراه بردن چرخهای زندگانی اومیکند همه وقت مستقیم نیست باینمعنی که استفادهٔ بشر از قشر جامد زمین انحصار بهمان استخراج موادمعدنی ومواد مولد حرارت وسنگهای بنا دارد که فقط میتوانند قسمت کمی ازحوائج ششگانهٔ ما را برآورند درصورتیکه دررفع سایر حوائج مخصوصا دوجزء مهم ازاحتیاجات بشری که غذا ولباس باشد (بغیر ازنمك معدنی) هیچگونه بهره‌ای از آنها نمیتوان برداشت .

عمدهٔ استفادهٔ انسان ازقشر جامد زمین بطریق غیر مستقیم یعنی بمدد موجودات غیرجامدی صورت می گیرد که برسطح این طبقه روانند چنانکه بدون آب که در زیر زمین موجود یا بر روی خشکی جاریست زندگانی محالست . ازنباتات یا باقسام مختلف تغذیه میکنیم یا از الیاف آنها تهیهٔ پارچه ولباس مینمائیم یا آنکه آنهارا درساختن منازل وبناهای دیگر بکارمیبریم . قسمت مهمی ازسوخت انسان وآلات وادواتی که برای تهیهٔ حوائج دیگرلازم داریم ازنباتات بدست می آید . بعضی از دواهای طبی ومواد ملوّن صنعتی نیز ازنباتات استخراج میشود .

بهمین وجه حیوانات ازگوشت وشیر و عسل خود بغذای انسان کمك میکنندپوست وپشم آنها درتهیهٔ کفش ولباس بکارمامیآید وقسمتی هم ازبدن بعضی ازآنها درصنعت یعنی رفع حوائج دیگرمامورداستفاده است

ازاین مختصر واضح شدکه حیات انسان بسته بمحیط وسرزمینی است که آنجارا بعنوان مسکن اختیار کرده وباوسائلی که طبیعت یعنی جنس خاك وآب وهوای آن مسکن دراختیار او نهاده برفع شش سلسلهٔ احتیاجی که شرح آن گذشت مشغول است .

غیرازجنس خاك وآب وهوا که خوبی یا بدی یعنی سازگاری یا ناسازگاری آن سرزمینی رامساعدمینماید عامل مهم دیگری‌هم دربلندی وپستی‌درجه معیشت اقوام دخیلست‌وآن استعداد وصفات ذاتی‌هرقومست باینمعنی که درحال حاضر دنیا پاره‌ای اقوام را میبینیم که نسبت ببعضی اقوام دیگر زیرکتر ودردرك احتیاجات تیزهوش‌تر ودررفع آنهالایقترند حتی اگربسرزمینهای نامساعدنیزمنتقل شوندبزودی بقدرت همان‌زیرکی وهوش ولیاقت بسیاری ازاوضاع ناسازگار رابحال خود مساعد مینمایند

اما این‌عامل‌مهم یعنی میزان‌استعداد دماغی و صفات ذاتی‌اگر چه امروز بقدری مابین مراتب آن اختلاف‌وفاصله است که وجودآن‌بظاهر خلقی وخدادادی بنظر میآید لیکن بادقتی کامل تر واضح میشود که‌این تفاوتهای استعدادی وذاتی هم نتیجهٔ تأثیرمتمادی‌محیط وساخته سرزمین مسکونی اقوامست یعنی اگرفرض کنیم که جمیع اقوام دنیا دریك‌تاریخ درسطح زمین پیداشده باشند تصوراینکه بعضی اقوام صفات و خصایصی را بودیعه داشته‌اند واقوام دیگرازآنها محروم بوده یابالعکس بهیچوجه معقول وباآنچه که‌هم امروز درسیر ارتقائی معیشت انسان‌مشاهده‌میکنیم مطابق نیست .

اگرقومی‌وحشی‌است‌ودرجهٔ معیشت اوازمیزان زندگانی‌حیوانات بالاتر نیامده نه بآن علت است که این قوم بابی استعدادی وعدم لیاقت وکم هوشی وکند ذهنی زاده وافرادآن بارث‌آن صفات بد رابیکدیگر منتقل‌ساخته‌اندبلکه علت اصلی‌ماندن‌ایشان دراین حال نکبت‌ناسازگاری سرزمین مسکونی ونامساعد بودن‌آب وهوا وخاك وکیفیات بدمحیطی است که دست اتفاق ایشان را بسکونت درآنجا محکوم کرده‌است .

یك نظر بجغرافیای طبیعی ازوپا وامریکای شمالی وتحقیق‌احوال

مساعد این دوناحیه ازجهت ملایمت آب وهوا وکمی مرتفعات مضر بحال سکونت وارتباط وفراوانی منابع ثروتی نباتی ومعدنی وخوبی جنس خاك ودسترسی سهل بدریا محقق میدارد که این دوناحیه برای بسط درجات عالی تمدن بهترین نقاط دنیاست وهرقومیکه دراین قبیل سرزمینها ساکن باشد خواهی نخواهی باین نوع تمدن خواهد رسید . درهمان قطعهٔ اروپا هم البته بعضی قسمتها این شرایط را وافیترند تا بعضی قسمتهای دیگر مثلا اسپانیائیها وایطالیائیها هردو باهردم فرانسه ازیك اصل ونژاد وزادهٔ یك نوع آداب وتمدن قدیمی اندا ما میزان تمدن امروزی فرانسه از بسیاری جهات بردرجهٔ معیشت علمی وصنعتی اسپانیا وایتالیا برتری دارد .

ازاینمقدمات چنین نتیجه میگیریم که خوبی وبدی وبلندی وپستی درجهٔ تمدن اقوام وهنرمندی ولیاقت ایشان یاعدم آن بطور کلی تابع مقتضیات سرزمین مسکونی وبسته بمقدار مصالح ومواد منابعی است که طبیعت برای رفع حوائجی که سابقا به آنها اشاره کردیم در دست رس ایشان نهاده .

این منابع ومواد چنانکه مخفی نیست بدو طبقه تقسیم میشوند : یك طبقه مواد معدنی مانند ذغال وفلزات ونفت وغیره دیگر مواد مستخرجه ازنباتات وحیوانات ازنوع گوشت ولبنیات وتخمهای نباتی والیاف آنها و میوه جات وابریشم وعسل وپوست وپشم وچوب که هریك بدرد یکی از احتیاجات ما میخورد .

عموم متمدنین امروزی درنتیجهٔ بستگی زندگانی ایشان بیکدیگر بتمام اینموادیکه تعداد کردیم احتیاج دارند اماچون همهٔ سرزمینها شامل تمام اینمواد نیست ویا مقدار موجود ازآنها کمتر از میزان احتیاجست بایدمقدار مابه الاحتیاج را ازخارج آورند تاچرخهای زندگانی معطل نماند

اجمال مطلب اینکه حیات اقتصادی اقوام بسته بمسائل و اعمال ذیل است :

۱- استخراج منابع معدنی و نباتی و حیوانی داخل کشور برای رفع حوائج خود وفروش مازاد آن بخارج .

۲ - تبدیل مواد اولیه و امتعهٔ خام بصورت اشیاء یا اجناس قابل استعمال وفروش .

این دوقسمت شامل یکرشته کارهائی است که از آنها آنچه را راجع بتکثیر مواد نباتی است **زراعت** و آنچه راکه غرض از آن استخراج منابع معدنی یا تبدیل صورت مواد اولیه وتصرف در آنهاست **صنعت** میگویند

۳ - آوردن کالاهای کسری بداخل وفرستادن کالاهای زیادتر از حد احتیاج بخارج عملی است که **تجارت** میخوانیم .

٤ - هیچگونه عمل تجارتی بدون راه ووسایل نقلیه ممکن نیست **وراه و وسائل نقلیه** ازاهم لوازم زندگانی اقتصادی ملل متمدنه است و بیوجود آنها نمیتوان بتجارتی معتبر واقتصادی قابل اعتنارسید .

حال که این مقدمات تشریح شد اجمالا میتوان غرض ازجغرافیای اقتصادی وتجارتیرا که درمورد هرمملکت بحث درزراعت وصنعت وتجارت وطرق ووسائل نقلیه آنست دانست .

بطور کلی در مطالعهٔ جغرافیای اقتصادی و تجارتی هر ناحیه باید جواب سؤالات ذیل داده شود تا مطالعهٔ ما جنبهٔ علمی و صورت تحقیق داشته باشد :

۱ - سرزمین مورد مطالعهٔ ازجنس منابع معدنی ونباتی وحیوانی چه ذخایری دربردارد .

۲ - ازاین ذخایر چه‌قسمت‌ها استخراج وتکثیر میشود واستفادهٔ از آنها چه صورت دارد .

۳ - مردم بچه مواد ومصالح بیگانه نیازمندندوچه‌موادومصالحیرا زیادترازحد احتیاج خود فراهم میکنند

٤ - بچه طریق وباچه وسایل آنچه راکه خود ندارند ازخارج میآورندو آنچه راکه زیاد دارند بخارج میفرستند .

٥ - سود وزیان ایشان دراین عمل چیست وچگونه مابین مقدار احتیاجات خودبه‌بیگانه وفروش‌محصول خودی حفظ‌موازنه میکنند ، با تکثیرمحصول خودی یا باتقلیل ورود کالاهای خارجی .

اینك ما درمورد چهار کشور ایران و انگلیس و فرانسه و آلمان میکوشیم که تاحد امکان برای پنج سئوال فوق جوابی شافی تهیه نمائیم

قسمت اول

جغرافیای اقتصادی وتجارتی ایران

مقدمه

درمعرفت موقع وآب وهواو جنس خاك

کشورما ایران که ۱٦٤٥۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد قسمت شرقی وجزء اعظم نجدی است که تمام آنرا بنام‌عمومی نجدایران‌میخوانند وآن‌که بین دوجلگهٔ سند وعراق عرب ازمشرق بمغرب کشیده شده و دریای مازندران وجلگهٔ ماوراءالنهر ونجد قفقازیه وارمنستان در شمال

ودریاهای عمان و بوشهر درجنوب آن قرار گرفته‌اند ازلحاظ سیاسی امروز شامل سه کشور بلوچستان وافغانستان وایران است درصورتیکه ازنظر ساختمان طبیعی تمام آن به‌یك صورت است وحقیقة حد مشخصی مابین این سه ناحیه وجود ندارد تاپس ازصرف نظر کردن ازحدود سیاسی قرار دادی بتوان گفت که‌یکی بکجا منتهی ودیگری ازکجاشروع میشود .

این نجد وسیع جزء آسیای غربی وتمام آن درمنطقه معتدلهٔ شمالی است درقسمت ایران مملکت ماعرض شمالی آن بین ۲۵ درجه (بندر گواتر) و ٤۰ درجه (دامنهٔ آرارات وگوشهٔ شمال غربی آذربایجان) قرار دارد . بنابراین میبینیم که نقاط جنوبی ایران یعنی سواحل دریای عمان وخلیج فارس وحوالی بنادر بیش ازدوسه درجه ازمنطقه حاره فاصله ندارند درصورتیکه شمالیترین نقطهٔ آن ۲٦ درجه ازابتدای منطقهٔ منجمده دورتراست یعنی ایران بخط استوا بمراتب نزدیکتر است تا بقطب شمال ومدار ٤۵ درجه که ازقطب وخط استوا بیك فاصله است ازقفقازیه و ۵ درجه بالاتر ازخاك ایران میگذرد .

اگرسراسرسطح ایران هموار وجلگه‌ای بود و وزش بادها حالتی منظم داشت طبعا ایران باید دارای آب وهوائی معتدل وثابت باشد وبین فصول وشب‌ها وروزهای آن دریك فصل اختلافاتی شدید بروز نکندا ما چنانکه میدانیم ایران بصورت نجد است وقریب نصف آن درزیر کوهستانها وکوهپایه های مرتفع قرار دارد بعلاوه وجود همین مرتفعات در ترتیب وزش بادها تولید اختلالاتی مینماید که آنهارا ازنظم میاندازد ومانع رسیدن بخار آب ببسیاری ازنقاط داخلی میگردد و همین دو کیفیت یعنی وجود کوه ها وکوهپایه‌های پرارتفاع وبی نظمی وضع بادها نمیگذارد که ایران چنانکه موقع طبیعی ونجومی آن مقتضی است دارای آب وهوائی ثابت

ومعتدل ومنظم باشد .

وجود دریا درحدود یادردسترسی مردم‌مملکتی جزء سعادات واز وسایل عمدهٔ ترقی زندگانی اقتصادی ایشان است وخوشبختانه ایران‌از اینجهت محروم نمانده‌وازدوطرف‌شمال‌وجنوب‌بدریا دست دارد‌مخصوصا درطرف جنوب هم وسعت سواحل آن شایان است وهم دریاهای جنوبی آزادوباقیانوس‌های بزرك مرتبطند اما امریکه وسیلهٔ استفادهٔ مارا ازاین دریاها محدود کرده و راه را چنانکه باید آزاد نگذاشته است وقوع کوههای عظیم‌وجسیمی است بین داخلهٔ خشکی و دریاهای مزبور آثار نیك وجود دریا را درحدود ایران بحد اقل نتیجه منحصر ساخته‌اندباین معنی که نه بخار آب که‌مایهٔ اصلی ریزش بارانهای نافع‌است میتواندازاین حصارها عبور کندوبداخله برسد نه بعلت دره های‌مرتفع پیچاپیچ وقلل صعب‌العبور بسط وتوسعهٔ راههای‌ارتباط آسان که وسیلهٔ عمدهٔ رواج‌بازار تجارت ورفت وآمد وداد وستدباخارج است بسهولت وسرعت وارزانی صورت امکان پیدا میکند .

این دو کیفیت نامساعد یعنی نرسیدن بخار آب خارج بداخله و خشکی نسبی آسمان واشکال ارتباط آسان مردم داخلی‌بادریاهای اطراف ونواحی دیگر خارج ازمرز ازعلل عمدهٔ انحطاط اقتصادی وعقب ماندن ایران ازممالك متمدنهٔ جدیدبوده‌است .

اما ازطرفی‌دیگرچون کشورمالله‌الحمد وسیع است باوجودآنکه نصف آنراکوهستان پوشانده وقریب ربعی نیز ازآن براثرهمین‌کم آبی وخشکی بصورت‌کویر وریگستان ونمکزار درآمده بازیك ربع آن‌که قریب بوسعت ایتالیا باشد قابل زراعت و حاصلخیزی است و آن عبارت ازحاشیه‌های جنوبی بحرخزر وجلگهٔ خوزستان وسواحل رودخانه هاو

دریاها ودره‌ها و کوهپایه‌های داخلی است وهمین قسمتهاست که باوجود عمل نشدن زراعت درغالب آن نواحی بطرزعلمی بازقریب بیست میلیون جمعیت ایران را غذا میدهد حتی درپاره‌ای‌قسمتها محصول نباتی‌غذائی یاصنعتی خیلی بیشترازمصرف اهالی است ومقداری از آن نیز ببلاد بیگانه فرستاده وفروخته میشود .

اماجنس‌خاك ایران باستثنای‌سواحل دریای مازندران وجلگهٔ‌انهار کرخه وکارون وجرّاحی‌وکنارهٔ رودخانه‌هاکه رسوبی است بقیه درنتیجهٔ چین خوردگیهای قشرجامد زمین و آتش فشانیهای پی در پی در عهود مختلفه بوجود آمده وبهمین جهت هم کلیهٔ متعلقات وملازمات آتشفشانی ازگوگرد و آبهای گوناگون معدنی واحجار مخصوص‌بآن‌درایران‌فراوان وجوددارد هم‌انواع‌بیشمارازمعادن‌فلزات‌مفیدوقیمتی‌وذغال‌سنك‌وسنگهای بنا وقیمتی . بعلاوه درزیرخاك غالب نواحی ایران بخصوص در شمال و مغرب وجنوب آن چشمه‌های پربرکت نفت جاریست وازاین بابت‌میتوان گفت‌که طبیعت کاملابا ایران مساعد بوده وهمین کیفیت بآیندهٔ درخشان آن امیدواری کلی میدهد .

نواحی طبیعی ونباتی

برای معرفت نوع معیشت وعلل ترقی وتنزل یکی از جنبه های اقتصادی در میان قومی معمولا کره زمین یاقطعه یا کشوریرا که غرض مطالعهٔ جغرافیای انسانی آن است بنواحی طبیعی و نباتی تقسیم میکنند چه همینکه معلوم شدکه یك ناحیه محل‌رشد چه نوع نباتاتی‌است‌چون نوع نباتات‌ازیك‌طرف‌تابع ونتیجهٔ‌جنس‌خاك وپستی وبلندی‌وآب‌وهواست

و ازطرفی دیگر مؤثر درمعیشت حیوانات ومردمی است که در آن ناحیه زیست میکنند بخوبی نوع اشتغالات ساکنین آن ناحیه ومیزان مساعدتی که طبیعت ازاین لحاظ درحق ایشان روا داشته واضح میگردد بطوریکه هرمنطقهٔ نباتی معرف یك قسم مخصوص ازجنس معیشت ویکنوع خاص ازتمدن است واگر ناحیهٔ بقدر کفایت نباتاتی برای گذراندن معیشت وبهره دادن بمردم برای رفع حوائج دیگرخودبوسیلهٔ فروش مازاد آن نداشته باشد ودرعوض منابع ثروتی دیگر آن ازجنس معادن فلزات وذغال ونفت وغیره زیاد باشد طبعا مردم باستخراج اینمنابع طبیعی میپردازند و نوع معیشت ایشان بجای آنکه معیشتی زراعتی باشد صورت صنعتی پیدامیکند لیکن اینمرحله چنانکه مخفی نیست مخصوص اقوامی است که بعلم و هنر آشنائی کامل حاصل کرده وشرایط بسیارمشگل و مفصل این نوع استفاده راتوانسته باشند قبلاً بدست آورند درصورتیکه معیشت زراعتی هم بالنسبه آسانتر میسراست وهم چون غرض اصلی آن تکثیر نباتاتی است که غذای انسان وحیوانات لازم برای اوازآنها تأمین میشود توجه انسان زودتر وبیشتر بآن معطوف میگردد وبهمین علت است که درجغرافیای انسانی واقتصادی پیش ازهمه بتعیین نواحی نباتی زمین یاقطعه یاکشوری عطف نظر مینمایند .

فراوانی یاکمی یاعدم باران هر کدام درهر ناحیه موجد یکمنطقه نباتی ومخصوص است یعنی اگر باران درناحیه‌ای فراوان میبارد زمین آن صورت جنگل پیدامیکند وبیشه واراضی درختزار آن زیادمیشود ، اگر برزمینی باران بندرت ودرفصولی معین فرو ریزد سطح آن بصورت مزارع وباغستان ودشتهای حاصلخیز درمیآید واگر بکلی از فیض ریزش باران محروم بماند زمین بحال بیابان وصحرا وکویر میماند وهیچگونه زراعت

وبرداشت محصول از آن امکان پذیر نمیگردد .

۱ - نواحی جنگلی

وجود جنگل درهر ناحیه چنانکه گفتیم بطور کلی نمایندهٔ ریزش باران فراوان برسطح زمین است ودرایران چون تنها منطقهٔ مجاور دریای مازندران است که حد متوسط ریزش باران آن به ۱۲۷۰ میلیمتر میرسد وبقیهٔ نقاط خیلی کمتر ازاین فیض بهره میبرند (باران سالیانهٔ تهران ۲۳۹ میلیمتر است) طبیعی است که اینمنطقه باید ازسایر نواحی بیشتر درخت داشته باشد

بعد ازسواحل بحرخزر قسمت شمال غربی ومغرب ایران ازلحاظ ریزش باران برسایر نقاط تفوق دارند واین قسمت عبارت ازهمان دره‌های کوههای مغرب ایران است که دنبالهٔ آن تافارس کشیده میشود . دراین قسمت هم جنگلهائی وجود دارد اما وسعت آنها وتراکم وعظمت اشجار و پیوستگی دنبالهٔ آنها بهیچوجه قابل مقایسه با جنگلهای انبوه شمالی نیست بلکه باید آنها را درمقابل جنگلهای شمالی درحکم بیشه‌هائی تنك دانست که در کردستان ولرستان وقسمتهائی از خوزستان و فارس جسته جسته آثاری از آنها دیده میشود ودرختان آنهاهم اکثر ازنوع بلوط و ومازوست درصورتیکه درشمال بین دامنه‌های شمالی البرز وحاشیهٔ دریای خزر ازحدود طالش تادره علیای انهار گرگان واترك تقریبا تمام اراضی درزیرجنگل مستوراست واقسام درختها از چوبهای قیمتی و چوبهائیکه بکاربنا وساخت کشتی ونجاری وسوخت بخورد تا اشجار مثمره از نوع مرکبات ودرپاره‌ای قسمتها زیتون وغیره درمیان آنها فراوانست .

غیرازدوقسمتیکه ذکر آن گذشت امروزدیگر درایران ناحیهٔ جنگلی

وجود ندارد اما قراین متعددی در دست است که سابقا وسعت اراضی جنگلزار در کشور ما خیلی بیشتر از اینها بوده خشك شدن تدریجی تمام نواحی آسیای مرکزی وغربی وتقلیل یافتن مقدار ریزش باران براین قسمتها وسعی جاهلانه مردم در برافکندن جنگلها که وجود آن خود یکی از اسباب پائین آوردن درجهٔ حرارت بخار آب اطراف وتولید باران است قسمت مهمی از مشرق ایران را از نعمت جنگل محروم کرده بالنتیجه بسیاری ازسرزمین‌ها راکه سابقاً بآبادی وخرمی معروف بوده‌اند بصورت واحه یا نقاط بایر مبدل ساخته است .

چون قسمتهای جنگل دار شمال غربی و مغرب بشرحیکه گفتیم بالاختصاص ازمناطق جنگلی نیستند بلکه دردرها ودامنه‌های کوهستانها ازبقایای جنگلهای قدیم نمونه کم اهمیتی بجامانده وجود اینگونه بیشه‌ها چنانکه باید نمیتواند نمایندهٔ جنس معیشت مردم قرار گیرد فقط تأثیر این نوع منطقه نباتی را درزندگانی اهالی مجاور میتوان بشرح ذیل خلاصه نمود .

١ - چون این جنگلها ازنوع درختان مثمر نیستند وازهیچ جهتی نمیتوانند تمام غذای مردم ساکن در اطراف خودرا بدست دهند وناچار سکنهٔ آن حوالی باید ازراه گله‌داری وزراعت تأمین معاش کنند اما بعلت کوهستانی بودن اراضی زراعت خواربار ونباتات غذائی نیز بسهولت و بقدر کافی میسر نیست بهمین جهت مردم از ناچاری ازیك مادهٔ محصول از همین جنگلها یعنی شاه بلوط تا حدی جبراین کسر را میکنند وفقرای ایشان بانان بلوط سد جوع مینمایند .

٢ - اگرچه برای غذا چنانکه گفتیم استفادهٔ چندانی از درختان این جنگلها بعمل نمی‌آید لیکن بعنوان سوخت مردم از آنها بهرهٔ وافی

برمیدارند چه چوب این درختان مغزدارو بهمین سبب هیزم وزغال آنها مطلوب ورافع احتیاج مردم از این لحاظ است اما در مقابل چون طول درختها زیاد نیست کمتر میتوان در نجاری وبنااز آنها استفاده کرد .

۳ ـ محصول صنعتی عمده‌ای که‌ازاین درختان بدست میآید مازوست که درصباغی ودباغی مورد استعمال است وعلاوه برمصرف داخلی هرسال مقداری از آن هم بخارج فرستاده میشود .

منطقه جنگلی بالااختصاص ایران چنانکه گوشزد شد تمام حاشیهٔ جنوبی بحرخزراست چه دراین منطقه بقدری درختان انبوه وسردرهم وجنگها پیوسته وبی‌انقطاع است که میتوان سراسراین قسمت را دریائی سبز دانست که بلافاصله بعد از دریای مازندران شروع میشود وامتداد آن تاقلل البرز میرسد . شهرها وآبادیهائی که دراین قسمت ایجاد شده درحکم آن هستند که دست انسان آنها را برای سکونت خود و ایجاد مراکزی جهت استفاده از منابع ثروتی جنگل بوجود آورده است پس تعجبی نیست اگر در چنین منطقه‌ای تمام فعالیت‌ها و اشتغالات مردم را مدیون وتابع جنگل بدانیم وجنگل را نمایندهٔ جنس معیشت ساکنین این منطقه معرفی کنیم بشرح ذیل :

۱ ـ دراین منطقه باران وچوبهای جنگلی جهت بنا زیاد است و سنگ مصالح کم . بنابراین خانه‌های مردم باید بشکلی ساخته شود که از آسیب باران فراوان محفوظ باشد ومصالحی در آن بکاربرند که تهیهٔ آنها بسهولت وارزانی دست دهد این است که عموم خانه‌های مردم ازچوب و تخته است وسقف آنها مستور ازسفال یاپوشال برنج . این نوع خانه‌ها هم بعلت فراوانی چوب وپوشال ارزان تمام میشود وهم بنای آنها چندان وقت وعلم وتجربه نمیخواهدو کاملاهم بااوضاع اقلیمی اینمنطقه تناسب دارد

فقط خطر کلی که غالب اوقات وجود آنها را تهدید میکند حریق است و گاهی توسعهٔ این بلا بجائی میرسد که شهری بزرك راطعمهٔ خود میسازد .

باید دانست که نظر ما در تشخیص نوع منزل دراین منطقهٔ جنگلی ایران خانه‌های طبیعی و دهقانی است که زادهٔ مقتضیات جغرافیائی مکان وتابع حکم کلی است و الا درهر نقطه از نقاط دنیا بااینکه اوضاع طبیعی سرزمین مقتضی نیست اهل استطاعت وتوانگران میتوانند منازلی که با درجهٔ تفنن وذوق ایشان متناسب باشد و بامصالحی که از نقاط دیگر بیاورند بنانمایند واین البته استثنائی است ازحکم عمومی و کلی .

٢ـ درچنین منطقه که در شمار منطقه معتدله مرطوب معدود است بعلت رطوبت زیاد ونبودن اختلاف فاحش مابین فصول طبعاً گندم وجو بخوبی بارنمی آید ، برخلاف برنج ازجمیع غلات دیگر بهتر درچنین سرزمینهائی رشد میکند این است که قوت غالب مردم بجای گندم برنج میشود . کثرت رودخانه‌های آب شیرین ونزدیکی بدریا ومحاط بودن درجنگل سهلترین وسایل صید را نیز دردسترس اهالی گذاشته وازراه شکارماهی‌های آب شوروشیرین وطیوروحیوانات حلال گوشت جنگلی مادهٔ غذائی مهم دیگری نیز بایشان داده‌است . تربیت حیوانات اهلی نیزرواج کلی دارد .

٣ـ تربیت کرم ابریشم وگاو و گوسفند نیز ازاشتغالات عمدهٔ مردم این منطقه است کشت نباتات صنعتی مخصوصاً پنبه و کتان و کنف نیز بسیار معمول است . محصول این جمله یعنی پشم وابریشم وپنبه وکتان لباس مردم وسایرحوائج منسوج ایشان را ازطناب وریسمان وگونی تهیه میکند . سابقاً مردم تمام این لوازم رابادست می بافتندلیکن حالیه براثر احداث چند کارخانه زحمت اهالی از این بابت چندین برابر تقلیل یافته است . لباس طبیعی یك نفرجنگلی شلوارهای چسب ونیم تنه‌های کوتاه

و کلاهای کوچك قالب سروغالباً جنس همه پشمی یانمدی است و کفشهای ایشان پاپوشهای پوستی است واین همه برای آنست که ازیك طرف از نفوذ باران جلوگیری کند وازطرفی دیگرحرکت باآنها درزمینهای مردابی و پر گل وازمیان درختان پرشاخه وتیغزارهاویاصعود براشجار آسان باشد .

٤- بهمان شکل که میگویند مردم هلندهرچه دارندآنراباصرف سعی عمل بمبارزه ازچنگ دریا ربوده‌اند درباب مردم منطقهٔ جنگلهای شمالی ایران هم باید گفت که تأمین حیات ایشان در نتیجهٔ مبارزه باجنگل امکان مییابد و سراسر عمراین جماعت دراینراه صرف میشود یعنی برای حفظ جان ورفع حوائج معیشت یا درمبارزه بارطوبتند(ساختن منزلهای متناسب بااین وضع وتهیه‌لباسهای مانع) یادرمبارزه باجنگل(برانداختن آن برای تحصیل اراضی قابل زرع و بریدن درخت برای تهیه هیزم و زغال وبنا ونجاری) ویا درمبارزه باحیوانات ساکن در جنگلها واطراف آنها (شکارورراندن خوك وگراز که آفت مزارع برنجند وشغال آفت باغها ومرغان خانگی و زد و خورد با میکرب مالاریا وتبهای نوبه ومردابی که نتیجهٔ رکود آبهادراراضی بی‌نشیب ومزارع برنج‌است) هرقدر قدرت یکنفرجنگلی دراین سه‌نوع‌مبارزه فزونی یابد زندگانی اومرفه‌تروینیك روزی اومسلم تراست ،

٥-چون‌منطقهٔ‌جنگلی‌شمالی‌ایران‌فوق‌العاده‌زرخیزوقابل‌بارآوردن اقسام نباتات غذائی وصنعتی است خیلی زیاد تر ازمصرف سکنه ، مردم آن بخوبی میتوانند از راه فروش مازاد محصول بومی سایرحوائج خود راکه سرزمین ایشان قادر ببرآوردن آن نیست رفع نمایند ، از برنج و زغال‌ومرکبات وابریشم‌وچای وپنبه‌وکنف‌وچوبهای جنگلی‌ولایات‌ساحلی بحرخزر هرسال مقداری بخارج آن نواحی فرستاده میشود .

۶ - جنس خاك این منطقه رسوبی است و آن یاقسمتی ازدریای مازندران است که براثر پائین رفتن سطح آب آن بصورت خشکی در آمده یانتیجه رسوب گل ولایهای رودخانه‌های کندروجلگه‌ایست ، بنابراین در این سرزمین نه‌سنك وجود دارد نه معدن فلزات پس اگردرسراسرچنین منطقه‌ای صنایعی بوجود آید فقط ازنوع صنایع فلاحتی است نه ازنوع فلزکاری واستخراج معادن چنانکه مقدمات‌این‌قبیل‌صنایع‌در ناحیهٔ مزبور شروع شده وازهمین‌حال میتوان‌برای بسط نساجی‌وحریربافی‌وقندسازی وکاغذسازی وکبریت سازی ونجاری ودباغی‌وتهیه لبنیات آیندهٔ درخشان آنرا پیش بینی کرد .

۲- بیابانهاو کویرها

بیابان نقطهٔ مقابل‌جنگل‌است‌باین‌معنی که هرقدردرنواحی‌جنگلی باران فراوان فرو میریزد دربیابانها ریزش آن نادراست واصلا ندرت و یاعدم‌باران‌است که زمین‌را بصورت‌بیابان‌ووادی‌غیردی زرع مبدل‌میسازد ،

اگرنظری بوضع ساختمان طبیعی ایران بیفکنیم می‌بینیم که سه طرف شمال ومغرب وجنوب ایران منطقه ضخیمی ازکوه قرارگرفته‌که نشیب تند آنها متوجه قسمت مرکزی وشرقی‌است بشکلی که درداخل حدود این منطقه یعنی مابین دامنه‌های جنوبی البرز وکوههای خراسان ودامنه های شرقی جبال عراق عجم ودامنه‌های شمالی کوههای فارس و کرمان سرزمین بالنسبه هموار بالنسبه وسیعی واقع شده‌که ارتفاع آن ازسطح دریا بتفاوت نقاط مابین ۵۰۰و۱۵۰۰متراست ودرتمام وسعت آن که قریب ربع ایران را پوشانده وتمام مرکز وقسمتی ازمشرق آنراگرفته هیچ رشته‌کوه معتبری‌دیده نمیشود جزبعضی قله‌های‌کم ارتفاع مجزا در

پاره‌ای این قسمت وسیع ظاهراً درسابق کف دریای پهناوری بوده است. که‌ازپای‌نشیب‌های منطقه کوهستانی نجد ایران‌شروع‌میشده وقسمت‌اعظم مرکز و مشرق آنرا در زیر آبهای خود داشته است .

دریای عظیم مزبور امروز بکلی خشك شده و تنها آثاری‌که از آن‌برجاست مردابهاوشوره‌زاهائی است که‌دراین‌قسمت‌دیده‌میشودوسعت این نمکزاردرباره‌ای نواحی بقدری زیاداست که هیبت آنها ازدور بشکل دریائی درخشنده نمایانست و مسافر بیخبر غالباً آن سرابها را دریای واقعی میپندارد .

لازم بتذکار نیست که دراینگونه اراضی که براثرندرت باران‌باین صورت درآمده ودرنتیجهٔ نبودن کوه‌وبازبودن فضابرای وزیدن هرگونه باد مخالف نه‌آب‌جاری‌وجودخارجی‌داردنه‌سبزه‌ونه‌درخت . بعلاوه آب وهوای آن بقدری شدید و مختلف است که هیچ جانوری نه درتابستان گرمای آنرا میتواند تحمل کند نه در زمستان سرمای آنرا .

این‌منطقه محل وزش آزاد باداست و بادهای آنهم اگرا ز جانب صحرای افریقا ونجدسورزان عربستان بیایند گرم و ازاقسام باد سمومند واگر ازجانب نجدهای پامیروکوهستانهای اطراف نجد ایران بوزندسرد ومهیب ، بعلاوه چون سطح آن مستورازشن وماسه است بادها درحین حرکت مقداری‌ازآنها راباخود حمل میکنند وبشکل ریگ روان‌آنها راازنقطه‌ای بنقطه‌دیگر میبرند و برای عابرین وکاروانان‌خطری دیگر ایجادمینمایند .

این‌قبیل سرزمین راکه بلافاصله ازجنوب شهرستان تهران شروع میشود تاحوالی کرمان ومکران وسیستان امتداد دارد بنام عمومی در

فارسی **کویر** میخوانند و کویر زمینی است شوره‌زار و بظاهر صاف وهموار اما همینکه مختصر بارانی برسطح آن فرود آید دیگر رفت و آمد برسطح آن دشوار میگردد ومسافر وچهارپا تازانو در آن فرومیروند و گاهی نیز درزیر آن خاك مردابی وغیر ثابت است وفرورونده راباخود باواسط کویر میکشاند ونجات او را محال مینماید .

آبادی دراین ناحیه منحصراست بچند واحه وبوجود آمدن آنها هم نتیجهٔ زایش اتفاقی چشمه‌ای آب یاحفر کاریزی است که زندگانی را برگرد آنها ممکن ساخته وبااینکه بیشتر راههای این قسمتها باشتر که حیوانی است پرطاقت ومتحمل چند روز پیاپی تشنگی طی میشود باز عابرین غالباً برای اینکه در راه گرفتاری بی آبی نشوند آب چند روز خود را درمشکهائی که ازپوست بزتهیه شده همراه برمیدارند واگر از بدبختی ایشان آن آب تلف شود یا باد سامی بر آن بوزدوحدت خشکی آن باد آب مشکها راتبخیر کند جان کاروانیان وچارپایان آنان قطعاً معروض خطراست چنانکه درمیان این مردم این جمله که : « درعبوراز کویر جان انسان درپوست بز است » ازعبارات متعارفی است ودرسراسر این ناحیه بیکران اصلانشانی ازآبادانی نمایان نیست وبهمین علت است که قسمت اعظم آنرا ازخیلی قدیم بصفت **لوت** یادمیکرده‌اند ولوت کلمه‌ایست فارسی وفصیح بمعنی برهنه وعریان وچون آن ناحیه ازهر گیاه ودرخت وآبادی عاری است آنرا باین نام میخوانده‌اند .

بهمین علت که قسمتهای بیابانی و کویر ایران خالی ازهر گونه ساکن است دیگر تشخیص جنس معیشت دراین منطقه معنی ندارد تنهااستفاده‌ای که از این منطقه درصورت کشیدن راههای سریع السیر آسان ممکن

است بهره برداری ازمنابع ثروتی آن ازقبیل اقسام مختلفهٔ نمك وسنگهای آهکی و گچی و در بعضی قسمتهای کوهستانی نیز ازمعادن آنست .

۳ - کوهستانها

کوهستانها نوعاً بعلت ارتفاع وسرد بودن هوای مجاور قلل جالب بخار آبند و آبرا بطرف خود میکشانند و آنها را باقتضای فصل بصورت باران یابرف درمی آورند امااین حالت موقعی امکان دارد که هوای مجاور کوهستان بقدر کفایت یعنی بمقداری که بحد اشباع برسد حامل بخار آب باشدوالا کوههائی که در داخل کـویر ها وصحاری و دور از دریا واقعند نمیتوانند مؤثر این اثر باشند .

در صورتیکه دامنهٔ کوهی متوجه دریا باشد بخاراتی که از دریا متصاعد و بوسیلهٔ باد بطرف این دامنه رانده میشود کوه آنرا جلب وبباران وببرف مبدل میسازدودر نتیجه آن دامنه خرم وحاصلخیز و آباد میگردد ولی دامنهٔ دیگر بعلت ارتفاع کوه ومانع بودن آن برای عبور بخار آب عکس این حالت را پیدامیکند . یك مقایسه بین دامنه‌های شمالی البرز که بسمت دریای مازندران است ودامنهٔ های جنوبی آن که عراق عجم را از شمال محدود میکند این نکته را بخوبی مبرهن میسازد . با تمام این احوال کوهستان هرقدر هم خشك وهوای مجاور آن ازبخار آب خالی باشدبازاز کویروصحراپر آب تراست چه ازیك طرف قابلیت جلب بخار آب آن اگرچه قلیل باشد از کویر وصحرا بیشتر است وریزش برف وباران برآن مخصوصا بر کوهستانهای مرتفع بیشتر صورتمیگیرد و از طرف دیگر در نتیجهٔ ذوب برفهای قلل و اجتماع آنها و تشکیل رود خانه و زایش چشمه‌های دامنه هاکـم وبیش آب بدست میآید در

صورتیکه در میان بیابانها و کویر ها این حالت بهیچوجه مشاهده نمیشود.

چون ایران بصورت نجداست وهریك از قسمتهای کوهستانی آن هم از لحاظ ارتفاع همین عنوان رادارد پس کوهستانهای آن غالبا محل نزول برف وبارانست ودر سراسر حاشیهٔ اطراف آن (غیرازقسمت جنوب شرقی) وقسمتی ازمرکز آن که بمغرب وجنوب نزدیکتر است تابمشرق وشمال قلل پربرف ورود خانه هاوچشمه های فراوان وجود وارد وآب محصول ازذوب برفها وریزش باران وزایش چشمه ها کافی است.

این شرایط دیگر که بآنها اشاره کردیم عبارتست اززمین بالنسبه وسیع حاصلخیز برای برداشت محصول وتحصیل غذاو آب و هوائی که بسیار شدید وناسازگار نباشد وداشتن راه ارتباط سهل باآبادیهای اطراف اماچنانکه مخفی نیست شرایط مزبوردرغالب کوهستانهاجمع نمیآیدچه کوهستان بعلت سنگزار بودن قابل زراعت نیست وآب و هوای آن در زمستان بسیارسرد وشدید ودر تابستان گرم و سوزانست بخصوص که در فصول زمستانی کوره راههائی هم که آنرا ازطریق معابرتنك و گدارها بنواحی اطراف مرتبط میسازند بسته میشود پس اگر مردمی در چنین مناطقی بتوانند زیست کنند درته دره های وسیع مابین دوکوه و کنار جلگه های کوچکی است که دردوطرف نهرهااز نتیجهٔ رسوب آب بوجود آمده ولی بهرحال این مردم کوهستانی بعلت سختی زمین و ناسازگاری آن برای زراعت وعدم سهولت ارتباط باخارج باوجوداینکه دائما باطبیعت نامساعد در مبارزه اند وافرادی زحمت کش وقانع وبردبار وقوی بارمیآیند عموما فقیرند در بعضی مناطق کوهستانی رشد میوه جات و انگور دیمی میسر است ومردم از این راه استفاده های خوب میکنند و از فروش آنها وفروش تیروهیزم وذغال کسر بسیاری ازحوائج دیگرخودراجبران مینمایند

بهمین عللی که‌یاد آور شدیم کوهستان نمیتواند جمعیت زیاد داشته باشد وچون‌درنظر بگیریم که‌قریب نصفی از ایران درزیر این قبیل کوهستانهاست‌وربعی نیز ازآن بشرحیکه گذشت ازکویر وبیابان‌پوشیده شده‌یکی ازاسباب عمدهٔ کم‌جمعیتی ایران مشخص میگردد .

٤ - کوهپایه ها وجلگه ها

درایران بعلت ارتفاع‌عمومی اراضی جلگه های‌وسیع‌وجودندارد تنها حواشی دریاهای‌اطراف وسواحل‌رسوبی رودخانه‌ها را میتوان‌تحت این عنوان آورد واز آنهامهمتر ازهمه‌یکی‌حاشیهٔ جنوبی‌بحر خزراست که سابقا احوال آنرا در جزء مناطق جنگلی ذکر کردیم دیگرجلگه خوزستان که‌از دامنهٔ کوههای بختیاری ولرستان درامتداد جلگهٔ عراق عرب تا مصب شط‌العرب وکارون وجراحی‌ممتداست واین قسمت‌چنانکه میدانیم سابقا در زیر آبهای خلیج فارس مخفی‌بوده ودریا تا دامنهٔ کوه های مزبور پیش میآمده است . چون عمق دریا در این قسمت خیلی کم بوده بتدریج آب‌آن بر اثرخشکی هوا ورسوبات شطوط وانهاری که از نجد های ایران وکردستان بآن میریزند عقب رفته وجلگهٔ خوزستان و عراق بوجود آمده است .

جلگه کارون‌بعلت‌رسوبی‌بودن‌اراضی‌وآب‌فراوان ونزدیکی‌بمنطقهٔ حاره ازنقاط بسیارحاصلخیز دنیاست وتقریبا تمام محصولات منطقهٔ حاره مرطوب‌رامیتوان از آن بدست آورد وبهمین علت است که بعضی آنرا « هندوستان کوچك » خوانده اند .

این ناحیه سابقا یعنی درقرون قبل از اسلام و عهد درخشندگی تمدن اسلامی ازمناطق زرخیز ایران‌بوده‌وازانواع محصولات آن‌بهره‌های

کثیری عاید میشده است .

جلگه خوزستان بهمین جهت خاك بسیار خوب و آب فراوان و مجاورت با دریای آزاد یکی از قدیمترین نواحی دنیاست که در ردیف وادی نیل وجلگه‌های دجله وفرات وگنگ و هوانگهو مرکز یکی از اولین تمدنهای باستانی شده و اقوام سومری وعیلامی در آنجا تمدن درخشان خودرا بوجود آورده‌اند در ایام هخامنشیان واشکانیان وساسانیان خوزستان از بلاد بسیار معمور وحاصلخیر بوده ودر قرون اول اسلام بر سر تصرف شهرهای پرثروت ومأموریت در آن خطه غالبا بین عمال درباری خلفا نزاع ورقابت بروز میکرده است .

امروز بعلت پائین افتادن بستر رودخانه ها و خراب شدن بندها و سدهای قدیم از آبادی سابق خوزستان مبالغی کاسته شده است درصورتیکه در ایام پیشین مسئلهٔ آبیاری وانشاء پل وبند وسد و شادروان در این ولایت فوق‌العاده مورد توجه بوده وهنوز آثار کثیری از این ابنیهٔ باستانی که همه بحال ویرانی افتاده اند در آنجا دیده میشود .

البته اگر توجهاتی که اخیراً بامر عمران خوزستان شروع باجرا شده تکمیل وتوسعه یابد باردیگر این ناحیه پربرکت آبادی گذشته را ازسر خواهد گرفت واز محصولات نباتی آن مخصوصا ازخرما ونیشکر و پنبه ونیل وبرنج وازبعضی دیگر از نباتات منطقهٔ معتدلهٔ گرم وحارهٔ مرطوب که آب وخاك خوزستان همه گونه استعداد پروراندن آنها را در بردارد مقدار کثیری که قابل فرستادن بخارج باشد بدست خواهد آمد .

گذشته از جلگهٔ خوزستان ومنطقهٔ جنگلی شمال آبادیها واراضی قابل سکونت عمدهٔ ایران کوهپایه ها ودشتهای حوالی مجاری انهاراست

وچون همه وقت دراین کوهپایه ها رودخانه هائی ازکوه بطرف دشتها وبیابانها یادر طول‌دره‌ها جاری هستند خاك‌رسوبی خوب‌بقدر کافی برای کشاورزی فراهم است‌ودر ایران داخلی جلگه‌و دشت‌هموار قابل‌سکونت وزراعت‌وتجمع همین قبیل دره هاو کوهپایه هاست .

در نواحی اطراف نجد ایران‌مثل آذربایجان وقسمتهای کوهستانی گیلان‌ومازندران و گرگان وخراسان و کرمان‌وفارس‌ومغرب تمام نواحی مسکون عبارت از دره‌های بین‌دورشته کوه‌است در صورتیکه در عراق عجم مراکز آباد مسکون کوهپایه هائی است که از یکطرف ببیابان و کویر منتهی میگردند چنانکه شهرستانهای قزوین وقم وورامین وخوار ودامغان وسمنان ویزد و کاشان و اصفهان همه مابین نواحی کوهستانی وبیابانی قرار گرفته‌اند وباصطلاح یکطرف همه آنها صحراست .

دراین کوهپایه ها ودشتها تا آنجاکه زمین‌قدرت آوردن محصول داشته باشد مردم بکشت‌اقسام‌مختلف ازنباتات غذائی‌وخواربارو گیاههای صنعتی میپردازند با این‌تفاوت‌که در نقاط آبگیر و اراضی که رساندن آب رودخانه‌وچشمه و کاریز امکان‌داشته باشدزراعت **پاریابی** ودرنقاطی که این امر ممکن نشود زراعت **دیمی** است‌اقسام میوه جات و بقولات وتره‌بار ونباتات صنعتی بزراعت پاریابی‌وغلات‌وانگوروتوت هم بزراعت پاریابی وهم بدیم عمل میشود .

میوجاب وانگوری که‌در این قسمتهای‌ایران بدست میآید هم از حیث تنوع وهم ازحیث خوبی جنس کمتر دردنیا نظیر دارد وشبهه ای نیست که وطن اصلی اکثر آنها ایران بوده وبعد ها ازاین‌کشور بسایر نقاط دیگرعالم انتقال یافته است .

اشتغال عمدهٔ مردم در این‌منطقه از ایران بغیر از ساکنین شهرها

در درجهٔ اول کشاورزی است و پس از آن تربیت حیوانات اهلی و تهیه لبنیات .

شهر های مهم و معتبر ایران همه درهمین کوهپایه ها و دره های حاصلخیز واقع است و تمدنهای قدیمی این سرزمین نیز ابتدا درهمین نواحی بوجود آمده و بعدها از آنجا بسایر نقاط پرتو افکنده است .

اگر نظر دقیقی بعلت اصلی ایجاد شهرهای این قسمت ایران بیندازیم واضح خواهد شد که این شهرها یا اکثر در محل تقاطع چندین راه کاروانی قرار گرفته اند مثل تبریز و مشهد و همدان و اصفهان و طهران یا در محل التقای دو یا چند رودخانه مثل شهر پارسه (پرسپولیس) و اصطخر و قم و یا در سرحد بین کوهستان و جنگل (اکثر شهرهای مازندران و گیلان) و یا درخط فاصل مابین بیابان و کوهستان مانند یزد و کرمان .

جمیع اسبابی که این شهرها را ایجاد کرده نتیجهٔ برخورد و تلاقی دو یا چند نوع معیشت مختلف با یکدیگر بوده و مردمی که هریك جنس معیشتی خاص داشته اند در این مراکز تلاقی و برخورد بمعاوضهٔ محصولات و کالاهای خود باهم مشغول میشده اند و بتبع این کیفیت آن مراکز صورت بازار و محل معاملات پیدا میکرده و اساس انشاء بلاد در آنجاها ریخته میشده و جماعتی دائما در آن نقاط اقامت میگزیده اند .

قبول اقامت در شهر و تفصیل پیدا کردن اجتماع مستلزم توسعه یافتن دایرهٔ احتیاجات است و چون در شهر بعلت تنگی فضا و جمع آمدن منازل و اماکن گردیکدیگر کشاورزی امکان ندارد ساکنین آن غیر از عدهٔ معدودی که بکار بازرگانی مشغولند بقیه متوجه صنعت میشوند ولی این صنعت غالبا از نوع صنایع یدی و دکانی است نه از جنس صنایع کبیر که آن لوازم و شرایط مفصل میخواهد و از خصایص تمدن جدید اروپائی

است بهمین نظر بغیراز نمونه های چندی که این اواخر ازنوع صنایع کارخانه‌ای درشهرهای ایران‌دایر گشته بقیهٔ صنایع مردم کشور ما ازهمان رشته صنایع یدی بوده‌است ولی دراین‌رشته اگرمحصول ازلحاظ کمیت قابل اعتبارنیست درعوض ازنظر کیفیت یعنی ظرافت وهنرنمائی وحسن سلیقه شایستهٔ همه گونه توجه واهمیت است وهمین امرتاحدی آن‌نقیصه را رفع مینماید .

نتیجه

ازاینمختصر که درباب نواحی طبیعی ایران گفتیم اجمالا واضح‌شد که ایران مشتمل برمناطقی‌است مختلف هم ازجهت آب‌وهوا وهم ازحیث ساختمان‌طبیعی وسازگاری وناسازگاری برای سکونت وآبادی ـ اگرچه قریب دوثلث آنراکوهستان وبیابان فراگرفته لیکن بقیه درعوض مرکب ازنواحی جنگلی وکوهپایه‌ها وجلگه‌های‌حاصلخیز وقابل‌سکنی است و همین اختلاف آب هوا وتنوع مناطق طبیعی بآن قابلیت بارآوردن‌اقسام مختلفهٔ نباتات که هررشته ازآنها مخصوص یکمنطقه است داده و چون کوه‌ها وحتی بعضی قسمتها ازبیابانهای آن هم محتوی معادن عدیده‌است وچوب وذغال ونفت آن‌نیزفراوان وکافی‌است درصورتیکه زراعت‌وتربیت حیوانات اهلی چنانکه‌شروع شده کاملاصورت علمی پیداکند واستخراج منابع زیرزمینی وکانهای فلزات آن توسعه یابد همه گونه وسایل ترقی وامکان بسط تمدنی زراعتی وصنعتی درآن وجود دارد واین جمله‌علاوه برآنکه قابل‌تغذیه وگذراندن‌معیشت‌جمعیت کثیری درداخله‌است بخوبی میتواند برای فروش ببازارهای عمدهٔ دنیا کالابفرستد ودراینمقام ایرانیرا باملل دیگربرپایهٔ همسری ورقابت استوارکند .

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1805493930-18

منابع ثروتی

ایران بشرحیکه دیدیم هم معادن مختلفه داردوهم باوجودخشکی نسبی هوا درغالب قسمتها بیابانی وکوهستانی بودن قسمت دیگر از آن برای زراعت اکثر نباتات غذائی وصنعتی طبی مستعد است .

ازمنابع معدنی آن جزقسمتی ازنفت جنوب وشاه آباد کرمانشاه و فیروزهٔ نیشابور وقسمتی ازذغال سنك شمال واطراف تهران وگل قرمز هرموزبقیه غالبا بکر مانده وشروع باستخراج آنها نشده است . امامنابع فلاحتی برخلاف چون استفاده از آنها بالنسبه آسانتر واحتیاج معیشتی مردم بآنهابیشتراست ازخیلی پیش مورد توجه قرار گرفته ولی فقط در این چندسال اخیراست که نسبة دراستفاده از آنهاازوسایل علمی استمداد شده بهمین جهت هنوز ازاین قسمت از منابع ثروتی ایران هم چنانکه باید بهره داری کافی بعمل نیامده و میتوانگفت که آن نیز مانند منابع معدنی تاحدی بکراست . البته باتوسعه یافتن استعمال ماشین های فلاحتی وبکاربردن کوتهای شیمیائی واستفاده ازآبیاری وزراعت علمی و بومی کردن بسیاری ازنباتات خارجی درایران استفادهٔ مردم ازمحل منابع نباتی کشور نیزچندین برابر زیادتر خواهدشد .

الف - منابع معدنی

ایران اگرچه هنوز ازلحاظ زمین شناسی و نقشه برداری معدنی کاملا تحقیق نشده لیکن ازهمان تحقیقات مختصر و متفرقیکه تا کنون بعمل آمده واضح شده است که دراین سرزمین معادن گوناگون وفراوان وجود دارد مخصوصا مواد اصلی برای صنعت یعنی مواد مولـد حرارت

(نفت وزغال و آبشارهای مولد برق) وفلزات مختلف را بحد کافی شامل است وعقیده جمعی ازمحققین براین است که ایران ازاین لحاظ اگراز بسیاری ازنواحی دیگردنیا پیشتر نباشد عقب تر نیست .

اینك فهرست کانهای مختلف کشور که یا ازخیلی قدیم مورداستفاده بوده ویاآنکه بتازگی استخراج آنها توجه شده است :

۱ - **زغال سنك** : درغالب نقاط دامنهٔ جنوبی البرز ازدماوند تا بشند وساوجبلاغ ، در آذربایجان (خلخال و آستارا ومیانه و مراغه) ، درکرمان وبلوچستان (بافق وکوه بنان وشهرود) ، در خراسان (درهٔ شمال کشف رود و دره گز) ، در مازندران (هزار جریب وزیرآب و گلوگاه) ودرلرستان وجوشقان واصفهان وسمنان وقزوین وشاهرودویزد

۲ - **آهن** : در آذربایجان(قراجه داغ واهر) ، درکرمان(بافق)، درمازندران (نور وگلوگاه) ، دراصفهان (چهارمحال بختیاری) ، در خمسه (درهٔ زنجانرود وپشت کوه) ، درخراسان (تربت حیدری) ، در گیلان (ماسوله) وطهران همدان وبلوچستان وکاشان .

۳ - **مس** : درخراسان (بین شاهرود وسبزوار، طبس ، بیرجند وقائنات) در آذربایجان (خلخال وقراجه داغ ومشکین) ، در کرمان بلوچستان (بم ورفسنجان) وفارس (فسا) و قزوین وخمسه و یزد و کاشان وطهران .

٤ - **سرب** : درطهران(کوه بی بی شهربانو، دوشان تپه ، شهرستانك پس قلعه) ، در کاشان (نطنز وجوشقان) ، درخمسه (انگوران و طارم ومنجیل)در آذربایجان(خلخال، درخراسان(اسفراین، نیشابور ، نزدیکی مشهد) واصفهان وسمنان ویزد وگرگان .

٥ - **گوگرد** : دراردبیل وسمنان وآذربایجان ودماوند ولارستان

وآمل وجوشقان وکردستان وبندرعباس وجزایر خلیج

۶ - **فلزات قیمتی** : طلا درآذربایجان وکرمان و بلوچستان و خراسان ودامغان وفیروزکوه وانارك وهمدان . طلای سفید درخمسه و اراك وهمدان نقره دراصفهان وبلوچستان وخراسان .

۷ - **املاح** : نمك طعام دراکثر نقاط ایران مخصوصا دراطراف قم وساوه واورمیه (رضائیه) ونیشابورودراکثرنواحی آذربایجان‌وهمدان سولفات‌دوسود مابین طهران وقم ومحلات‌ومابین طهران و قزوین و در بلوچستان . نوشادر درشبستر آذربایجان. کات کبود درشاهرود وخراسان وآذربایجان . زاج درخمسه وقزوین‌ویزدو کاشان و آذربایجان وشاهرود وفارس و بنادر و سمنان و لرستان . لاجورد در کاشان و آذربایجان . کبالت درانارك .

۸ - **احجار کریمه** : فیروزه درقم وخلجستان وقزوین وکرمان وطبس وقائنات مخصوصا درنیشابور یاقوت درقائنات .

۹ - **اکسیدها** : گل قرمز یعنی اکسید آهن دربنادر و جزایر جنوب بخصوص درجزیرهٔ هرموز وقائنات . خاك مشرق یعنی کائولن در آذربایجان وبین تهران وقم .

۱۰ - **نفت** : در اردبیل و سمنان (ده ملا کوه پیغمبران وکویر خوریان) ومازندران (سوادکوه وساری) ولاهیجان وگیلان وشاه کوه استراباد ودالکی فارس وخوزستان وبختیاری (میدان نفتون و شوشتر ومسجد سلیمان) وکرمانشاه (قصر شیرین) وکردستان وخراسان .

درمیان اینمعادن کثیر اکثر امروزبحال طبیعی و بکارت باقیست فقط ازآنها چنانکه گفتیم قسمتی از معادن نفت ودغال وفیروزهٔ نیشابور وگل قرمزجزیرهٔ هرموز استخراج میشود. یکی دوسالی است که‌دولت

توجه مخصوصی باستخراج معادن فلزات نیز مبذول داشته ومقدمات این کار را درچند نقطه تهیه کرده است ولی هنوز اقدامات دولت درمراحل ابتدائی است وطولی نخواهد کشید که این قسمت از صنایع استخراجی نیز اهمیت شایان خواهد یافت ومادرطی صحبت ازصنایع ایران ازمعادنیکه اکنون از آنها استفاده بعمل میآید گفتگو خواهیم کرد .

ب- منابع نباتی وحیوانی

درشرح مناطق نباتی ونواحی طبیعی ایران کلیاتی چند در باب این که کدام قسمت ازکشورما حاصلخیز وکدام قسمت کوهستانی وبیابان است ذکر کردیم وضمناجنس نباتات وحیوانات هرمنطقه رامشخص نمودیم لهذا دراینجافقط بشرح یك یك این نباتات وحیوانات استفاده های اقتصادی که ازآنها بعمل میآید میپردازیم ومقدار محصول وشمارهٔ هریك ازاین دوجنس راکه ازمنابع ثروتی معتبر کشورند بدست میدهیم .

منابع نباتی وحیوانی ایران سه نوع است :

۱ - نباتات ودرختانیکه بدست کشاورزان تربیت وزراعت میشود

۲ - حیوانات اهلی وحیواناتیکه بطریق شکار بدست میآید وصید مروارید وصدف وماهی .

۳ - جنگلهای طبیعی .

چون احوال جنگلها وفوایدی که ازآنراه فراهم میگردد سابقا درطی شرح مناطق طبیعی مذکور شده دراینجابهمان دومنبع دیگر اکتفامینمائیم .

۱ - حیوانات

حیواناتی که تربیت آنها در ایران مورداعتناست عبارتست ازگوسفند

و بز برای استفاده ازشیروروغن و گوشت وپشم وپوست ورودهٔ آنها و گاو برای شخم وبذر افشانی وچرم آن دربعضی ولایات برای سواری وحمل ونقل واسب وخر ومادیان واستر وشتر برای سواری وبارکشی وماکیان برای تخم وگوشت وپر آن و زنبور عسل برای عسل وموم آن و کرم پیله برای ابریشم .

گوسفند - در میان حیوانات اهلی دردرجهٔ اول اهمیت ازجهت مقدار و استفادهٔ مردم از آن گوسفند وبز است وبیشتر این جنس حیوان در آذربایجان وکرمانشاه و اراك و فارس و شهرستان طهران و خمسه و خراسان وصحرای ترکمن تربیت میشوند بزهای بعضی از ولایات ایران بخوبی پشم و کرك معروفند وپارچه هائی که از آنها تهیه میشوند در نهایت نفاست ومرغوبیت است .

این اواخر تربیت بعضی از انواع گوسفندان خارجی از نژاد گوسفند های اسپانیا وترکستان و در آمیختن آنها باگوسفندان بومی برای تهیهٔ پشمهای بهتر معمول شده و نتایج بسیار خوب از آن بدست آمده است

گاو - اقسام گاو گاو کاری برای استخدام درکشاورزی وبذر افشانی وشخم وگاومادهشیرده وگاومیش برای بارکشی وپوست وروغن در ایران بعداز تربیت گوسفند موردتوجه کلی است .

اسب : اسب از حیواناتی است که اول بار ایرانیان قبل از عهد هخامنشی آنرا تربیت کرده ودرسواری از آن استفاده کرده اند واجدادما همیشه بمهارت درسواری واسبهای ایرانی بخوبی جنس ونژاد شهرت داشته اند.

اسبهای شمال ایران (ترکمنی وآذربایجانی) وجنوب (بختیاری وخوزستان وفارس) بزیبائی وطاقت در دو وهوش درسواری همه وقت

مشهور بوده ولی در قرون اخیر بعلّت بی‌اعتنائی بحفظ نژاد سالم و خالص از این حیوان نجیب بتدریج اجناس خوب آن رو بقلت گذاشته و در نتیجهٔ اختلاط آنها با نژادهای پست‌تر اسبهای ایران صفات نیکوی خود را از دست داده‌اند . این اواخر دولت متوجه این نقیصه شده و با تدابیری چند از قبیل تأسیس اداره‌ای مخصوص و آوردن نژادهای خوب از اسبان خارجی برای آمیختن با اسبهای ایرانی و نظارت در این کار مشغول اصلاح نژادهای معیوب و تهیهٔ نژادهای صحیح و سالم از این حیوات هست .

استر : استر حیوانی است پرطاقت و زورمند و در شناختن راه و مهارت در عبور از گدارها و معابر تنك وصعب بسیار هوشیار هیچ وسیلهٔ دیگر نمیتواند از عهده رفع این احتیاج برآید .

شتر : ای عبور از بیابانها و کویرها تنها وسیلهٔ باربری و مسافرت شتر است چه غیر از این حیوان که میتواند مدتها تحمل تشنگی کند و بیابانها را بدون آب تا چند روز قطع نماید حیوانی دیگر این استقامت و بردباری را ندارد .

استفاده از این حیوان در مرکز و مشرق و جنوب شرقی ایران یعنی قسمتهائی که با بیابان و کویر مجاورند بسیار معمولست مخصوصاً در مکران و سیستان در سواری نیز از شتر استفاده میشود و این شتر های جمّازه بسرعت دو مشهور و ممتازند و گاهی فاصلهٔ مابین بلوچستان و خراسان را در عرض سه چهار روز بخوبی طی میکنند .

زنبور عسل : در جمیع ییلاقات ایران تربیت زنبور عسل و حفظ کندو معمولست مخصوصاً در آذربایجان (سهند وسبلان) و کوهستان البرز و خراسان و فارس و مغرب (کردستان) و از عسل و مومی که از این راه بدست میآید مردم بهرهٔ وافی میبرند اما بدبختانه هنوز تربیت

زنبور عسل درایران بهمان اصول دهاتی قدیم عمل میشود وتاکنون باصول علمی این کار توجه کافی نشده است بهمین جهت موم و عسلی که بدست میآید کاملا پاك و صاف نیست و نمیتوان آنهارا برای فروش ببازارهای خارجی فرستاد .

کرم پیله : تربیت کرم پیله در ایران از خیلی قدیم معمول بوده و بااینکه از مدتی پیش رواج بازار این کار در چین وژاپن بقدری بالا گرفته که همه اصل این صنعت را از آسیای شرقی میدانند عقیدهٔ جمعی از محققین بر آنست که کرم پیله را هم اول بار ایرانیها شناخته ودر تهیهٔ ابریشم از آن استفاده کرده‌اند و بعدها مردم آسیای شرقی این هنر را از اهل ایران آموخته و بممالك خود برده‌اند اما اروپائیان مسلم است که در عهد انوشیروان اول دفعه مقداری تخم نوغان از چین بروم شرقی برده و در آنجا و دریونان بتربیت آن پرداخته‌اند .

متأسفانه امروز تربیت کرم پیله و مقدار محصول ابریشم ایران بکلی از اهمیت سابق افتاده است و علت این مسئله یکی شیوع ناخوشی کرم پیله دیگر پیداشدن ابریشم مصنوعی است که آسان تر وارزان تر از ابریشم طبیعی بدست میآید و از بسیاری جهات بی شباهت بابریشم طبیعی نیست .

در قرون قدیم مخصوصاً در دوره‌های اسلامی وعهد مغول وتیموری و صفوی هم محصول ابریشم ایران بسیار زیاد بود و هم اقسام پارچه‌های ابریشمین آن ازنوع حریر وپرند (حریر ساده) و پرنیان (حریر ملّون) و اطلس ومخمل و در تمام ولایات شمالی و خوزستان و اصفهان و کاشان و یزد و کرمان و فارس قسمت بزرگی ازمردم بتربیت کرم پیله میپرداختند ولی این اواخر بعلل مذکور در فوق از رونق این کار بسیار کاسته شده

و حالیه دولت در تجدید رواج تربیت کرم پیله و تشویق مردم باعادهٔ رونق سابق جد مخصوص دارد و بهمین علت درعرض پنج‌شش سال‌اخیر ترقی آن‌نسبت بسابق بمراتب بیشترشده‌است .

نقاطی که امروز درایران در آنهاتربیت کرم پیله‌بعمل‌میآیدبترتیب اهمیت مقدار محصول عبارتند از گیلان‌وخراسان و گرگان‌و آذربایجان شرقی و مازندران و شاهرود ویزد .

۲ - صید ماهی

درسواحل بحرخزر وخلیج فارس ورودخانه‌هائیکه باین دودریا و دریاچه های داخلی میریزند ماهی بسیار فراوانست در پارهٔ از این قسمتها یکجزء عمده از قوت اهالی ماهی است در ایران هم ماهی آب شور فراوان است وهم ماهی آب شیرین و از مجموع محصولیکه ازاین راه بدست میآید جز تمام ماهیهای حرام و قسمتی از ماهیهای‌حلال که از آستارا تا مصب گرگان درسواحل بحرخزر و دهانهٔ رودهائیکه به آن فرو میریزند بقیه در داخله بمصرف میرسد ولی این قسمت اخیر که حق صید و فروش‌ماهیهای آن دردست‌کمپانی شیلات است برای‌مصرف خارجی است .

کمپانی شیلات شرکتی است مابین دولت ایران وجماهیرشوروی بسرمایهٔ ۲۱۵۰۰۰۰۰ ریال برای صیدماهی و تهیهٔخاویار سیاه وسفید و صدور آنها بخارجه .

ماهیهائیکه دراین‌قسمت شکارمیشود از انواع مختلفه‌اندمهمترین آنها ماهی آزاد و سیم و قزل‌آلا و سفید وکپور و اسیاك است ومعمولا آنها را از ماه آخر پائیز تا ماه دوم بهار صید میکنند . مجموع محصول

ماهی درسال ۱۳۲۸ ۶ر۵۲۲۵۱ و مجموع کارگران و کارمندان شرکت شیلات ۷۲۴۲ نفر بودند .

عموم ماهیهای صادراتی ایران ابتدا بخاك جماهیر شوروی میرود سپس از آنجا بسایر نقاط ارسال میگردد ودراین میان مقام اول از آن خاویار است که در فرنگستان طالب بسیار دارد و بقیمتهای خوب خرید وفروش میشود .

۳ - شکار حیوانات

جنس حیوانات ایران بعلت مختلف بودن مناطق طبیعی و نباتی آن متنوع است وغیرازحیوانات اهلی که بمهمترین آنها اشاره شد از جنس حیوانات وحشی وغیرمألوف نیزانواع عدیده دراین سرزمین دیده میشود چه از جنس پرندگان چه از اقسام دیگر جانور درنده و غیردرنده .

درغالب نقاط ایران برای استفاده از گوشت این حیوانات یاازپوست آنها شکار بسیار رایج است . آنهاکه برای گوشت شکارمیشوند عبارتند از اقسام طیورمانند قرقاول (تذرو) و کبك و کاکلی (چکاوك) و گنجشك و تیهو و دراج و کبوتر چاهی وقمری واردك و مرغابی وحشی و اقسام آهو وبز کوهی وغزال وقوچ .

شکارحیوانات ازلحاظ استفاده از پوست آنها درنقاط جنگلی و کوهستانی شیوع کامل داردوازاین حیث آذربایجان وولایات ساحلی بحرخزر وخراسان وبعد از آنها مغرب وجنوب غربی ایران مرکزاین کاراست .

اهم حیواناتی که پوست آنها مرغوب ومطلوب خارجیانست عبارتند از حیوانات نرم پوست مثل سمور وقاقم وخزودله وخرگوش وسگ آبی و شغال وروباه وازحیوانات پوست کلفت یوزوپلنگ وببروشیرهم دردره‌های علیای کارون و نواحی فارس دیده میشود .

٤ - صید مروارید

جزایر و سواحل خلیج فارس از ایام بسیار قدیم بمروارید خود معروف بوده واین محصول گرانبها که حتی از عهد کلدانیان در بعضی از جزایر خلیج فارس دادوستد میشده هنوز نیز یکی از نفایس کالاهای خلیجست وجمع کثیری ازمردم وتجار جزایر وسواحل خلیج چه درسمت ایران چه درسمت عربستان بغوص لؤلو ومعاملهٔ آن ازدست بدست ویاحمل آن بهندوستان و بازارهای لندن وپاریس اشتغال دارند .

دردورادور خلیج فارس مخصوصاً در اطراف سواحل وجزایر جنوبی آن یك رشته بر آمدگیهای تحت البحری قریب بسطح آب وجود دارد که هریك از آنها را باصطلاح محلی هَیْر میخوانند - محل رشد صدفهای مروارید اطراف این هیارات است و دامنهٔ آنها از جزایر بحرالبنات در نزدیکی رأس عمان تالنگرگاه کویت کشیده میشود و بیشتر آنها بسواحل عمان وبحرین تکیه‌دارند وعدهٔ هیارات متکی بسواحل لارستان وفارس نسبة کمتر است .

درسواحل فارس یعنی درقسمت لارستان وشیبکوه ودشتی مرکز عمدهٔ صید مروارید در هیارات اطراف جزیرهٔ کیش و بندرلنگه و بنادر شیبکوه ودشتی مثل طاهری وعسلویه وبستانو وشیوه ومقام وخارك است ودراین قسمت بیشترمعاملات درجزیرهٔ کیش وبندرلنگه صورت میگیرد لنگه بندر عمدهٔ صدور این متاع بعربستان وهندوستان وممالك خارجی دیگراست .

مروارید بحرین و سواحل عمان و کویت در سه مرکز عمده دادوستد میشود اول در بندرمنامهٔ بحرین دوم در بندردبی از بنادرعمان سوم در کویت .

بااینکه صید مروارید هنوز در جزایر و سواحل شغل عمدهٔ اهالی است لیکن در این سنوات اخیر از اهمیت سابق آن بسیار کاسته شده چه از طرفی بعلت بحران اقتصادی دنیا خریدار این متاع نفیس گران قیمت در بازارهای اروپا و امریکا رو بکاهش گذاشته و از طرفی دیگر بسط اعمال صنعتی و تجارتی دیگر عده‌ای از غواصان را که در شغل سابق خود هر آن معروض اقسام گوناگون از امراض و خطرات بوده‌اند بمشاغل کم خطرتر متمایل کرده و از همه بدتر رایج شدن مروارید دستی ژاپونی است که بظاهر عین مروارید طبیعی است که بثلث قیمت مروارید واقعی فروخته میشود و بعضی آنها را بجای مروارید اصل میفروشند با اینکه این اواخر خبرگان این معامله آلتی الکتریکی برای تمیز این دو نوع از هم اختراع کرده‌اند و بخوبی میتوانند مرواریدهای سفته را امتحان کنند و طبیعی آنرا از دستی مفروز نمایند باز اشکال کار در مورد مرواریدهای ناسفته باقیست .

مروارید از لحاظ رنگ و تلالؤ خارجی اقسام مختلفه دارد پست ترین آنها مروارید سفید متمایل بسرخی یا سبزی است و بهترین اقسام آن که بمروارید غلطان مشهور است کبود رنگ و آسمانگونست و بقیمت بسیار خوب خرید و فروش میشود .

ج - محصولات نباتی ایران

در میان محصولات نباتی ایران غیر از قسمت مهمی از خشکبار و نباتات صنعتی مصرف بقیه داخلی است و در میان آنها از لحاظ اهمیت غلات در درجه اول است بشرح ذیل :

غلات

گندم : گندم و جو را در ایران در مراکزی که آب جاری یا کاریز

بقدر کفایت بدست آید بطریق پاریابی و در سرزمین‌هائی که این شرط موجود نباشد بطرز دیمی زراعت میکنند .

قسمت عمدهٔ گندم ایران از آذربایجان و خراسان و فارس و عراق عجم و کرمانشاه و کرمان و کردستان بدست میآید و تمام آن باستثنای قسمت کمی در داخله بمصرف میرسد .

اصول زراعت غلات بطور کلی در ایران غالباً همان اصول قدیم دهاتی است و هنوز استخدام ماشینهای فلاحتی و کودهای شیمیائی و تهیه زمین برای زراعت علمی معمول نشده مخصوصاً امر آبیاری که از قرون قدیمه در ایران مورد توجه کلی بوده و استفاده از مقدار محدود آب و تقسیم آن در هر یك از نواحی کشور قوانین و رسوم خاصی داشته هنوز ترتیب صحیح نیافته و بسیاری از کاریزهای قدیم مطموس و سدهای پیشین خراب شده و بالنتیجه قسمت مهمی از اراضی مزروع بایر و لم یزرع افتاده است .

با استعدادی که در جنس خاك و هوای غالب قسمتهای قابل زرع ایران برای رشد و نمو غلات موجود است اگر اصول مذکور در فوق متداول شود و با تنظیم امر آبیاری بنقاطی که سابقاً آباد بوده آب آورده شود و یا بوسیلهٔ بستن بند و سد و حفر چاهها اراضی تازه‌ای را که مستعدند آباد کنند یقیناً چندین برابر حالیه میتوان زراعت غلات را بیشتر کرد و مازاد مصرف داخلی را بخارج فرستاد .

جو و زرت و ارزن : بعد از گندم از جهت میزان و مقدار در ایران از جنس خوار بار جو بیشتر از همه زراعت میشود و تقریباً در جمیع سرزمین هائی که در آنها زراعت گندم ممکن است جو نیز بعمل میآید و بغیر از مقدار قلیلی از آن که یا بمصرف ساخت آب جو در داخله و خارجه میرسد و یا در

بعضی ولایات فقرا از آن نان میپزند بقیهٔ آن صرف خوراك حیوانات اهلی میشود .

ارزن وزرت نیز در غالب نقاط غله خیز کشور بدست میآید واز آن نیز مقدار کمتر برای پخت نان وغذا در بعضی نواحی خوراك مردم ومقدار بیشتر خوراك طیور وغیره است .

برنج - بعد از غلات مهمترین محصول نباتی ایران برنج است که در اکثر نواحی پر آب زراعت آن میسر است واز آن انواع مختلف کشت وزرع میشود .

بطور کلی سرزمینهائی قابل کشت برنج است که یا آب جاری در مدت مدیدی ازعرض سال در نزدیکی خود داشته باشند ویا آنکه قسمت مهمی از سال باران بآنها ببارد

زراعت برنج برخلاف کشت سایر غلات کارگر بسیار لازم دارد چه برنج را باید کاشت وپس از آنکه نهال های آن مختصر رشدی کرد باید آنها را بزمینهائی که آب بر سطح آن ایستاده وبصورت مرداب در آمده است انتقال داد بهمین علت در اراضی برنج زار غالبا جمیع مردم ازخرد تابزرك اکثر اوقاتشان بنشا و درو و پاك کردن برنج میگذرد وبارطوبت و امراض نوبه‌ای که ناشی از آبهای ایستاده و مرداب های برنجکاری است دست بگریبانند -

امروز برنج در جلگه های ساحلی بحر خزر وخوزستان و ورامین واصفهان و کرمان و فارس زراعت میشود وبطور متوسط هر جریب زمین قریب ۱۲۰۰ کیلوگرم برنج حاصل میدهد .

مجموع محصول برنج تمام ایران قریب ٤٠٠٠٠٠ تن است

پنبه و کنف - در ایران پنبه در اکثر نقاط مخصوصا در قسمت شمال (خراسان و مازندران و آذربایجان شرقی) و در خوار وورامین وقم وکاشان و قزوین و یزد و فارس و خوزستان بعمل می آید وجنس

آن از اقسام خوب و مطلوبست ودرخارج طالب و مشتری فراوان‌دارد

این‌اواخر بعلت‌بسط صنایع نساجی وایجاد کارخانجات‌برای اینکار بر میزان احتیاج داخلی افزوده شده و دولت برای توسعه زراعت پنبه از اقسام تخمهای غیر بومی‌مثل‌تخم‌پنبهٔ مصری و امریکائی و ترکستانی مقداری بداخل جلب‌کرده و کشت این پنبه‌های خارجی نیز چندیست در ایران معمول شده و از این میان زراعت پنبهٔ امریکائی بیشتر رواج یافته است .

کنف که‌کشت‌و زرع آن بتازگی در ایران معمول گردیده از نباتات بومی هندوستان یعنی جلگه بنگاله است که مردم هند ازایام بسیار قدیم از الیاف آن طناب و کاغذ و پارچه درست‌میکرده‌اند .

در اواسط قرن نوزدهم اروپائیان بفوایدی که درکار نساجی از الیاف کنف میتوان برد متوجه‌شده و حالیه در اکثر ممالك صنعتی‌برای بافت طناب‌وگونی ودام ماهیگیری و بعضی از اقسام پارچه های‌خشن‌از آن استفاده میکنند

کنف معمولا درنقاط مرطوبی بعمل می آید ومنطقه رشد آن‌در ایران نواحی ساحلی بحر خزر است و مقدار کمی هم از خوزستان و کرمان حاصل میشود محصول سالیانهٔ تقریبی کنف ایران ۲۱۰۰ تن است‌که قسمتی ازآن بروسیه میرود .

توتون و تنباکو - توتون‌وتنباکو که استعمال وزراعت آن‌ازاوایل عهد صفویه بتوسط بحر پیمایان اروپائی بایران منتقل شده است در این کشور هم مانند سایر نقاط دنیا بسرعت شیوع یافته و امروز توتون و سیگار بمقدار کثیر درگیلان و مازندران و آذربایجان شرقی وتوتون چپق درکردستان و آذربایجان‌وکرمانشاه و تویسرکان و نهاوندوتنباکو

در فارس و اصفهان و کاشان و کرمانشاه و تویسرکان و نهاوند و تنباکو در فارس و اصفهان و کاشان و کرمان و ملایر و آذربایجان شرقی و شاهرود زراعت میشود

تریاك - لفظ تریاك یونانی است و معنی پازهر یعنی ضدسم دارد ولغت یونانی دیگر آن افیون است که از قدیم بعنوان داروی مخدر و ضدزهر در طب بسیار معمول بوده و درست معلوم نیست که شیوع آن بعنوان مکیف از چه وقت و از چه مملکت رواج پیدا کرده است

تریاك ازمحصولات بسیار مهم ایرانست بخصوص که تریاك ایران ازاقسام بسیار خوب آنست ومانند تریاك ترکیه بعلت زیادبودن مرفین آن (نزدیك بیست درصد) در موارد طب استعمال زیاد دارد و ازاین لحاظ برتریاك چین و هند مقدم است .

تریاك در فارس و اصفهان و خراسان و بروجرد و خوزستان و کرمانشاهان ویزد و ملایر و اطراف طهران زراعت میشود و مراکزعمده معاملات آن اصفهان وبنادرجنوبی است

محصول تریاك سالیانه ایران تا چند سال قبل بقریب ۱۰۰۰ تن میرسیده وقیمت آن بحدود ۱۰۵ میلیون ریال بالغ میشده است لیکن چند سالی است که دولت بعلت تعهدی که مانند سایر کشور های تریاك کار در مقابل جامعه ملل بگردن گرفته مشغول کاستن از وسعت اراضی تریاك و تبدیل آنها بمزارع نباتات دیگر مثل پنبه وغیره است بهمین جهت هرسال از میزان حاصل آن مبلغی کاسته میشود .

حبوبات - حبوبات یعنی نخودولوبیا وماش و عدس وباقلادراکثر نواحی ایران چه در مزارع وچه درباغات بعمل می آید و بیشتر مصرف آن داخلی و همراه غلات از اجزاء عمدهٔ غذای مردم است و حاصل

سالیانهٔ آن به ۱۶۰۰۰۰ تن بالغ میشود . ازجهت محصول حبوبات درایران کرمان و آذربایجان مقام اول رادارند و بعد از آنها خمسه و کرمانشاه و اصفهان و خراسانست .

میوه جات و خشکه بار - چنانکه سابقا اشاره کردیم ایران وطن اصلی اکثر درختان بارور و اشجار مثمر است و کمتر میوه‌ایست که اجناس بسیار خوب از آن در ایران بعمل نیاید .

غیر از مصرف داخلی هر سال مقدار زیادی از میوه های ایران بصورت خشکه بار یعنی میوجاتی که آنها را برای جلوگیری ازفاسدشدن خشك کرده‌اند بخارجه فرستاده میشود و در این مقام بادام وپسته و کشمش و فندق و قیسی و برگه از همه مهمتر است

از میوجات دیگرایران مثل سیب وبه و آلوو گلابی وهلووخربزه و هندوانه که درهر ناحیه از نواحی کشور نوع مخصوص ممتازی از آنها بدست میآید بیشتر بعلت آنکه فرستادن آنها بخارج ممکن نیست ودر صورت چند روزماندن در راه خراب و تباه میشوند تقریبا تمام را در داخله مردم مصرف میکنند فقط قسمت بالنسبه مهمی از مرکبات که در ایالات ساحلی بحر خزر و هم در فارس و کرمان بعمل می آید بخارجه فرستاده میشود .

در جنوب ایران یکقسم لیمو ترش خرد جثهٔ پر آب معطر بدست میآید که تازهٔ آن آبلیموی معروف شیراز و غیره را استخراج مینمایند و خشك آنراهم که بلیموی عمانی معروف است بعنوان چاشنی بکار می برند و این لیمو ارصادرات عمده جنوبست لیکن مصرف کلی آن داخلی است .

اما تجارت خشکه بارایران که عمدهٔ آن باعراق عرب و هندوستان

وجماهیر شوروی و آلمان صورت میگیرد بیشتر از میوه‌های خشك‌شدهٔ آذربایجان و خراسان وقزوین و خمسه و اصفهان واراك است مخصوصا در این نقاط (در آذربایجان و ابهر) دستگاههای بخصوص برای تهیهٔ سبزه (کشمش سبز) و کارخانجاتی جهت تهیهٔ جعبه و قوطی وپاك کردن میوه‌های خشك دایر شده و روز بروز در رعایت نظافت وجلب خاطر مشتریان مشکل پسند خارجی بیشتر سعی بعمل میآید.

مو وشراب - انگور در اکثر نقاط ایران (غیر ازسواحل شمالی بحر خزر ونقاط سردسیر) چه بصورت زراعت آبی وچه بصورت دیمی بعمل میآید و بشرحی که درفوق گذشت بیشتر آن یابحال تازه درداخله مصرف میشود و بشکل سبزه و کشمش بعنوان خشکه بار در داخله و خارجه بمعرض فروش گذارده میشود.

مصرف دیگر انگور تهیه مشروبات الکلی از آن مخصوصا شراب است و قسمت عمدهٔ آنهم در داخله بمصرف میرسد و مقداری هم بخارج فرستاده میشود.

خرما - خرما محصول نواحی گرم و خشك ایرانست و ازشمال کویر لوت تا سواحل خلیج‌فارس یعنی دریزد و کرمان وفارس وخوزستان مقدار کثیری از آن بعمل میآید و بعضی از اقسام خرماهای ایران از بهترین انواع آنست عده نخلهای ایرانرا به ۵،۳۰۰،۰۰۰ اصله تخمین زده‌اند که نزدیك بنصف آنها در خوزستانست و حاصل آن درسال به ۱۱۲،۷۰۵ تن میرسد وبیشتر آن بعراق عرب وهندوستان فرستاده میشود

نباتات روغن‌دار - مقصود از نباتات روغن دار یکعده ازنباتات صنعتی و غذائی است که از فشردن میوه و دانهٔ آنها روغنهای نباتی بدست میآید مثل کرچك و بزرك و کنجد و بادام تلخ که روغنهای آنها بیشتر در

صنعت یاطب بکار میرود و زیتون (ازنباتات مخصوص گیلان) که روغن آن بیشتر خوراکی است وقسمتی از آن هم بخارجه صادر میشود .

چای. چای ازنباتات بومی ایران نیست واول بار تخم آنرا تقریبا در پنجاه سال قبل ازسیلان بلاهیجان گیلان آوردند وچون درعمل معلوم شد که نواحی شمالی برای کشت این نبات کاملا مساعد است بتدریج مخصوصادر سنوات اخیره دامنهٔ زراعت آن بسط کلی یافته ودرلاهیجان واطراف رشت وتنکابن وبعضی از نقاط دیگر سواحل دریای مازندران مزارع چایکاری احداث گردیده است وحالیه قریب ٤٢٠٠ هکتار ازاین اراضی درزیر بوتهٔ چایست وهرسال هم بروسعت اراضی چایکاری ومیزان محصول آن افزوده میشود وتمام مصرف آن داخلی است .

چغندر و نیشکر - چغندری که سابقادرایران زراعت میشد همان چغندر صیفی بود که بکار غذای انسان وحیوانات میرفت لیکن از ۱۳۱۰ که دولت دست بکار ایجاد کارخانجات قند زد زراعت نوع دیگر چغندر که چغندر قند باشد شیوع یافت و امروز در نزدیکی های این کارخانجات در غالب نقاط مساعد کشور مثل کرج وشهریار و کرمانشاه و آذربایجان وفارس زراعت این قسم چغندر معمول شده وروز بروز هم رو بتوسعه است

نیشکر که ظاهرا از نباتات بومی ایالت بنگاله درهندوستان است از گیاهانی است که ازخیلی قدیم از آن طریق بایران منتقل شده وزراعت آی در خوزستان ونوعی از آنهم درمازندران و گیلان رایج گردیده است .

در ادوار قدیم مخصوصا در ایام تمدن اسلامی محصول نیشکر خوزستان بسیار مهم وزیاد بود لیکن بعدها بعلت ناامنی وبهم خوردن وضع آبیاری منظم سابق وخرابی سدها زراعت آن تقریبا بکلی متروك شد .

از چندی قبل دولت در صدد احیای زراعت این گیاه درخوزستان بر آمده وچون مصمم است که‌درمقابل کارخانجات ساخت قندچغندر کارخانهٔ بزرگی نیز برای تهیهٔ قند نیشکر در خوزستان ایجاد نماید در این راه سعی کلی بخرج میدهد و امیدواری هست که در نتیجهٔ این مساعی بار دیگر خوزستان مانند گذشته شکرخیز شود .

محصولات نباتی دیگر - غیراز نباتاتی که‌در زراعت ایران‌چه در موارد استعمالات غذائی وچه‌درصنعت و تفنن حائزرتبهٔ اولند محصولات نباتی دیگری‌هم در ایران بعمل‌میآید که باوجودنداشتن‌مقام‌نباتات‌طبقه اول باز خالی از اهمیت نیستند . اهم این طبقه از نباتات‌عبارتند از :

۱ - نباتات معطر مثل گل سرخ که‌از آن گلاب و عطر استخراج میشود واقسام‌ریاحین از نرگس ویاسمن ونعناع .

۲ - نباتات طبی مثل فلوس وعناب‌وسپستان ورازیانه وغیرها

۳ - نباتات صنعتی درجهٔ دوم مثل کتیرا وبغم و روناس وحنا و زعفران و انغوزه ونیل‌واقسام صمغ

٤ - علوفه ازقبیل یونجه وشبدر واسپرس

بعداز آنکه موقع ایران ومناطق نباتی ونواحی‌طبیعی آن‌شناخته شد ودانستیم که‌درهرقسمت از کشورما چه‌جنس‌معیشت ممکن‌ومتناسب بامقتضیات طبیعی است ودر هرناحیه میزان وجود یا عدم منابع ثروتی تاچه اندازه‌است‌اینک‌میپردازیم بذکر طرقی که‌مردم‌هریك‌ازاین‌نواحی‌از منابع فوق استفاده میکنند و بالنتیجهٔ چرخ اوضاع اقتصادی کشور را براه‌می‌اندازند .

این اعمال بشرحی که‌در مقدمه کتاب‌یادآور شده‌ایم بسه‌صورت

ظاهر میشود زراعت ، صنعت و تجارت .

۱ - زراعت

آبیاری وطرز توزیع آب - بعلت کمی مقدار آب ومنظم نبودن ریزش باران وکم و زیاد شدن برف قلل جبال که تابع مقتضیات آب و هوای بری است مردم ایران برای زراعت کمال احتیاج را بآوردن آب از نقاط پر آب داشته اندو بقدری این امرار زندگانی ایرانی مخصوصا مردم نقاط مرکزی وشرقی وجنوبی مهم بوده که هرجاکه نهری یاچشمهٔ آبی یاقناتی وجود داشته مردم همانجاگرد آمده وبآبادی و زراعت پرداخته اند وهمین که آب بعلتی از علل از میان رفته است آبادی و شهر نیز نابود شده مثل معروف : « هرجاکه آب است آبادانی است » از همین جا آمده واساساً لغت آبادی و آبادانی نیز از کلمهٔ آب ساخته شده است .

درایران آب باران ورودخانه هارا بپنج طریق ذیل برای زراعت یاشرب ذخیره میکنند ومورد استفاده قرار میدهند :

۱- بوسیلهٔ بستن بندوسد درمقابل آب باران درمواقع پر آبی و ذخیره کردن آن در گودالهائی درمقابل بندی محکم تادر مواقع کم آبی بتوان از آن بهره برداشت ویابستن سددر مقابل رود خانه هائی که بستر آنها از اراضی اطراف پائین تراست وباصطلاح آب آنها بزمین های اطراف نمینشیند ، وبوسیلهٔ این عمل یعنی بستن بند درمقابل جریان رودخانه ومانع شدن ازحرکت آن تا موقعی که سطح آب باسطح اراضی اطراف برابر شود آب رودخانه را بالا می آورند سپس برای مشروب کردن زمین نهرهائی از آن جدا میکنند مهمترین اقسام این بند ها بند امیر است بر روی نهر کر در اراضی دشت کربال که بنای آن ازامیر عضدالدوله

دیلمی است و سد قدیم کارون که از عهد هخامنشیان چند بار بنا و تعمیر شده وحالیه خراب است

۲ - بوسیلهٔ انبار کردن آب مجاری در بعضی محلهای سربسته بنام آب انبار که این قسمت بیشتر برای شرب است .

۳ - بوسیلهٔ حفر نهرهای متوازی بارودخانه‌هائی که پیوسته بستر آنها از سطح زمین پائین تر میرود و درهمه جـا نمی توان از آب آنها استفاده کرد .

در این قبیل موارد مردم از آن نقطه از رودخانه که آب آن بزمین اطراف می‌نشیند وهنوز بستر آن زیاد عمیق نشده نهر های بزرگی جدا میکنند و بتدریج بادادن نشیب مناسبی بآنها قسمتی از آب رودخانه را برای حوائج زراعتی وشخصی خود بمزارع وبلاد اطراف می‌برند از این قبیل است «مادی»های بزرك اصفهان که مردم آنها را از زاینده‌رود جدا کرده وقسمتی را بشهر وقسمتی را هم برای زراعت اطـراف میآورند

٤ - بواسطهٔ حفر کاریز یا قنات ، چون معمولا در کوهپایه‌هایعنی درقسمت اراضی قابل نشر دامنه‌های جبال آب در زیریك طبقهٔ بالنسبه کم عمق فراوان ودرجریانست بوسیله مقنی چاه بالنسبه بزرگی که «مادرچاه» نام دارد میکنند وبواسطه حفرچند مجرای زیرزمینی آبهای اطراف را بداخل این مادرچاه میکشند سپس از این مادرچاه تا نقطه ای که میخواهند آب را بآنجا برسانند مجرای زیرزمینی درست میکنند و آب را باین وسیله بآنجا میرسانند . هرجا که اراضی اطراف مجری را سست وبی پایبابند سقف اطراف آنرا بابوته یا سنك چین محکم میکنند و برای آنکه در روی زمین اثر این مجرای تحت‌الارضی را گم نکنند

در هر پانزده یابیست زرعی دهانه‌ای برای قنات بزمین باز مینمایند تا در مواقع لزوم برای تنقیه و لاروبی بتوانند از آن دهانه ها داخل مجری شوند . باین ترتیب آب ازکوهپایه ها بطرف بلاد دور دست میآید و کمی قبل از آنکه آب آن برای زراعت یاشرب توزیع شود آفتابی میشود .

۵ ـ بوسیلهٔ بالا آوردن آب ازدهانهٔ چاه ، حفراین قبیل چاه ها درغالب نقاطی که دردامنهٔ جبال یاکناررودخانه‌ها واقع شده اند ممکن است وبسهولت میتوان بوسیلهٔ دلو یا چرخ چاه (دولاب) آب از آن بیرون آوردواراضی کم وسعت اطراف را با آن مشروب کرد . اگر روز گاری حفر چاههای آرتزین در ایران عمومیت پیدا کند استفاده از این قبیل اراضی بیشتر ممکن است و باینوسیله مشروب ساختن اراضی وسیعتری میسرخواهد شد

مسئلهٔ توزیع آب درایران همه‌وقت ازمهمترین مسائل حیاتی شهرها و زارعین بوده و در هر قسمت از ایران از خیلی قدیم احکام وقوانین وقواعد مخصوصی داشته تاهمه کس بتواند ازمقدارمحدود آبی که درهر نقطه موجود است استفاده کندومیر آبی یعنی شغل توزیع آب بهمه بر حسب آن احکام وقوانین از مشاغل مهم هر شهروده بوده

ازعهد ناصرالدین شاه ببعد مکرر برای استفاده از آبهائی که‌در ایران دراطراف بلاد ومزارع بزرك هرز میرود مطالعاتی بعمل آمده و طرحهائی ریخته شده که اهم آنها بستن سد اهواز وکندن کوه رنك و وآوردن قسمتی از آب کرج و جاجرود بطهران و بستن سد شاهرود و آوردن قسمتی ازآن آب بقزوین وبستن سد ارس وآبیاری سیستان و کرمان و غیره بوده ولی ازاین طرحها فقط طرح مرحوم میرزا تقیخان امیرکبیر را درباب آوردن قسمتی ازآب کرج بطهران بلدیهٔ این شهر

درچند سال پیش عملی کرده و براثر این عمل قسمت مهمی از اراضی شمالی طهران آبادشده ونگرانی مردم اینشهر که غالباً درسالهای خشك ازجهت آب داشته‌اند برطرف گردیده‌است ونسبت ببعضی دیگر ازقبیل بستن سد اهواز وکندن کوه رنك مشغول شده‌اند .

باوجودخشکی نسبی ایران بازمقدار آبیکه در نقاط مختلفه هرز میرود وهیچگونه استفاده‌ای از آن نمیشود زیاد است . اگر روزگاری باوسایل جدیده درمقابل این آبهاسد ببندند ومجاری بعضی رودخانه‌ها را منظم کنند و دربعضی نواحی کوهستانی آب انبار های بزرك درست واستعمال چاه‌های آرتزین راشایع تر نمایند بدیهی است استفاده‌ایکه حالیه ازاین آبهادرایران میشود چندین برابر بیشتر خواهد شد و وسعت اراضی مزروع و آباد زیاد ترخواهد گردید مخصوصا اگرطریقه‌ایکه امریکائیها برای زراعت کردن در اراضی کم آب دارند یعنی طریقهٔ زراعت خشك[1] دربعضی نقاط معمول شود حتی درزمینهائی که برداشت محصول از آنها غیر ممکن بنظر میرسد میتوان بخوبی زراعت کرد .

طریقهٔ زراعت خشك این است که در زمینهائیکه مقدار سالیانهٔ باران کم است و از ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیمتر تجاوز نمیکند قبلا طبقهٔ روی اراضی را خرد ونرم میکنند تاآنمقدار باران کمی که بر آن فرو میریزد بسهولت بتواند در آن نفوذ کند و برای آنکه این خاصیت ازآن سلب نشود چندبارنیز قبل از ریزش باران آنقسمت را شخم میکنند تا زمین همچنان نرم بماند باینطریق باران بآسانی دراین طبقه نفوذ میکند و در زیراز تبخیر سریع محفوظ میماند سپس در روی آن نباتاتیکه برطوبت زیاد احتیاج ندارند ومیتوانند آب را ازقسمت پائین تر بوسیله ریشه‌های

1 - Dry - Farming

خود جلب کنند مثل گندم ویونجه میکارند سپس یکی دوسال زمین را آزاد میگذارند وپس ازاین فاصله دوباره برروی آن زراعت میکنند. این طریقه درقسمت غربی امریکاکه بالنسبه خشك است معمول استو دراسپانیا ومراکش نیز دربعضی نقاط آنرابکارمیبرند.

ایجاد جنگلهای مصنوعی درنقاطیکه سابقامستورازجنگل بوده و حالیه بکلی بایر افتاده‌اند (مثل قسمتی ازقهستان وکرمان) نیزممکن است رطوبت هوا را بتدریج زیادتر کند.

طرز کشاورزی . درایران چنانکه دیدیم غیر ازمنطقهٔ ساحلی بحرخزر که رطوبت کافی دارد و جلگهٔ کارون که انهار عدیده ازآن میگذرد ونقاطیکه در آنها زراعت دیمی معمول است بقیهٔ نواحی بر اثر آب وهوای بری غالب‌سال خشك میمانند وزراعت درآنها میسر نمیشود مگربوسیلهٔ آبیاری.

چون فلاحت ایران تابع مقداررنجی‌است که مردم بایددرآوردن آب ومشروب کردن اراضی ومساعدکردن زمین برای بذرافشانی ببرند تقریبا همه وقت مقدار محصول فلاحتی ایران بهمان اندازه بوده‌است که قوت لایموت اهالی راتأمین کند وکمتر سعی میشده‌است که محصول را برای‌فروش‌مازادآن‌بخارج‌فراهم نمایندمگردرمورد بعضی ازنباتات‌صنعتی

ترتیب زراعت یعنی آبیاری وشخم وبرداشت محصول وتقسیم آن بین رعیت ومالك درهرقسمت ازایران بشکل خاصی است. بطور کلی فلاحت هنوزدرمملکت‌ما بهمان‌اصول قدیمی عمل میشود وهنوزاستعمال ماشین بجای قوای انسانی‌یاحیوانی درشخم زمین وبذرافشانی وبرداشت محصول وبکاربردن کودهای شیمیائی چنانکه باید شیوع پیدا نکرده و آبیاری چنانکه گفتیم مطابق همان سیرهٔ قدیمه معمول است بعلاوه آفات

حیوانی و آسمانی غالبا زراعت مردم رانابود میکند وهنوز چنانکه باید درمقابل این بلیه نیزچارهٔ عمومی نشده‌است .

برای اینکه محصولات فلاحتی مملکتی قابل صدور بخارج شود باید اولا مردم قدرت‌داشته باشند که مبلغ زیادی ازیك محصول‌رابیشتر ازحداحتیاج‌خودتهیه کنند واین کارممکن نیست‌مگر باداشتن‌سرمایهٔ‌مالی کافی واستخدام ماشین های فلاحتی جدید که درمدت ثابت چندین‌برابر انسان یاحیوان کارمیکنند و خبرگی ومعلومات مخصوص برای تهیهٔ هر جنس مخصوص ازمحصولات زراعتی و آماده ساختن آن برای فروش در بازارهای خارجی بشکلیکه مرغوب ومطلوب جلوه کند وبامحصولات‌سایر ممالك فروشنده طاقت رقابت داشته‌باشد .

خوشبختانه دولت مدتی است که‌درهوشیار کردن‌زارعین ومالکین میکوشد وبقصد تهیهٔ محصول برای فروش دربازارهای خارجی‌مقتضیات دنیای جدید رابایشان میآموزد وخود نیزدراین عمل خیرپیشقدم است.

تأسیس مدارس کشاورزی (فلاحتی) وبیطاری ومؤسسات دفع آفات حیوانی ونباتی ایجاد مزارع نمونه واستعمال ماشینهای فلاحتی و کودهای شیمیائی وسعی درتربیت انواع نباتات وحیوانات غیر بومی‌در ایران قدم های خوبی است که‌دراین راه برداشته‌شده ومردم رافی‌الجمله باصول فلاحت جدید آشنا ساخته‌است .

اقدامات ذیل دولت ومالکین روزبروز توسعهٔ فلاحت را مطابق اصول جدید در ایران بیشترمیکند وامید هست که با پیشرفت دامنهٔ آنها نه تنها بزودی رفع بسیاری از حوائج اهالی ازبعضی از محصولات نباتی خارجه شود بلکه بتوان مقدار صادرات فلاحتی ایران را چندین برابر بیشتر ازپیشتر کرد :

۱ ـ تأسیس بانك کشاورزی برای اعانت بزارعین ومالکین وتشویق مخصوص ایشان بزراعت بعضی نباتات مثل چای و کنف وپنبه وتوتون که براه بردن کارخانجات داخلی یا رفع احتیاج ازواردات خارجی کمك نماید قانون تأسیس بانك کشاورزی درتاریخ ۱۲خرداد ۱۳۱۲ شمسی بتصویب رسید وتأسیس آن برای کمك بزارعین اثرخوبی داده است .

۲ ـ تعلیمات کشاورزی ، یعنی آموختن اصول فلاحت و بیطاری جدید برعایا بوسیلهٔ تربیت اطفال ایشان درمدارس فلاحتی ودامپزشکی (دانشکدهٔ کشاورزی کرج، دبستانهای فلاحتی ولایات، دانشکدهٔ دامپزشکی) وتهیهٔ مزارع نمونه وتقسیم بذر وقلمه ونهالهای برگزیده در میان رعایا ودخالتهای عملی درطرز کشت وتربیت آنها .

۳ ـ دفع آفات حیوانی ونباتی مخصوصاً مبارزه باملخ وکرم چغندروطاعون گاوی وسیاه‌زخم (مؤسسهٔ حصارك)

٤ ـ تربیت حیوانات ونباتات بومی وغیربومی واصلاح نژاد آنها ، دراین راه در این چند سال اخیر دولت و ملاکین اقدامات بسیار مفید کرده‌اند وازبسیاری ازنباتات وحیواناتی که سابقا تربیت آنها در ایران معمول نبوده وبومی کردن آنها درایران بخوبی امکان داشته‌است جنس‌های مختلف وارد کرده وازتربیت بعضی از آنها نتایج مطلوبی گرفته‌اند

غیر از چای که قریب پنجاه سال از تاریخ اولین زراعت آن در ایران میگذرد ودراین چندسال اخیر کشت و زرع آن بسط فوق‌العاده پیدا کرده‌دولت دراصلاح تخم پنبه وتوزیع تخم پنبه‌های خارجی درمیان رعایا سعی بلیغ کرده است ودر ورامین که ازاراضی مهم پنبه خیزایران است مؤسسه‌ای جهت این کار تأسیس نموده .کشت چغندر نیزاز بعد از تأسیس کارخانجات قندسازی مورد توجه کلی شده‌است مخصوصا در کرج

که اولین کارخانهٔ قندسازی در آنجا نصب شده ازاین زراعت نتیجه خوبی بدست آمده . زردچوبه و کنف که سابقا زراعت آنها درایران هیچ معمول نبوده درولایات شمالی کنار بحرخزر بخوبی بعمل آمده وروزبروزشوق مردم درتوسعهٔ آنها زیادتر میشود . همچنین ازاقسام میوجات ومرکبات قلمه‌ها وتخمهائی ازخارج بایران آورده شده که درنتیجهٔ امتحانات اولیه اطمینان کامل بپرداخت نتایج خوب اززراعت آنها فراهم شده‌است .

درباب تربیت حیوانات اهلی نیز ادارهٔ کل کشاورزی ازاقسام گاوها وگوسفندها واسب ومرغ نژادهائی چند که‌دردنیا بامتیاز معروفند وارد کرده ودرنقاطی که بیشتر آب وهوا بمزاج آنها سازش دارد آنهاراساکن ساخته تاهم عدد آنها را درایران تکثیر کند وهم در نتیجهٔ آمیزش آنها بانژادهای ایرانی نژادهای خاصی که دارای صفات‌ممتازهٔ هردونژادبومی وغیربومی میباشند بدست آورد .

٥ - فروش خالصجات ، خالصجات یعنی املاکی که تعلق بدولت داشته ودولت بهره‌برداری آنهارا درمقابل مبلغی معین بمدتی باشخاص واگذارمیکرده‌ودرنتیجهٔ اهمال اجاره‌داران واجحاف‌ایشان نسبت برعایا اغلب بایرشده وبهرهٔ دولت از این راه چیز قابلی نبوده . دولت در ١٧ دیماه ١٣١٢ شمسی قانونی بتصویب مجلس رسانید و بموجب آن غالب خالصجات رابشکل مزایده بمردم فروخت وقسمتی‌راهم مجاناً بایلات که مجبور بشهرنشین شدن شده بودند برای عمران واگذاشت این عمل هم مبلغی عاید خزانهٔ دولت یعنی سرمایهٔ بانك کشاورزی کرد وهم در نتیجهٔ انتقال آن ها بکسانی که حکم مالك آن ها را پیدا کردند آن ها را آباد تر کرد .

۶ ـ اقدام دیگر دولت که در راه بسط زراعت و حمایت فلاحت وفلاحین شده سعی درخشکاندن باتلاقهای ناسازگار نوبه‌خیز وبستن سد وترتیب وسایل آبیاری جدید است.

آبیاری وسدبندی درخوزستان شروع شده ودرجلگهٔ شوش بستن سد رودشاهپور انجام شده وکندن چاههای آرتزین نیزرو بشیوع وتوسعه است.

امر دیگری که دراین چند سال اخیر خوشبختانه در میان مردم طرف توجه شده وسابقا بتجارت خارجی ایران صدمات کلی میزده دقتی است که درنظافت تهیهٔ محصولات نباتی مملکت برای صدور بخارج میشود (سبزه وخشکه بار) همچنین درتهیه پنبه طبیعی است که هرقدر بیشتر درباب آن دقت و مراقبت بعمل آید رونق این قسم تجارت خارجی ایران را زیاد تر خواهد کرد.

صنعت وکارخانجات

استادان وهنرمندان ایرانی که درقرون گذشته چه قبل از ظهور اسلام وچه درایام درخشندگی تمدن اسلامی ازهنردست وذوق و فکر خود آثار بدیع بجاگذاشته و در ساختن ظروف منقور و اسلحهٔ آبدار ظریف وپارچه‌های رنگین وقالبدوزی ومیناکاری وتذهیب وتجلیدوقلمدان سازی وقالیبافی وتهیهٔ انواع عجیب کاشی مخصوصاً کاشی معرّق وظروف سفالین وچینی ولعابی دردنیا باستادی مشهور بوده وحاصل هنر خودرا درغالب ممالك بفروش میرسانده‌اندازوقتیکه براثر ترقی فوق‌العادهٔ تمدن مادی غرب وظهور صنایع کارخانه‌ای پای اجناس اروپائی بایران بازشده وامتعهٔ فرنگی بقیمتی بالنسبه نازل بازارها را فراگرفته بکلی از کارافتاده ودرمقابل این امتعهٔ جدید سبك قیمت وتقلیدهای ماهرانه‌ایکه اروپائیان

از بعضی از مصنوعات پر زحمت ایرانی بآسانی کرده اند تاب مقاومت نیاورده و بتدریج دست از هنر پردازی خود برداشته‌اند ورشتهٔ صنایع نفیسهٔ قدیم ایران که همه از نوع صنایع یدی محسوب میشده مهارت یافتن درهریك از آنها مستلزم عمری، کارکردن درزیردست استاد بوده یك باره ازهم گسیخته شده‌است و بسیاری از آن صنایع متدرجا معدوم گردیده‌است وابتدای شروع این حال انحطاط ازقریب پنجاه سال پیش بوده وعلل عمدهٔ آنرا بقرارذیل میتوان خلاصه نمود :

۱ ـ ایجاد صنایع کارخانه‌ای یعنی « صنعت کبیر » دراروپا بر اثر استفاده ازقوای طبیعی مثل فشاروبخار آب وبرق واستیلای امتعهٔ فراوان کم قیمت اروپائی بربازارهای شرق .

۲ ـ عدم استقلال‌دولت درحمایت مصنوعات داخلی بطریق‌افزایش تعرفهٔ گمرکی‌واردات .

۳ ـ ازمیان‌رفتن طبقهٔ اعیان‌ومتمولین داخلیکه مستقیما یابطریق غیرمستقیم‌مشوق‌ومروج‌صنایع‌تجملی‌ومشتری‌اربابان‌این‌نوع‌صنایع‌بوده‌اند

٤ ـ اختصاص عمدهٔ صنایع فوق برفع حوائج تجملی ولطیف و ظریف بودن‌محصول آنهاکه رواج بازارآن‌مستلزم متمول‌بودن وآسایش حال خریداران داخلی و آزادی بازار خارجی است. همین که مردم داخلی گرفتار فقر یا نا امنی ومشتریان‌خارجی براثرجلوگیری دولتشان ازخرید این قبیل‌مصنوعات‌که جزء لوازم ضروری‌نیست محروم وممنوع شوند بازار رواج صنایع مزبور لطمه شدید میخورد واگر اینمشکلات بزودی رفع نشود ممکن‌است بکلی ازمیان بروند .

٥ ـ عدم توجه دولت تا این اواخر بحمایت از مصنوعات داخلی

وتشویق هنرمندان وتهیهٔ بازارفروش آنها درخارج بوسیلهٔ دادن سرمایه وجوایز وافتتاح مدارس فنی وترتیب نمایشگاه‌های داخلی و شرکت در نمایشگاههای خارجی وتبلیغات تجارتی بوسیلهٔ نمایندگان خوددر بلاد بیگانه.

بعضی ازاین علل که آنها را مسبب انحطاط صنایع یدی درایران مخصوصا صنایع تجملی شمردیم شامل قسمت دیگری از صنایع یدی که جنبه تجملی نداشته وحوائج ضروری مردم را رفع میکرده و بعضی از صنایع کارخانه‌ای که بتقلید اروپائیان درقرن اخیر درایران دایرشده‌نیز بوده‌است باینمعنی که وجود موانع مزبورنگذاشته است که صنایع یدی ضروری وبعضی کارخانجات جدیدالاحداث دایر بماند و تا حدی احتیاج مردم راازخارجه سلب کندچه اجناس اروپائیان که‌مستظهر بحمایت‌دولتهای خود وقدرت صنعتی واستطاعت مالی صاحبان کارخانجات بوده بواسطهٔ عدم استقلال ایران درجلوگیری ازورود آنها حتی درداخلهٔ مملکت‌ما بمراتب‌ارزانترازا ناس داخلی بمردم فروخته میشدوصاحبان کارخانجات داخلی ازعهدهٔ رقابت با آنها برنمیآمده‌اند و همین کیفیت بر آن باعث آمده‌است که غالب کارخانجاتیکه از یك قرن پیش ببعد در ایران ایجاد شده بزودی ورشکسته‌وموجب‌خسران عمده برای‌اقدام کنندگان‌باحداث آنهاگردیده است.

صنعت جدید اروپائی‌چنانکه‌میدانیم قائم بردواصل‌است‌استخراج معادن واستخدام قوای طبیعی.

درایران ازخیلی قدیم درصنعت این دواصل‌هردو محل‌توجه‌بوده اما بدیهی است‌که بهیچوجه اهمیت وتوسعه‌ایرا که حالیه این اصول‌در ممالك صنعتی امروزی یافته اند نداشته چه استخراج معادن تا یك قرن

قبل فقط انحصار بمعادن سهل‌الاستخراج وفلزات واجناسی داشته است که مثل طلا و نقره ومس وسرب و آهن گاهی نیز بحال خلوص یعنی بدون ترکیب با اجسام دیگر درطبیعت بدست میآیند و در کار استخراج آنها علم وخبرت و وسائل مادی مفصل لازم نیست استخدام ازقوای طبیعی نیز منحصر بهمان استفاده ازقدرت آب وباد بوده واز این عوامل هم فقط در راه بردن چرخ آسیاها استفاده مینموده اند . استخراج علمی معادن و استفاده از بسیاری از قوای مجهول طبیعت هنر اروپائیان جدید است و سرّعمدهٔ ترقیات فوق العادهٔ تمدن مادی ایشان را نیز درهمین هنرنمائی مهم باید جست .

تقلید ازاروپا درمرحلهٔ صنعت جدید درایران نسبة قدیمی است و اولین اقدامیکه دراین راه شده ازایام نادرشاه افشاراست . این پادشاه درقسمت اخیر ازدوران سلطنت خود (۱۱۴۸تا۱۱۶۰) درنزدیکی آمل کوهٔ ذوب آهن درست کرد ومدتی درآنجاگلوله وخمپاره ونعل اسب میساختند وهم‌درکنار بحرخزر و خلیج فارس اقدام بساختن کشتی کرد .

درایام ولیعهدی‌عباس میرزای‌قاجار ودورهٔ اقامت او درآذربایجان اقدام بتقلید ازاروپا وجلب بعضی‌صنایع کارخانه‌ایکه مورد احتیاج بوده قوت گرفت چنانکه بدستور اودرتبریز وخوی بساختن کارخانجات توپ ریزی وفشنك وتفنك‌سازی وماهوت بافی وتأسیس مطبعهٔ سربی اقدام‌شد

ازابتدای‌سلطنت‌اعلیحضرت‌پهلوی‌خوشبختانه‌بواسطه‌ازمیان رفتن عمدهٔ عللی که‌گذشت مخصوصا آنهاکه مربوط بدولت بود صنایع کارخانه ای در ایران نضج جدیدی گرفته وعدهٔ بسیاری کارخانه درداخله چه بتوسط دولت‌وچه بتوسط شرکتها واتباع داخلی‌احداث‌شده و روز بروزنیزعدد آنها رو بافزایش است مخصوصا تشویقات‌دولت در این سنوات‌اخیره از

ارباب هنر و ایجاد نمایشگاه امتعهٔ داخلی و بر قراری انحصار تجارت خارجی وسعی در حمایت واحیاء صنایع یدی قدیمه صنعت ایران را در این دهسال اخیر فوق العاده رواج ورونق بخشیده است وبهمین علت همه گونه امیدواری بآیندهٔ درخشان آن هست.

صنایع امروزی ایران را بدو قسمت میتوان تقسیم کرد صنایع بومی یا یدی وصنایع جدید یا کارخانه ای

صنایع یدی

صنایع بومی ایران غیراز یکی دو فقره بقیه کم اهمیت و بیشتر مصرف آن داخلی است و از آنها هم که مقدار قلیلی بخارجه صادر میشود عواید مالی که حاصل مردم ایران میگردد چندان مهم نیست فقط انتشار آنها در ممالك خارجی باعث اشتهار جنبهٔ ذوق صنعتی وهنرنمائی استادان ایرانی وجلب اعجاب خارجیان است.

مهمترین صنایع یدی ایران بقرار ذیل است:

۱ - منسوجات

مردم ایران همه وقت در بافت اقسام پارچه‌های لطیف و ملون و منقوش از زربفت و حریر و دیبا و پرنیان و پرند و مخمل و گلدوزی وقلاب دوزی وشال ودارائی و سوزنی و کلاغی و گلابتون و نقده وزرکش واقسام قلمکار و خاتم دوزی وسجاده و بساط والیجه ونمد اشتهار داشته وبعضی از اقسام پارچه‌های زربفت و ابریشمین وپشمین و قلمکاری های منقوش دست استادان ایرانی از جهت ظرافت بافت وزیبائی نقش درتمام دنیا طالب داشته وبقیمت های گزاف خرید و فروش میشده است.

بدبختانه در پنجاه سال اخیر چنانکه سابقاً گفتیم این قسم صنایع دچار وقفه‌ولطمه کلی گردید مخصوصاً منسوجات ابریشمی که‌درخراسان ویزد و کرمان و کاشان و گیلان و آذربایجان بعمل میآمد بر اثر انتشار مرض ساری کرم‌نوغان و ورود پارچه های ابریشمین طبیعی ومصنوعی خارجی از سال ۱۲۷۷ که سال‌غلبهٔ ناخوشی‌مزبور بوده صدمهٔ تمام‌خورد وانقلابات شمال ایران مخصوصا گیلان که مرکز عمدهٔ تربیت کرم پیله ایران است ضربهٔ دیگر بآن زد .

خوشبختانه بتازگی‌دولت ومردم درصدد اصلاح خرابیهای گذشته بر آمده ودر ترقی مجدد بازار ابریشم ایران وتشویق تربیت کنندگان آن میکوشند .

۲ــ صنایع متفرقه

در غالب بلاد ایران بعضی صنایع یدی اختصاصی از قدیم وجود داشته که‌هنوز آثاری از آنها بجاست وعده‌ای استاد باچند تن شاگرد زبر دست خود در دکانی بتهیهٔ‌جنسی که‌شهرت شهرایشان بیشتر بآنست اشتغال دارند . اهم‌این صنایع بومی بقرار ذیل است .

حصیر بافی در دزفول وشیراز . زرگری‌وورشوسازی دربروجرد خاتم کاری دراصفهان‌وشیراز ، صابون پزی دراستراباد وقم . شیشه‌گری در قم ، برك بافی درخراسان ، شال درکرمان و شال پشمی در طالش و خلخال ، منبت کاری در خوانسار و آباده ، الیجه بافی در استرابادو آذربایجان ، گیوه و ملکی‌در اصفهان‌وشیراز و کرمانشاه ، ملیله دوزی وچاقو سازی در زنجان ، کوزه‌گری درقم وهمدان اقسام منسوجات‌در کاشان واصفهان ویزد و کرمان ومازندران و آذربایجان ، حلویات درقم

و بروجرد ویزد واصفهان وقزوین ، مسگری وحدادی در زنجان و کاشان و کرمانشاه ، گلاب در کاشان وفارس، نجاری در رضائیه و کردستان و آباده

۳ ـ قالی بافی

مهمترین صنایع بومی ایران بافت اقسام قالی وقالیچه است که ایرای رادر تجارت دنیا فوق العاده مشهور کرده بطوریکه در خارجه نام قالی خوب از نام ایران که همه وقت اقسام بسیار ممتاز از آن تهیه میکرده کمتر جداست بعلاوه در مصنوعات یدی صنعتکاران ایران قالی تنها کالائی است که بازار فروش رایجی در خارج دارد و با آنکه این اواخر از میزان صادرات آن بعلت بحران اقصادی عمومی عالم و جلو گیری غالب ممالك مشتری از ورود آنکه تاحدی جز ء اجناس تجملی است کاسته شده باز مبلغی که از راه فروش آن در خارج عاید مردم ایران میشود از ارقام بالنسبه معتبر صادرات کشور است .

مشهور ترین نقاط بافت قالی در ایران عبارتست از آذربایجان « تبریز ـ سراب ـ مهابات ـ افشار و خوی » و اراك « سلطان آباد ـ فراهان ـ ساروق » همدان و گروس و کرمانشاهان و کردستان و اصفهان وبختیاری و کرمان و کاشان « مخصوصا قالیهای ابریشمین » وفارس « ایلات خمسه وقشقائی » و گرگان « ایلات ترکمن » .

عمدهٔ اشتهار قالی ایران در خارجه بامتیازات ذیل است

۱ ـ حسن بافت ، مخصوصا برشته بودن آن « قالی خوب از این حیث درهرقدم مربع تا چهل هزار گره میخورد »

۲ ـ ثبوت رنك ، رنگهائی که استادان قالیباف ایران با آن نخهای خود را ملون میکنند همه رنگهای نباتی وبهمین جهت ثابت است وغالب

آنهاازپارهٔ گیاهها یابرك و پوست و تخم آنها بدست میآورند و بانخ میجوشانند تاکاملا رنك بخورد نخ برود و زوال ناپذیر باشد

ازوقتیکه رنگهای جوهری در کار رنك آمیزی نخهای قالی معمول شد چون این رنگها ثابت نیست و پس ازمدتی زایل میشود لطمهٔ بزرگی بشهرت قالیهای ایران درخارجه وارد آمد و بازار آنرا تامدتی دچار شکست کرد .

۳ ـ حسن نقش ، اززمان صفویه که دورهٔ کمال رواج بازار صنایع ظریفه وفنون جمیله درایران بوده یکعده نقش‌های بسیار زیبا ومتناسب بعنوان سرمشق نقاشی روی قالی در میان استادان قالیباف ایران شیوع داشته واستادان هر عصر و زمان نیز بسلیقهٔ خود تصرفاتی بجا در آنها میکرده‌اند مخصوصا نقوش گل وبوته وحیوانات وتقلیدازمقرنش کاریهای ابنیه همه وقت در روی قالیها نموده میشده وبآنها منظرهٔ بسیار موزون دلربائی میداده است که هرصاحب ذوق وسلیقه‌ای را بی اختیار مجذوب مینموده وبتحسین هنرنمائی بافندگان وطرح ریزان آن وامیداشته‌است

بدبختانه تا این اواخر رعایت اصول معمول صاحب هنران قدیم بکلی مورد بی اعتنائی بوده وهرکس بسلیقهٔ کج خود هرشکل ونقشیرا میپسندیده در روی قالی میآورده وغالباً اشکال نارسای بد ترکیبیرا در روی صفحهٔ کارخویش مینموده که هم زحمت خود رابیقدرمیکرده وهم بشهرت قالی ایران که بحسن نقش مشهور آفاق بوده صدمهٔ کلی میزده‌است

ازمدتی پیش دولت متوجهٔ این عیب بزرك شده و باجلوگیری از استعمال رنگهای جوهری وتاسیس مدرسهٔ رنگرزی وتهیهٔ نقوش صحیح تاحدی قالیبافیرا بخط صحیح قدیم برگردانده‌است .

٤ ـ خوبی نخ وپشم وابریشم، وانتخاب اقسام متناسب از آن برای آن نوع قالیکه غرض بافت آنست .

قالی ایران بیشتر بترکیه و هندوستان و انگلیس وامریکا صادر میشود ولی چنانکه گفتیم دراین سنوات اخیر مقدار صادرات آن براثر بحران عمومی اقتصادی جهان وسیاست حمایت مصنوعات داخلی دربعضی ازممالك تنزل فاحش یافته است . از لحاظ قیمت خریدار قالی ایران در درجه اول امریکاست وبعدازآن انگلیس .

صنایع کارخانه‌ای

کارخانجاتیکه حالیه درایران دایر است یعنی آنها که با ماشین آلات وارده ازفرنگستان وبمدد قوهٔ آب وبرق دایرشده بردو نوعست: یك نوع آنهاکه‌دولت آنها رایابرای رفع حوائج خود ویا برای برآوردن حاجات مردم ایجادکرده نوع دیگر آنهاکه شرکت های داخلی بتاسیس آنها پرداخته‌اند .

کارخانجاتیکه دردست شرکت ها یا کارخانه داران داخلی است ازجهت اهمیت بدوطبقه منقسمند ، یك طبقه کارخانجات کوچکترکه با یك عدهٔ محدود کارگر در بلاد بزرك و کوچك براه بردن چرخ قسمتی اززندگانی مردم مشغولند مثل کارخانجات برق وکفش‌دوزی وجوراب بافی وآجرپزی وآسیاهای آرد وگچ وشیشه گری ولیموناد وآبجو و شراب سازی وچاپخانه ها وروغن وعرق کشی‌وسیگارپیچی وبرنج وپنبه پاك‌کنی وپشم شوئی وآهنگری ویخ سازی دیگر کارخانجات بزرگترکه دارای عملجات فراوان ومحصول بالنسبه زیاد .

کارخانجاتیکه دردست دولت است نیز بدو رشته منقسمند : یك رشته آنها که منحصراً برفع حوائج دولتی مشغولند مثل ضرابخانه و قورخانه‌وباروت سازیهای‌پارچین وشمیران وهواپیما سازی شهباز دیگر

کارخانجات عام‌المنفعه اینك ما ذیلا بشرح کارخانجات عمده‌ایکه حالیه درایران دایراست میپردازیم .

الف ـ کارخانه های دولتی

۱ ـ قند سازی

درسال ۱۳۱۳ هجری قمری درقریه کهریزك سه فرسنگی جنوب غربی تهران شرکتی بلژیکی بایجاد کارخانه ای برای تهیه قند چغندر بطرز اروپا شروع کرد ولی بعداز اندك مدتی بواسطه مخالفت شدید روس ها که قند عمدهٔ ایران را وارد میکردند مجبور ببستن کارخانه مزبور شد و قند سازی کهریزك در سال ۱۳۱۷ قمری از کار افتاد .

درسال ۱۳۱۰ هجری شمسی دولت ایران‌درصدد بر آمد بافتتاح کارخانه‌ای‌در کرج درشش‌فرسخی مغرب طهران اقدام‌کند .

این کارخانه بزودی دایر و مفتوح گردید و دولت در همان سال براه انداختن‌کارخانه سابق‌کهریزك و رفع نواقص آن پرداخت و مصمم شدکه نظیر این‌دو کارخانه‌درایالات‌عمدهٔ ایران‌نیز کارخانجاتی دایر نماید .

تاکنون در ایران نه باب کار خانه قند سازی تأسیس‌شده که هر سال فقط قریب‌سه ماه (بعلت فراهم نبودن چغندر کافی) کارمیکنند بقرارذیل :

اسامی کارخانه‌ها	محصول قندبه‌تن	محصول‌شکربه‌تن
۱ ـ آبکوه (مشهد)	٤٧١٧	٦٢٥٢
۲ـ شاه‌آباد (کرمانشاه)	١٥٦٣	١٢١٦
۳ـ کرج	٤٥٠٠	

اسامی کارخانه‌ها	محصول قند به‌تن		محصول شکر به‌تن
٤ـ کهریزك	١١٣٢		
٥ـ مرودشت (فارس)	٣٩٢١		٤٨٣٦
٦ـ میاندوآب (آذربایجان)	٢٢١٧		
٧ـ شاه زند (اراك)	٢٠٥٤		
جمع	٢٠١٠٤	جمع	١٢٣٠٤

٨ـ ورامین (تعطیل است)

٩ـ رضائیه (هنوز شروع بکار نکرده است)

مجموع کارگران آنها در موقع بهره برداری قریب به ٥٠٠٠ هزار نفر است کلیهٔ قند و شکری که حالیه از این کارخانجات بدست میآید فقط برابر با خمس مصرف داخلی است و چهار خمس دیگر معمولا از جماهیر شوروی و بلژیك و آلمان و انگلیس و سایر کشورهای بیگانه وارد میشود اگر کشت چغندر قند توسعه کافی یابد و کارخانه قند نیشکر کارون ایجاد شود امید هست که بتدریج کارخانجات داخلی بتوانند تمام احتیاج کشور را از این لحاظ رفع نمایند .

٢ ـ کارخانجات نساجی

کارخانجات نساجی که در دست دولت است عبارتست از :

١ ـ کارخانجات نساجی و گونی بافی شاهی مازندران

٢ ـ چیت سازی بهشهر ٣ ـ حریربافی چالوس

مجموع محصول سالیانه آنها عبارتست : از ١٦٥٨٠٣٤٢ متر پارچه و ٩٢٢٨٢ کیلو نخ و ٢٢٣٢٠٠ متر صافی

و ۸۲۹۹۵ باند نوار و ۱۰۸۲ متر فرش پلکانی

و ۴۲۰۸۸۲۶ نخ سیگار (ماسوره) و ۱۳۴۲۵۱۰ کیسه گونی

و ۱۸۰۰۰ جفت جوراب ابریشمی

مجموع کارگران آنها بالغ بر ۷۹۲۸ نفر است

کارخانه چیست سازی دیگری هم در تهران در دست ساختمان است

سایر کارخانجات دولتی

کارخانجات مهم دیگر دولتی بقرار ذیلند :

۱ـ کارخانه سمنت سازی حضرت عبدالعظیم که در سال ۱۳۱۲ بکار افتاده و محصول سالیانه آن ۵۸۰۰۰ تن و تعداد کارگرانش ۱۸۰۱ نفر است

۲ . کارخانجات اشباع تراورس در شیرگاه ـ جوهر نمك و گودرن در طهران تصفیه روغن در ورامین ـ صابون و گلیسیرین در دولت آباد تهران ـ کربنات دوسود در هشتگرد ـ ذوب و تصفیه مس در غنی آباد ، تعمیرات شماره ۵ و نك کارخانه شیمیائی و آجر نسوز در امین آباد ، کنسرو سازی شاهی و بندرعباس و چوب بری تیمشان و کارخانجات چای و برنج کوبی و پنبه پاك کنی و ابریشم و نوغان و دخانیات و غیره که مجموعاً بالغ بر ۵۰۰۰ نفر کارگر در آنها مشغول کارند

ب ـ کارخانجات غیر دولتی

عده این قبیل کارخانجات زیاد و عدد آنها روز بروز رو بافزایش است ، این کارخانجات بیشتر ریسندگی و بافندگی پارچه های نخی و پشمی و گونیبافی و چرم سازی و کبریت سازی و صابونسازی وغیره است

احصائیه از مجله آمار عملکرد صنایع عمده کشور در سال ۱۳۲۸ منتشره از طرف وزارت کار و آمار بازرگانی ایران با خارجه منتشره از اداره کل گمرك استخراج شده

کارخانجات ریسندگی و بافندگی - مجموع کار خانجات نساجی غیردولتی بالغ بر سی دو کارخانه است که نه کارخانه در اصفهان و بقیه در سایر شهرستانهاست

محصول سالیانه کارخانه‌های نساجی ازقرار زیراست

		واحد بهزار متر
پارچه نخی	۱۱۲۷۸	
« پشمی	۱۴۶۷٫۷	
پتو « بهزارعدد	۱۴۸	
نخ پنبه بکیلو	۷۵۳۲۸۳۵	کیلو
نخ پشم	۷۰۱۴۰	«
کانوا	۱۶۱۵۴	کلاف
نخ قرقره	۲۸۰۰۰	کرس قرقره
خامه	۲۷	تن
کیسه گونی	۹۸۴۷۴۸	کیسه
لقاف	۶۱۴۰۰۰	متر

توضیح - احصائیه بالا راجع به ۲۹ از ۳۲ کارخانه‌است

مجموع کارگران ۳۲ کارخانه نیز از زن و مرد و بچه بالغ بر ۲۰۰۰۰ نفراست

کبریت سازی - کبریت سازی ۲۶ کار خانه است : در تهران ، همدان ، اراك تبریز واصفهان وغیره وکلیه بالغ بر ۴۷۷۴ نفر کارگر دارند محصول سالیانه آنها ۳۶۰۰۳۴ صندوق هزار عددی است .

چرم‌سازی - مجموع کارخانه‌های چرم‌سازی هفت است که در

تهران وهمدان وتبریز تأسیس شده ومحصول آنها عبارت است از رویه وزیره وپوست کیفی وسریشم

سایر کارخانجات عبارتند از : کارخانجات کشبافی ، جوراب بافی ، حلاجی، تصفیه پشم، نوشابه سازی، آردسازی، صابونسازی، روغنکشی، بلورسازی ، برنج کوبی ، پنبه پاك کنی ، چای سازی ، مقواسازی . بلورسازی ، ورشو سازی ، بند پوطین ، نوار قیطان و غیره و اخیراً کارخانه کاغذ سازی در ورامین تأسیس شده ولی هنوز شروع بکار نکرده است .

ج- استخراج نفت

نفت- نفت ماده ایست قابل اشتعال که در طبقات زمین یافت میشود ومتضمن مواد مختلفی است که بوسیله ماشین آلات ولوله های نفتی استخراج میگردد وپس از استخراج آنرا در دستگاه های مخصوصی تصفیه وتجزیه مینمایند و در بعضی نقاط درسطح زمین نیز پیداست

محصولاتیکه از نفط بدست میآید خیلی زیاداست مانند نفط خام (نفت سوخت) نفت سفید . کازولین، اقسام بنزین ، انواع کریس ، پارافین ، اسفالت وروغنهائیکه برای روغن زنی بکار میرود وغیره

نفت فوق العاده مهم مخصوصاً در صنایع موتوری امروزه از احتیاجات اولیه محسوب میگردد وبرای بدست آوردن آن رقابتهای شدیدی بین دولتها وشرکتهای بزرك دنیا در گرفته وبوسیله کارشناسان فنی در تمام روی زمین مشغول تجسس و اکتشاف این ماده مهم حیاتی وبدست گرفتن آن هستند واز فرط مهمی آنرا طلای سیّال نام نهاده اند

ممالکی که دارای معادن نفط بوده و موفق باستخراج شده اند عبارتند از امریکا ، روسیه ، ونزوئلا ، ایران ، هلند ، رومانی ، عربستان

صعودی ، عراق عرب و بعضی ممالك دیگر .

نفط ایران از بهترین نفتهای دنیاست مخصوصا بنزینهای مستخرجه از آن خیلی مرغوب تر از بنزینهای سایر کشورهاست .

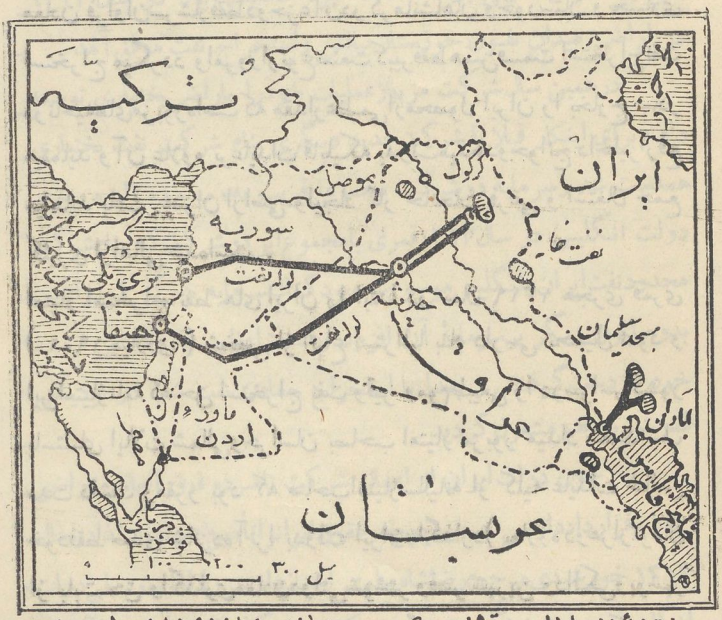

شکل ۱۴ نقشهٔ نفتی ایران و عراق «اقتباس از کتاب و مبانی جغرافیای اقتصادی»

بنا بتحقیقات زمین شناسی که بتوسط متخصصین فن بعمل آمده قسمت اعظم ایران جزء منطقه نفت خیز وسیعی است که در جهت شمال بجنوب از حدود سواحل بحر احمر وشبه جزیره سینا تا خاك رومانی و شمال بحر خزر کشیده میشود و معادن حجاز و مصر و شام و عراق و رومانی و گالیسی و روسیه و قفقازیه تمام جزء این منطقه‌اند و بعقیده خبرگان

زمین شناسی جمیع آنها اززیرزمین بیکدیگر ارتباط دارند

درایران علی العجاله آنچه بتحقیق پیوسته است در تمام قسمت مغرب وجنوب غربی وشمال وشمال شرقی وجود نفت بثبوت رسیده لیکن ازاین معادن فراوان سرشار فقط دوجزء آن در کرمانشاهان وخوزستان و بختیاری استخراج میگردد وامروز از نوع صنعت کبیر فقط همین قسمت استخراج نفت در ناحیه‌های مزبوره است که مقدار عظیمی ازمحصول ایران را بخارج صادر مینماید و آن علاوه برعایدات قابلیکه بدولت میدهد وحوائج داخلیرا رفع مینماید باعث عمران اراضی وایجاد کار خانجات فرعی و اشتغال جمع کثیری ازاهالی شده است .

امتیاز استخراج نفط های ایران را ابتدا در سال ۱۳۱۹ هجری قمری (۱۹۰۱ میلادی) شخصی از اتباع استرالیا بنام دارسی تحصیل نمود و این امتیاز نامه که حق استخراج نفت وقیر وموم طبیعی را درسراسر کشور باستثنای ایالات شمالی وخراسان بصاحب امتیاز مزبور میداد شصت سال مدت داشت ومقرر بود که صاحب امتیاز سالیانه از کلیه عایدات خالص خودفقط صدی شانزده آنرا بدولت ایران واگذارد(بعلاوه دوهزار تومان از بابت حق واگذاری معادن دولتی شوشتر وقصر شیرین ودالکی وبوشهر که قبل ازامضای این قرار داد در دست دیگران بود) و پس ازیکماه بعد از شروع بکار ۲۰۰۰۰ لیره نقد و معادل همین مبلغ از سهام شرکت بدولت ایران بپردازد . درعوض حق داشته باشد که هرچند کارخانه که برای توسعه عملیات وپیشرفت کار خود لازم بداند ایجاد نمایدو از تأدیه حقوق گمرکی اشیاء ولوازمیکه ازخارج وارد میکند و محصولاتیکه بخارج میفرستد معاف باشدوازمراکز استخراج تاخلیج فارس لوله بکشد ودولت ایران متعهد شود که حق لوله کشی تاسواحل و رود خانه‌های

داخلیرا بهیچکس دیگر وانگذارد .

دارسی امتیاز خود را کمی بعد بیك شرکت انگلیسی فروخت و این شرکت اول بار درسال ۱۳۲۱ هجری قمری شروع بکار کرد شرکت ثانی که سرمایهٔ اولی آن ۶۰۰۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی بود در سال ۱۳۲۷ در اراضی میدان نفتون خوزستان بیافتن واستخراج نفت موفق آمد .

درهمین سال شرکت مزبور عملیات خودرا باراضی بختیاری توسعه داد وبرای اینکار قبلا با شرکت جدید دیگری بنام شرکت نفت بختیاری همدست شد وسرمایهٔ دوشرکت مجموعاً قریب به ۲۰۰۰۰۰۰ لیره رسید. دولت انگلیس در سال ۱۳۲۳ قمری بامجموع این دوشرکت که بنام شرکت محدود نفت ایران وانگلیس موسوم شده بود کمك سرمایه بزرگی کرد وقریب بدومیلیون دیگر برسرمایهٔ آن افزود وقسمت اعظم سهام را باین ترتیب خود دردست گرفت . و بعداً با استخراج معادن نفت شاه در نزدیکی قصرشیرین هم مشغول گردید .

چون دولت ایران از اعمال شرکت نامبرده فوق العاده ناراضی بود وقرارداددارسی هم بهیچوجه حقوق ایرانرا تأمین نمینمود لذادرسال ۱۳۱۲ خورشیدی مرحوم رضاشاه پهلوی امتیازدارسی را لغونمودولی دولت انگلیس بحمایت شرکت چند فروند کشتی جنگی باقشون بطرف آبادان فرستاد ودولت ایرانرا سخت تهدید نمود عاقبت بعد از مدتها کشمکش مرحوم رضا شاه را مجبور بامضای قراردادديگری بمدت شصت سال نمودند باینکه شرکت نفت قراردادرا بحمایت دولت انگلیس وبزور بایران تحمیل کرده بود وازهرجهت بضرر ایران بود معهذا طبق آنهم عمل نمیکرد وازسودهنگفتی که میبرد درسال مبلغ ناچیزی بایران میداد بعلاوه در کلیه شئون اقتصادی واجتماعی وسیاسی ایران دخالتهای ناروامینمود ناچارازطرف

مجلسین شوری و سنا کمسیونی بنام کمسیون نفت بریاست دکتر محمد مصدق تشکیل و بعد از چندماه مباحثه و رسیدگی بعملیات شرکت بالاخره متفقاً اعضای کمسیون در ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ برای ملی شدن صنعت نفت ماده قانونی بمجلسین پیشنهاد نمودند که باتفاق آراء بتصویب رسید.

متن قانون: بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمك بتأمین صلح جهان امضاء کنندگان زیر پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در سراسر کشور بدون استثناملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گیرد و در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۰ قانون دیگری موسوم بقانون خلع ید از تصویب مجلسین گذشت و دولت ایران خود مستقیما بنام شرکت ملی نفت ایران کلیه امور آنرا در اختیار گرفت

فعلا در سه نقطه نفت استخراج میشود

۱ - **میدان نفتون و مسجد سلیمان** در مشرق شهر شوشتر یعنی در درهٔ رامهرمز و کارون و دامنهٔ جبال بختیاری که در وسعت هفتاد میل انگلیسی چاه‌های بسیار برای استخراج نفت کنده شده است.

۲ - **میدان نفت هفت گل** در نه فرسخی جنوب شرقی مسجد سلیمان که در ۱۳۰۹ باستخراج نفت آن پرداخته‌اند.

از آخرین چاه‌های این دو ناحیه تا بندر آبادان (عبّادان) و داخل کشتی های نقاله یك رشته لوله های زیر زمینی کشیده شده و قسمت عمدهٔ نفت همچنان خام بوسیلهٔ کشتیهای مخصوص برای تصفیه ببنادر استرالیا و هندوستان و فرانسه و انگلیس فرستاده میشود فقط جزء کمی از آن در آبادان تصفیه میگردد و برای این کار در آن بندر کارخانهٔ ایجاد شده که فقط میتواند روزی ۱۳ هزار تن نفت تصفیه نماید بعلاوه دارای سه دستگاه

کارخانهٔ تقطیر وچند انبار ذخیره و مؤسسات فرعی دیگری نیز هست .

۳ - میدان نفت شاه درخاك کرمانشاهان نزدیك بسرحد ایران وعراق که‌از ۱۳۱٤ شروع باستخراج نفت آن‌شده واز آن‌محل نفت خام را برای‌تصفیه بالوله‌بشهر کرمانشاه میآورندودر کارخانهٔ بزرگی که برای اینکار در کنار نهر قره‌سو برپا گردیده تصفیه مینمایند .

تعداد متخصصین خارجی‌قبل ازملی‌شدن‌درقسمتهای‌نفت۲۸۸٤ نفر و تعداد کارشناسان ایرانی۸٤۷ نفر وتعداد کارمندان۸۷۷۰ نفر و مجموع کارگرانش درحدود ۵۱۵۵٦ نفرمرد و۱٤٦نفرزن بود وبیش‌از۱٦۰شعبه کارگزاری وفروشندگی‌درسراسر کشور وجود دارد . محصول‌نفط ایران درسال‌های‌اخیر سالیانه بالغ برسی میلیون تن‌رسیده

جدول‌ذیل نمایندهٔ‌مقدار صادرات‌نفط‌ایران‌از ۱۳۲۰ تاسال۱۳۲۸است

تاریخ	وزن بتن	ارزش واحد یکهزار ریال
۱۳۲۰	٤٫۹۹٤٫۳۳۹	۱٫۰۱۱٫۳۳۷ ریال
۱۳۲۱	۸٫۸۷۷٫۷٦۵	۳٫٤۸۳٫٦۷۱ «
۱۳۲۲	۸٫٤۳٦٫۰٤٦	۳٫۲۷۷٫۵۲۵ «
۱۳۲۳	۱۰٫۱۰۷٫۲۸٦	۳٫۹۱۷٫۷۷۲ «
۱۳۲٤	۱٤٫۹۵۷٫۵۵۳	۵٫٦۱۱٫٦۹۷ «
۱۳۲۵	۱۷٫۹۲۷٫۹۲۲	۸٫۰٤۹٫٤٦۷ «
۱۳۲٦	۱۷٫۹۱۳٫۱٦۱	۹٫۹۹۳٫۲۰۳ «
۱۳۲۷	۲۰٫۱۸٤٫۹٤۸	۱۷٫۱٤۰٫۰٦۳ «
۱۳۲۸	۲۱٫۵۰۷٫۳۲۱	۱۵٫۳۸۹٫۳٤۸ «

طرق ارتباطیه

دراصطلاح جغرافیائی راه عبارت از آن خطی است که بتوسط انسان درروی خشکی یادریا یا درجوّ هوا پیموده شود ولی باید دانست که هرخطی که در روی خشکی ودریاوهوا توسط فردی یا افرادی ازنوع بشرطی شده باشد راه خوانده نمیشودمگرپس از آنکه مکرر محل عبور ومرورمردم ونقل وانتقال عابرین ومال التجاره هاقرار گیرد وبر اثرهمین مکررشدن عبور ومرورونقل وانتقل در سراسر یا در بعضی نقاط معین ازآن آثاری مادی ازانسان جهت تأمین رفت وآمدوحفظ ونظم نقل وانتقال برجا باشد مثل پلهاوباراندازها وکاروانسراهاوگدارها و لنگر گاه‌های خطوط بحری وهوائی . این قبیل طرق وخطوط ارتباطیه دایر نمیماند مگر مابین مساکن جماعات مختلفه درناحیه‌ای محدود مثل کوچه‌هاوخیابانها درمیان بلاد وخانه‌های مردم یکشهر یا مابین حوزه‌های جمعیتی مختلف (مانند خطوط عمدهٔ بری وبحری وهوائی درمیان بلاد و کشورهای دور ازیکدیگر)

بنا بر این هرگاه در جغرافیا از مبحث طرق ارتباطیه صحبت بمیان میآیدغرض تشریح احوال خطوطی استکه مساکن جماعات مختلفهٔ بشری رادرروی خشکی یا دریایا هوابیکدیگرمرتبط میسازند بانضمام کلیهٔ مسائل وامور مادی مربوط بآن ازقبیل وسایط نقلیه ووسائل تامین عبور ومرور و تصرفات نوع بشر درطبیعت برای تنظیم وتسطیح وتسهیل حفظ راه‌ها وآثارمادّیی که ازاودراین راهها برجامانده است

ازمختصراطلاعیکه درابتدای کتاب ازوضع ساختمان طبیعی وموقع

کوههای ایران بدست داده ایم معلوم شده استکه در سراسر کشور ما باستثنای چند ناحیهٔ کم وسعت محلی همه جا سلسله‌های کوه در اطراف حدود مملکت و مابین نواحی طبیعی داخلی کشیده شده و مردم این نواحی برای حصول ارتباط بایکدیگر با خارج ضرورةً باید این کوه‌ها را قطع کنند یعنی جز آنکه دره‌های رودخانه‌ها و گدار های طبیعی کوهستانها را برای این کار مورد استفاده قرار دهند چارهٔ ندارند بهمین علت اکثر راههای ایران طبیعی است وچون جز این راهها طرقی دیگر وجود ندارد این خطوط همه وقت یعنی از ابتدای تاریخ ایران تاکنون تقریبا بدون انحرافی فاحش بهمین صورت دایر بوده و صورت راههای دائمی را داشته‌اند.

الف - راههای ارتباط برّی با خارج

راه‌های پایتخت بسواحل بحر خزر

جمیع راههائی که از طهران بسواحل بحر خزر متوجهند چون این شهر در دامنهٔ جبال البرز قرار یافته باید دره هائی ازاین سلسله را که درجهت طول جغرافیائی امتداد دارند قطع کنند اهم این طرق بقرار ذیلند:

۱ — **راه پایتخت بنوشهر** معروف براه مخصوص بطول ۲۱۰ کیلومتر که در ۱۳۱۳ افتتاح شده و از کرج و گردنه کندوان میگذرد و درامتداد درهٔ چالوس ببندر نوشهر منتهی میگردد

۲ — **راه طهران ببابلسر** بطول ۲۹۲ کیلومتر که از دامنهٔ دماوند و فیروز کوه در امتداد دره تالار بشهر شاهی میرسد و در این شهر بدو شعبه منقسم میشود یك شعبه بشهر بابل و از آن جا ببابلسر

میرود و شعبهٔ دیگر از راه ساری ببندر گز و بندر شاه و شهر گرگان انتها می یابد .

۳ - **راه هراز پی** که از طهران از طریق درهٔ رود هراز بشهر آمل و بندر محمود آباد متوجه است و این راه که کوتاه‌ترین و قدیم‌ترین راههای عراق عجم بساحل دریای مازندران است تااین اواخر متروك مانده بود و حالیه درصدد تعمیر و احیای آن هستند

٤ - **راه پایتخت به بندر پهلوی** بطول ۳۷۹ کیلومتر که یکی از راههای تاریخی ری وقزوین بساحل بحر خزر است ازطریق گیلان و چون‌قسمتی از آن یعنی‌شعبه‌بین پایتخت وقزوین راه آذربایجان وهمدان کرمانشاه و بغداد نیز هست میتوان آن را یکی از مهمترین طرق ایران از لحاظ رفت و آمد مسافرین و حمل و نقل مال‌التجاره محسوب داشت .

۵ - **راه‌طهران بگرگان** که یکقسمت از آن یعنی‌پایتخت تا شاهرود همان راه طهران بمشهد است‌قسمت بین شاهرود و گرگان که از دره‌های شرقی سلسلهٔ البرز میگذرد جدیدالاحداث است واگرچه‌از قدیم مابین جرجان و شاهرود و بسطام از این طریق راه عبور و مروری وجود داشته لیکن آن فقطراهی کاروانی بوده و برای وسایل نقلیه جدید بهیچوجه صلاحیت نداشته است .

راههای پایتخت بمرزهای خراسان

۱ - **راه طهران بمشهد وباجگیران** که قسمتی از آن

یعنی از شاهرود بسمت پایتخت همان راه طهران بگرگان است از شاهرود ببعد راه داخل خاك خراسان میشود و پس از عبور از سبزوار و نیشابور در مشهد بخطوط خراسان که متوجه ترکستان و افغانستان وسیستان اند می پیوندد .

خط مشهد بباجگیران ۲٤٥ کیلومتر طول دارد واز طریق قوچان و درهٔ علیای کشف رود بباجگیران که از گمرك گاه های مرز شمالی خراسان ودرجنوب خط آهن ماوراء خزر در مقابل عشق آباد واقعست اتصال مییابد . این خط واسطه ارتباط بین مشهد و ترکستان غربی است

درقوچان راه مشهد بباجگیران دوشعبه میشود یکی شعبه‌ای که مذکور شد دیگر خطی که از راه درهٔ شیرین رود از شعب نهر اترك و شهرهای شیروان و بجنورد بدشت گرگان و بندر شاه میرسد و مشهدرا از این طریق بسواحل بحر خزر متصل میسازد .

۲ . **راه پایتخت بمشهد و سرخس** ، طول این راه از مشهد تاسرخس ۱۹۳ کیلومتر است و آن بااینکه در قدیم ازطرق بسیار مهم خراسان و راه طوس بمرو رود و مرو شاهجان و ولایات جوزجانان و بلخ و طخارستان بوده امروز اهمیت سابق را ندارد .

۳ — **راه طهران بمشهد و کاریز** که راه ارتباط ایران شرقی بمرز افغانستان و ولایات هرات است طول آن از مشهد تا کاریز ۲٥۰ کیلومتر .

٤ — **راه پایتخت بمشهد و زاهدان** که از مشهدتا زاهدان قریب ۱۰۱۰ کیلومتر طول دارد و کرسی خراسان را ازطریق بیرجند

و قاینات باول خاك سیستان ومکران متصل میکند و انتهای آن درسیستان شهر زاهدان است که در نزدیکی منتهی الیه راه آهن بلوچستان انگلیس بهندوستان واقع شده و مهم ترین راه های بین هندوستان و ایران است

راههای پایتخت بخارج از طریق کرمان ومکران

کرمان ومکران چون دورترین نواحی ایران نسبت بمرکزند و همسایهٔ خارجی آنها از طریق خشکی نیز بلوچستان انگلیس است که از این راه با ایران چندان ارتباط مهمی ندارد از این طریق دارای راههای ارتباط عمده‌ای نیستند تنها راه مهم در این دو قسمت همان راه کرمان وبمپور بزاهدان است که اولی از بم بطریق نصرت آباد سیستان متوجه زاهدان است و دومی از طریق شوراب وهردودر زاهدان براه مشهد میپیوندند .

ازطریق جنوب یعنی سواحل بحرعمان کرمان و مکران بسهولت میتوانند با دریا های آزاد ارتباط داشته باشند لیکن چون ایندو ولایت وسیع و آبادی آن ها نیز بالنسبه کم است و بلاد آباد مرکزی آن ها از دریا فاصلهٔ زیاد دارند بنادر بحرعمان اهمیت کافی پیدا نکرده‌اند .

تنها راه مهم در اینسمت راه کرمان ببندر عباس است بطول قریب ۵۰۰ کیلومتر که ازبندرعباس تا سعیدآباد کرمان از جنوب متوجه شمال است و در این نقطه با راه شیرازو کرمان یکی میشود .

راه‌های پایتخت بخارج ازطریق فارس

ارتباط کرسی فارس یعنی شیراز با خارج یعنی باسواحل خلیج از چهار طریق انجام میگیرد یکی ازراه شیراز وبهبهان واهواز که منتهی الیه آن در خاك خوزستان است بهمین جهت ذکر آنرا در طی خطوط

خوزستان خواهیم آورد سه طریق دیگر که هر کدام بیکی از بنادر خلیج منتهی میشوند از این قرارند :

۱ـ راه طهران ببوشهر یکی از طریق کازرون بطول ۲۸۵ کیلو متر که دنبالهٔ راه طهران بقم واصفهان و شیراز است دیگر از طریق فیروز آباد بطول ۲۷۵ کیلو متر

۲ ـ راه شیراز ببندر لنگه بطول ۶۵۳ کیلومتر از طریق خفر و جهرم ولار و بستك ودورهٔ رود مهران

۳ ـ راه شیراز ببندر عباس که شعبه‌ایست از راه شیراز بلنگه که در لار از راه سابق الذکر جدا میشود و از طریق درهٔ رودبار ببندر عباس میرسد .

راه های پایتخت بخارج از طریق خوزستان

راه عمدهٔ پای تخت بساحل خلیج از طریق خوزستان همان راه طهران بقم واراك وخرم آباد ودزفول وخرمشهر است بطول ۱۱۰۷ کیلو متر و آن حالیه یکی از شاهراههای عمدهٔ تجارتی ایران و مهمترین طریق بازرگانی است که طهران را بیکی از معتبرترین بنادر جنوبی مربوط مینماید آنقسمت از این راه که در خوزستان واقعست از اندیمشك (صالح آباد) واقع در ۳۱۰ کیلومتری دریا شروع میشود واز درهٔ مابین کارون و کرخه بطرف شوش واهواز پیش می‌رود ودرخرمشهر بکنار دریا می رسد ،

ازاهواز تاخرمشهر خطی برای کشتی‌رانی نیز در کارون دایر است وبتوسط راه آهنی که ازاهواز متوجه بندر شاهپور در کنار خورموسی است

یا بتوسط شط کاروان مال‌التجاره ها را در اهواز بخرمشهر یا بالعکس حمل و نقل میکنند .

جادهٔ سابق طهران باهواز از دزفول‌در امتداد درهٔ کارون ازطریق شوشتر متوجه اهواز میشود ودر شوشتر شعبه‌ای از آن ازطریق مسجد سلیمان‌وازرامهرمزدرامتدادرودخانهٔ‌جراحی‌سابنادرمعشوروهندیان‌میرود

راه‌های پایتخت باخارج ازطریق‌مغرب

مهمترین راه های ارتباط ایران باخارج از طریق مغرب یعنی از راه دوکشور ترکیه وعراق باسواحل شرنی دریای مدیترانه سه‌است

۱ : **راه طهران ببغداد** که ازپایتخت تا مرزخسروی ۷۷۶ کیلومتر طول دارد وقسمتی از آن که‌بین‌طهران‌وقزوین قراردارد‌همان راه پایتخت بگیلان و آذربایجانست . ازقزوین ببعد راه درجهت‌جنوب غربی یعنی دره‌های کوههای خرقان بهمدان می‌آید سپس از طریق درهٔ قره سو بکرمانشاهان میرسدو پس از گذشتن‌از گردنه‌های کوهستانهای غربی ایران متوجه عراق میشود .

۲ **راه‌رواندوز** یعنی‌جادهٔ تاریخی‌الجزیره(کردستان قدیم) بآذربایجان که کشور عراق را ازطریق کرکوك والجزیره‌را از راه موصل و راندوز بآذربایجان ایران متصل مینماید .

این راه که راه طبیعی آذربایجان بموصل و بغداد و از آن طریق معبر ایران شمال‌غربی بخلیج فارس ودریای مدیترانه است در خاك‌ایران از نقطهٔ سرحدی(خانه) که در۸۲ کیلومتری جنوب غربی دریاچهٔ رضائیه است شروع میشود و دربندر حیدر آباد یا از راه آن دریاچه بتبریز

میرسد یا از طریق خشکی بمهاباد و رضائیه .

۳ ــ راه طرابوزان که راه آذربایجانست بساحل دریای سیاه بطول ۹۵۰ کیلومتر که از آن فقط ۲۸۲ کیلومتر در ایران است. این جاده از تبریز متوجه خوی واراجیق وسرحد ترکیه است ودرخاك ترکیه از طریق ارزنة الروم بطرابوزان میرسد .

٤ ــ راه سنندج بمریوان ۱۲۰ کیلو متر که همان جادهٔ تاریخی سلیمانیه وکرکوك ببغداد است

٥ ــ راه کرمانشاه به نوسود بطول ۱۷۲ کیلو متر که بطرف دره رود سیروان بازمیشود واز راه های معتبر قسمت الجزیرهٔ قدیم است

راه های آذربایجان باخارج

راه های غربی آذربایجان را در فوق ذکر کردیم بهمین جهت در اینجا غرض مافقط ذکر راههای شمالی و شرقی آن است با جمهوری آذربایجان ازجماهیر مؤتلفهٔ شوروی وبا سواحل غربی بحر خزر .

در سمت مشرق آذربایجان فقط یك راه معتبر دارد و آن راه تبریز باردبیل و آستارا است بطول ۲۸۱ کیلومتر که ازسراب میگذرد و آذربایجان را بتنها بندری که از ایران دراین قسمت درکنار بحر خزر است متصل میکند واین راه واسطهٔ بین آذربایجان وطالش و گیلان وسواحل دریای مازندران است ودنبالهٔ آن آز آستارا بگیلان کشیده میشود .

راه دیگر بطول ۳۲۲ کیلومتر بین تبریز و اردبیل هست که در امتداد اهر چای ازطریق قراجه داغ ومشکین یعنی از اهر وخیاو میگذرد .

راههای شمالی آذربایجان باقفقازیه همه‌از دره‌های شعب جنوبی ارس که از کوههای شمالی این ایالت بطرف آنرودخانه جاری هستند میگذردواهم این‌دره‌ها دودرهٔ رود مرند وقره سو است .

درهٔ قره سو بطرف اران قدیم یعنی قره باغ حالیه باز میشود و بتوسط معبر اصلاندوز با قفقازیه مرتبط است . راه دیگر این قسمت بطرف‌قفقازیه‌راه اهراست‌بشوشه‌و گنجه بتوسط‌پل‌خداآفرین برروی‌ارس

ب ـ راه‌های عمدهٔ داخلی

راه های عمدهٔ داخلی ایران رامیتوان بدوقسمت منقسم ساخت یك‌قسمت راههای درجهٔ‌اول که ازطهران‌شروع وبیکی‌از نقاط سرحدی یابیکی‌ازکرسیهای‌ولایات‌منتهی‌میشوند. یك‌قسمت‌دیگرطرق درجهٔ‌دومند که در ولایات مختلفه‌کرسیهای ولایتی یا ایالتی را بیکی‌از نقاط‌سرحدی یابشهر های ولایات مجاورمتصل‌میکنند این‌خطوط‌درجه‌اول بقرارذیلند .

۱ ـ **طهران ببندر پهلوی** ، از طریق کرج و قزوین و رشت بطول ۳۷۹ کیلو متر .

۲ ـ **طهران بتبریز** ، از طریق کرج و قزوین و زنجان و میانه بطول ۵۲۶٫۵ کیلومتر ، این راه چنانکه‌سابقا دیدیم در تبریز بچند خط منشعب میشود و شعب آن از طریق مرند وجلفا بسرحد قفقازیه یا از طریق خوی واواجیق بسرحد ترکیه میرسند .

۳ ـ **طهران بسرحد عراق** ، از طریق قزوین و همدان‌و کرمانشاه و قصر شیرین بطول ۷۷۶ کیلومتر .

٤ ـ **طهران بخرم‌شهر** ، از طریق‌قم‌وسلطان‌آباد وملایر

وبروجرد و خرم آباد ودزفول واهواز، بطول ۱۱۰۷ کیلومتر.

۵ ــ **طهران ببوشهر**، از طریق قم و اصفهان وشیراز و کازرون بطول ۱۱۸۱ کیلومتر

۶ ــ **طهران ببندرعباس**، از طریق قم و کاشان ونطنز و نائین و یزد وکرمان وسعادت آباد بطول ۱۵۴۳ کیلو متر

۷ ــ **طهران بمشهد**، از طریق فیروز کوه وسمنان ودامغان و و شاهرود ونیشابور بطول ۹۲۰ کیلومتر.

۸ ــ **طهران ببندرشاه و گرگان**، از طریق عباس آباد و زیراب و شاهی و ساری و بهشهر بطول ۴۱۹ کیلو متر.

۹ ــ **تهران برشت**، ازطریق عباس آباد وزیراب و شاهی وبابلسر (مشهد سر) و نوشهر وشهسوار و لنگرود و لاهیجان بطول ۶۰۶ کیلو متر.

۱۰ ــ **تهران بزاهدان**، از دوطریق یکی ازطریق مشهد وتربت حیدری وقائن و دیگری ازطریق یزد وکرمان وبم وشرح هردو راه سابقا گذشت.

اما خطوط فرعی یعنی خطوط ارتباط مابین ولایات مختلفهٔ داخلی زیاد است وذکر تعداد همهٔ آنها موجب تطویل کلام خواهد شد. اهم این خطوط از این قرار است.

۱ ــ **خط تبریز باردبیل وآستارا**، که دنبالهٔ آن از آستارا از راه طالش دولاب وکسما برشت میرسد، طول این خط از

تبریز تا آستارا ۲۸۱ کیلومتر و از آستارا تارشت ۱۷۳ کیلومتر است (مجموعا ٤٥٤ کیلومتر)

۲ - خط تبریز بسنندج ، ازطریق مراغه و میاندوآب و ساوجبلاغ و سقز بطول ٥۱۱ کیلو متر .

۳ - خط تبریز برضائیه ، از طریق مرند وخوی وشاهپور (سلماس) ورضائیه (ارومیه) بطول ۲۸۸ کیلومتر

٤ - خط تبریز بسرحد ترکیه ، از طریق خوی و ماکو بطول ۱۳٥ کیلو متر .

٥ - خط سنندج بهمدان ، ازطریق قروه بطول ۱۷۰ کیلومتر

٦ - خط سنندج بکرمانشاه ، از طریق درهٔ رودسیروان و طاق بستان بطول ٥ر۱٥۰ کیلو متر ،

۷ - خطوط سنندج بسرحد ، یکی از طریق گردنهٔ کارون بمریوان بطول ۱۲۰ کیلومتر دیگری ازطریق بانه بسردشت بطول ۹۲٦ کیلومتر

۸ - خط کرمانشاه بشاه آباد وعیلام ومهران ،

که کرمانشاه را از طریق لرستان یعنی از راه شاه آباد (حاجی آباد) وعیلام (حسین آباد لرستان) و مهران (منصور آباد) بسرحد عراق متصل میکند ، طول این راه ۲۹۰ کیلومتر است ،

۹ـ خط کرمانشاه بخرم آباد ، ازطریق بیستون بطول ۱۹٤ کیلومتر .

۱۰ ـ خط ملایر بهمدان ، بطول ۸٦ کیلومتر که شعب آن از ملایر بطرف تویسرکان ونهاوند وکنگاور متوجه میشود

۱۱ ـ خط اهواز باصفهان ، که هنوز راهی کاروانی است و بمناسبت گذشتن از کوههای بختیاری صعب العبور است وتسطیح آن هنوز بانجام نرسیده

۱۲ ـ خط اهواز ببهبهان وکازرون ، از راه رامهرمز و فهلیان بطول ٥٦۹ کیلومتر ، اهواز ازچهار راههای معتبر خوزستانست چه جمیع خطوط عمدهٔ خوزستان مثل خط طهران بخرمشهر و اهواز باصفهان و اهواز بکازرون و اهواز بدشت میشان(بنی طرف) و اهواز به شادگان (فلاحیه) و اهواز بمسجد سلیمان از آن میگذرند .

۱۳ ـ خط بوشهر بلنگه، یعنی خط ساحلی مابین بنادر جنوب فارس بطول ٦۹٦ کیلومتر

۱٤ ـ خط کرمان بچالق و بمپور و ایرانشهر، این خط از ماهان و بم و ریگان متوجه بلوچستانست ودرشوراب(٤٤٤ کیلومتری کرمان) دو شعبه میشود یك شعبه از شوراب بطرف بمپور و ایرانشهر (فهرج) میآید و طول آن از فهرج تاکرمان ٥۹۷ کیلومتراست شعبه دیگر از طریق خاش بچالق میرسد فاصلهٔ اینراه از شوراب تا چالق ۳۷۲ کیلومتر است .

۱۵ - **خط مشهد ببندرشاه**، بطول ۷۰۳ کیلومتر از طریق قوچان و شیروان و بجنورد و گنبد قابوس.

۱۶- **خط مشهد بکرمان** - از طریق تربت حیدری و گناباد و فردوس «تون» و گلشن «طبس» که از راههای قدیمی ایرانست لیکن امروز فقط راهی کاروانی است.

۱۷ - **طهران بسمنان**، از طریق ایوانکی بطول ۲۲۶ کیلومتر.

۱۸ - **طهران بورامین**، بطول ۴۳ کیلومتر

۱۹ - **اصفهان باراك**، از طریق نجف آباد وخونسار و خمین بطول ۲۸۸٫۵ کیلومتر که از طریق ملایر بهمدان میرود.

۲۰ - **اصفهان بیزد**، از طریق نائین و اردکان بطول ۳۳۷ کیلومتر

ج- خطوط آهن

سابقه تاریخی - با اینکه ازحدود سال ۱۲۸۸ هجری قمری چندین بار از طرف دولت ایران امتیاز کشیدن خطوط آهن بشرکت ها و اتباع خارجی داده شده بود تا ۱۳۰۰ قمری هیچ خط آهنی در ایران کشیده نشده بوده.

در این سال اخیر یکنفر فرانسوی که امتیاز کارخانهٔ چراغ گاز پایتخت را نیز در دست داشت بگرفتن امتیاز چند رشتهٔ خط یکی از از طهران تامعادن زغال سنك پشند دیگر از پشند تارشت و از طهران

تا خلیج موفق آمد و ابتدا بر سبیل امتحان خط طهران تاقصبهٔ حضرت عبدالعظیم را بطول ٦ کیلومتر کشید اماچون او بزودی مرد دیگر نقشه‌های وی عملی نشد .

در ۱۳۰۸ قمری حاج محمدحسن امین دارالضرب طهران خطی بطول ۱٦ کیلومتر مابین شهر آمل و بندر محمود آباد کشید لیکن طولی نکشید که آن از کار افتاد و امروز بکلی از میان رفته .

در تاریخ ۱۳۳۱ قمری دولت ایران امتیاز خط تبریز بجلفا و شعبه‌ای از آنرا از صوفیان ببندر شرفخانه کنار دریاچه اورمیه ببانك استقراضی روس واگذاشت . این راه که هنوز هم دایراست در سال ۱۳۳٤ قمری بانجام رسید .

دو خط کوچك دیگرهم یکی در ۱۳۳٥ قمری بین رشت و پیره بازار دیگری درخاك طالش بین بندرپهلوی وسیاه وزان برای مال التجاره و برنج وزغال کشیده شده که آنها نیز از کار افتاده‌اند .

راه‌آهن سرتاسری ایران - از ابتدای سال ۱۳۰٤ شمسی

دولت ایران تصمیم گرفت که برای کشیدن خطی سرتاسری داخل اقدام شود و برای این کار قانونی بتاریخ ۹ خردادهمانسال بتصویب مجلس رسید که دولت با گرفتن مالیاتی از مصرف قند وچای اینخط را باسه بندرشاه وشاهپور ونوشهر بسازد ودر ۲۰ بهمن ۱۳۰٤ بموجب قانونی دیگر قرار شد که برای نقشه برداری یك نفر مهندس امریکائی و برای استخراج آهن و تاسیس کارخانهٔ ذوب فلزات یکنفر متخصص آلمانی استخدام شود ساختن قسمتی از این خط سرتاسری یعنی از بندرشاه تاهمدان (که بموجب نقشهٔ اولی بنابود راه آهن از آنجابگذرد) بیك شرکت آلمانی وقسمت

مابین همدان تا بندر شاهپور بیك شرکت امریکائی واگذار گردید

دو شرکت مزبور از آذر ۱۳۰۵ تا فروردین ۱۳۰۷ هر کدام قسمتی از راههای شمال وجنوب را ساختند لیکن در تاریخ اخیر دولت قراردادهای ایشان را لغو نمود و اتمام خط سرتاسری را بیك سندیکای آلمانی و آمریکائی واگذاشت . سندیکای فوق راه شمال را از بندر شاه تا شهر شاهی مازندران وخط جنوب را از بندر شاهپور تاصالح آباد(اندیمشك حالیه) ساختند ولی باز طرزعمل ایشان مطلوب دولت واقع نشد و در پائیز ۱۳۱۰ دولت خود مصمم گردید که اتمام کار را بدست وزارت راه بانجام برساند .

در بهار ۱۳۱۲ دولت ایران با یك شرکت سوئدی و دانمارکی بنام شرکت کامپ ساکس قراری بست که مقرر شد آنشرکت تحت نظارت وزارت راه قطعات خط سرتاسری را که نیمه کاره است تمام کند .شرکت هم تعهد کرد که راه شمال را در ظرف چهار و خط جنوب را در مدت شش سال بطهران برساند بطوریکه در تاریخ ۱۳۱۸ عمل راه آهن سرتاسری ایران از بحر خزر تا خلیج فارس باتمام برسد شرکت کامپساکس بتعهد خود عمل نمود و خط سرتاسری ایران در روز چهارم شهریور ۱۳۱۷ یعنی چند ماه قبل از انقضای موعد مقرر رسما افتتاح گردید .

طول راه آهن سرتاسری ایران از بندر شاهپور ۱۳۹٤ کیلومتر است و از این مقدار ۳۱٦ کیلومتر آن از کوهستان عبور میکند(۱۵۷ کیلو متر از البرز و ۱٦۹ کیلو متر از جبال لرستان) و بقیه از دشت های نسبة هموار و مرتفعترین نقاط آن ۲۲۱۷ متر ارتفاع دارد در نزدیکی ایستگاه نور آباد است در سی و شش کیلومتری مغرب اراك و بعداز آن گدوك فیروزکوه است بارتفاع ۲۲۱۲ متر درقسمت شمالی .

درقسمتهائی که ازداخلهٔ کوهستانها میگذرد مهندسین برای عبور دادن خط ازداخل کوهها مجبور بساختن عدهٔ زیادی گدار و نقب (تونل) شده‌اند بطوریکه درطول خط ۲۲٤ عدد ازاین گدارهاساخته شده (۹۳ عدد درشمال و ۱۳۱ عدد در جنوب) و طول مجموع آنها ۸۳٦٦٦ متر میرسد واعظم آنها گدار گدوك فیروزکوه است بطول ۲۸۸۰ متر وبعد ازآن گدار آبریز درجنوب بطول ۲۵۲٦ متر

درطول خط سرتاسری باقتضای محل ومصالح ازآهن و سمنت و بتون ٤۱۰۹ پل در روی رودخانه ها ونهرها و تنگه ها ساخته شده که طویل ترین آنها پل آهنی کارون است بطول ۱۱۰۰ متر ودرشمال شهر اهوازمرکب از ۵۱ چشمه .

خطوط دیگر آهن - غیر ازخط آهن سرتاسری خطوط ذیل دیگر درایران دایراست :

۱ - خط طهران بقصبهٔ حضرت عبدالعظیم بطول ۸٫۷ کیلومتر

۲ - خط تبریز بجلفا ازطریق صوفیان ومرند بطول ۱۳۰ کیلو متر که تبریز رابیلاد قفقازیه واروپا مرتبط میسازد .

۳- خط صوفیان بشرفخانه که‌شعبه‌ایست ازخط تبریز بجلفا بطول ٦۸ کیلومتر مابین تبریز وساحل دریاچه

فاصلهٔ مابین رایلهای این دو خط کـه بدست مهندسین روسی و بعنوان امتداد خطوط قفقازیه و روسیه ساخته شده ۱٫۵۲ متر است در صورتیکه عرض راه سرتاسری ایران برابر با ۱٫٤۳۵ متر یعنی عرض معمولی راه آهنهای اروپاست .

٤ ـ خط گرمسار بسمنان که‌ازطریق گرمسار ازطرفی ببندرشاهپور وازطرفی دیگر بطهران وصل میشود ودنبالهٔ آن تامشهد دردست ساختمان است .

٥ـ خط طهران تبریز که قسمت تامیانهٔ آن باتمام رسیده وبقیه‌در کار انجام است .

٦ ـ خط قم بکاشان وانارك که دردست ساختمان است .

د ـ خطوط آبی داخلی

رودخانه‌های ایران باستثنای قسمتی ازدرهٔ علیای کارون هیچکدام قابل سیر کشتیهای بزرك نیستند بهمین جهت تنها این قسمت و دریاچهٔ شاهی استکه درسطح آنها میتوان کشتی رانی کرد .

دریاچه شاهی یا ارومیه سهل ترین راه ارتباط مابین آذربایجان غربی واردلان شمالی یعنی بلاد رضائیه وشاهپور ومراغه ومهاباد است با آذربایجان‌شرقی وشمالی‌یعنی با تبریز وجلفا وچون یك شعبهٔ خط آهن نیز بندرشرفخانه رابتبریزوجلفا مربوط میسازد حمل ونقل‌مال التجاره‌بین این قسمتها بسهولت انجام می‌یابد.

کشتیرانی دریاچهٔ شاهی با ادارهٔ راه آهن تبریزاست و آن اداره پنج کشتی کوچك موتوردار (دوکشتی بقدرت ۱۱۰ وبقیه ۸۰ اسب‌بخار) وپانزده قایق باری داردکه مابین بنادرشرفخانه وگلمانخانه وحیدر آباد ودانالو هفته‌ای دوبار رفت وآمد مینمایند .

درروی کارون مابین خرمشهر واهوازیعنی درفاصله ۱۸۰ کیلومتر کشتیهای‌تجارتی که ته آنها صاف‌باشد ودرچهارقدم عمق بتوانندسیر کنند رفت وآمد دارند از اهواز قایقهای باری میتوانند مال التجاره این کشتیها

را تانزدیکی شوشترپیش ببرند

غیراز کارون چنانکه گفته شد دیگر درایران رودخانهٔ بزرك قابل کشتیرانی نیست‌فقط درقسمت‌سفلی یعنی دردهانهٔ بعضی ازرودخانه‌های شمالی درطولی بالنسبه کم مردم باکرجی وقایق های بادی حمل و نقل کالا وبارمینمایندمثل قسمت سفلای رود گرگان ازبندر خواجه نفس‌تا۱۸ کیلومتر ببالا ورود چمخالـه در گیلان از بندر لنگرود تا ۱۲ کیلومتر بسمت داخل ورود بابل درمازندران بین بندر بابلسر (مشهد سر قدیم) وشهر بابل (بارفروش قدیم) ورود تجن درمازندران ازبندر فرح آباد تاعقداری قلیل بطرف خشکی .

ه ـ خطوط هوائی و تلگرافی و تلفونی

خطوط هوائی

دولت‌ایران درسال ۱۳۰۶ شمسی‌امتیاز ۲۷۶۷ کیلومتر ازخطوط هوائی کشور را بمدت پنجسال بشرکت‌هواپیمائی آلمانی بنام «یونکرس» واگذاشت واین شرکت بوسیلهٔ طیارات خود بین طهران وقصرشیرین و پهلوی وبوشهر ومشهد وبالعکس منظما ببردن مسافر مشغول‌شد وایران باین طریق ازراه پهلوی وباکو باروپا وازخط قصرشیرین وبغداد بشام و مصر ارتباط یافت .

شرکت یونکرس پس‌ازانقضای مدت‌امتیاز یعنی دربهارسال ۱۳۱۱ خطوط خود را ازایران برچیده ودولت ازآن تاریخ ببعد خود در صدد دایرکردن‌خطوطی داخلی‌برآمد وازاین نوع خطوط حالیه خطوطی‌چند بین شهرهای داخلی وبعضی ازبلاد خارجی دایراست .

غیر از این خط شرکتهای بزرك هواپیمائی خارجی اروپائی نیز برای ارتباط با مستعمرات خود یا برای وصول بممالك دورتر از ایران درحین رفت و آمدمجبورند دربعضی ازفرودگاه‌های کشورما بائین بیایند و بهمین جهت وسیلهٔ مرابطات هوائی بین ایران وسایر ممالك میشوند بعلاوه مقصد بعضی از آنها طهران است .

خطوط تلگرافی

ازتاریخ ۱۲۸۰ قمری تا۱۳۱۹ دولت ایران برای کشیدن خطوط تلگرافی چندین فقره امتیاز باتباع خارجه داد ودرنتیجه چند رشته سیم بین پایتخت وبلادخانقین ربوشهر وجلفا وبلوچستان برقرارشدوباین وسیله طهران بشهرهای عمدهٔ عالم ارتباط پیداکرد .

از خطوط تلگرافی ایران یك رشته عمدهٔ آن دردست شرکت معروف بکمپانی تلگراف هند واروپا بودکه قسمت اول خط خود یعنی خط بین پایتخت وجلفا را درسال ۱۲۸۶ ازکمپانی زیمنس آلمانی خرید واین خط ازطریق جلفا ایران را بمسکووبرلین ولندن مرتبط میساخت

ازتاریخ فوق تاسال ۱۳۲۷ قمری دولت انگلیس درنتیجه چندین قرار داد امتیاز یك عدهٔ دیگر ازخطوط تلگرافی ایران را برای حکومت هندوستان گرفت و مدت آن امتیازات را چندبارتجدید نمود وآخرین بارقرارشدکه حکومت هندوستان درسال ۱۹۳۱ میلادی (۱۳۰۹شمسی) جمیع خطوط تلگرافی راکه خود اداره میکند بایران باز گذارد .

درسال ۱۳۰۹ جمیع امتیازات ادارهٔ تلگراف هندواروپاوحکومت هندوستان بدولت ایران برگشت وحالیه تمام خطوط تلگرافی ایران در دست وزارت پست وتلگراف است .

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1805493930-18

در ماه اسفند ۱۳۱۶ طول خطوط تلگرافی ایران برابر با ۱۸۸۱۸ کیلومتر بوده و علاوه براین دولت در بلاد طهران و تبریز و مشهد و اصفهان و کرمانشاه و کرمان و خرمشهر و بوشهر و جاسك و نائین و انارك دستگاه تلگراف بی سیم دارد

خطوط تلفنی و پستی

خطوط تلفنی ایران تاسال ۱۳۱۰ دردست شرکتی بنام شرکت تلفن ایران بود . دراین تاریخ دولت بمبلغ ده میلیون ریال حقوق شرکت مزبور را خرید و پس از مدتی حق بهره برداری اینکار بشرکت سهامی کل تلفون ایران واگذار گردید و حالیه این شرکت خطوط تلفونی کشور را اداره مینماید .

غیر از خطوطی که در دست شرکت سهامی کل تلفون ایرانست در پاره‌ای نقاط خطوطی خصوصی نیز دایر گردیده مثل خط تلفنی متعلق بشرکت سهامی نفت انگلیس و ایران بین مسجد سلیمان و آبادان و خط متعلق بشرکت مختلط شیلات بین آستارا و پهلوی و گرگانه رود و شفا رود و غیره ها.

در سراسر ایران خطوط پستی دائر است و در نقاطی که هنوز خط آهن کشیده نشده بوسیلهٔ اتومبیل و کامیون و سواره و کرجی و پیاده محمولات پستی حمل و نقل میشود

و .. بنادر

ایران از دو طرف بدریا دست دارد یکی از شمال بدریای مازندران که دریائی بسته است دیگر از سمت جنوب بخلیج فارس و بحر عمان .

دریای مازندران را دولت اتحاد جماهیر شوروی بوسیلهٔ کندن ترعه‌ها و اتصال شط ولگا با شطوط دیگر روسیه که بدریای آزاد میریزند مرتبط ساخته بطوریکه با کشتی بخوبی میتوان ازاینطریق مثلا بدریای بالتیك رفت و آمد کرد لیکن چون استفاده از اینطریق که قسمت اعظم آن از داخل خاك روسیه میگذرد آزادانه برای ایران ممکن نیست نمیتوان آنرا راه آزاد مستقیم بدریا های بزرك خارجی محسوب داشت

بنادر شمالی

دریای مازندران از مصب رودخانهٔ آستارا در آذربایجان تاخلیج حسینقلی درخاك گرگان با ایران مجاوراست باین معنی که سواحل جنوبی آن بتمامی جزء خاك ایران بشمار میآید .

این سواحل نسبت ببقیه سواحل دریای مزبور نسبة عمیق و کوهستانی است . در طول چنین نوع ساحلی طبعا بایستی بنادر خوب طبیعی بوجود آید لیکن بآن علت که سراسر آن مصب رودخانه های تندرو وسیلابی است و از رسوب شن و گل ولای این رود خانه های کثیر در مقابل خط ساحلی یك رشته تپه های شنی زیردریائی احداث میشود کشتیهای بزرك بسهولت نمیتوانند بخشکی نزدیك آیند و دایر نگاهداشتن لنگرگاه های طبیعی درطول ساحل مستلزم پاك کردن دائمی شنهای جلوی بنادر و یا بستن سد در مقابل امواج دریاست

بنادر عمدهٔ ایران در ساحل جنوبی بحر خزر بقرار ذیل است :

۱ ــ **آستارا :** درساحل یمین رودخانهٔ کوچك آستارا که در این قسمت سرحد بین ایران و خاك جمهوری آذربایجان از جماهیر

متحدهٔ شوروی است .

این بندر در انتهای جاده شوسهٔ تبریز باردبیل قرار دارد و ازطرف خشکی با ناحیهٔ طالش و مشکین و خلخال و بوسیلهٔ راه اردبیل بسراب و تبریز مرتبط و تنها راه وصول نقاط فوق بدریاست اما چون از سرراه کشتی رانی باکو بپهلوی بر کنار افتاده ولنگرگاه آن نیز کم عمق ومستور از شن است اعتباری شایان ندارد فقط کشتیهای بارگیری وقایقهای ترکمنی بآن رفت و آمد میکنند .

شرکت بحر پیمائی شوروی در بحر خزر در سفر های هفتگی از باکو تا بندر جز هر هفته یکبار در رفت یا آمد قریب نصف روز برای پیاده یاسوار کردن مسافر یاحمل مال التجاره در آستارای ایران توقف مینمایند

۲ - بندر پهلوی : بندر پهلوی یعنی انزلی سابق مهمترین بنادر ایران درساحل بحر خزر است و آنکه در ساحل یمین مرداب انزلی و در مقابل لنگرگاه غازیان ساخته شده منتهی الیه جادهٔ بزرگ طهران و رشت است .

راه طهران ببندر پهلوی کوتاه ترین راه پایتخت است بارو پابواسطهٔ خط آهن باکوچه باختلاف اوقات در مدت هفده یا هجده ساعت میتوان فاصلهٔ مابین بندر پهلوی و باکو را باکشتی طی کرد و از باکو یکسره با خط آهن بداخلهٔ روسیه و سرحدات اروپای مرکزی رسید . بهمین جهت بیشتر مسافرینی که از اروپا بایران میآیند و یا از ایران بخارج میروند و تجارت یك قسمت مهم از صادرات و واردات ایران بوسیلهٔ بندر پهلوی انجام میگیرد .

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1805493930-18

روابط پستی ایران با جمیع نواحی اروپا نیز در مواقع عادی از طریق بندرپهلوی تامین میشود .

۳- **شهسوار** : در مصب رودخانهٔ هراز و پیش بندرخرم‌آباد کرسی تنکابن که از محل آباد و حاصلخیز مازندران و از ایستگاه های کشتیهای خط کشتی رانی شوروی در بحر خزر است . اعتبار شهسوار بر اثر ساختمان بندر جدیدالتاسیس نوشهر رو بکاهش تدریجی است .

٤ = **نوشهر** : این بندر که بکلی تازه است و هنوز ساختمان آن کاملا بانجام نرسیده بفاصلهٔ هشت کیلومتر در مشرق مصب رودخانهٔ چالوس واقع شده وچالوس منتهی‌الیه«راه مخصوص»است که تقریبا بخط مستقیم کرج را بوسیلهٔ درهٔ رودخانه های کرج و چالوس بکناردریای مازندران متصل میسازد وعلی‌العجاله اقصرطرق دایر بین‌طهران وساحل این دریاست .

٥ــ **بابلسر** : (مشهد سرسابق) : واقع‌درمصب نهر بابل که‌پیش بندر دوشهر بابل (بارفروش‌قدیم) وشاهی‌است‌وکشتیهای بادی‌وکرجیها میتوانند از این بندر تاشهر بابل در روی رودخانه جلو بیایند .

این بندرهم از ایستگاه‌های خط بحرپیمائی شوروی دربحر خزر بر سرراه بندرگز بباکو یا بالعکس قرار دارد .

٦ــ **بندر گز** : در ساحل جنوب شرقی مرداب استراباد و از ایستگاههای خط بحری شوروی در بحر خزر که پیش بندر شهر گرگان (استراباد قدیم) است و بر کنار خط آهن طهران ببندر شاه

واقع شده . اعتبار این بندر نیز پس از احداث بندر جدید شاه بتدریج رو بکاهش است .

۷- **بندرشاه** : این بندر در ۲۲ کیلومتری شمال بندر گز وقریب بمصب نهر گرگان ساخته شده و راه آهن سرتا سری ایران از آنجا شروع میشود . این بندرحالیه منتهی الیه خط بحری شوروی است که سابقا ببندر گز منتهی میشد .

بنادر جنوبی

ایران از مصب شط العرب تا باب هرمز با خلیج فارس مجاوراست و از این باب تا خلیج گواتر با دریای عمان . سواحل دریا در اینقسمت غالبا کم عمق و شنزار است و بهمین جهت بنادر و لنگر گاههای طبیعی خوب آن زیاد نیست . بنادر عمدهٔ ایران در این سمت بقرار ذیل است:

۱ــ **خرمشهر** : (محمرهٔ سابق) در نزدیکی مصب کارون و ساحل یسار شط العرب در مقابل بصره که در ساحل یسار همین شط در خاك عراق واقع است .

خرمشهر مهمترین بنادر ایران در طرف جنوب است چه بواسطه وجود شط العرب و کارون کشتیهای بزرك میتوانند تاداخلهٔ لنگر گاه پیش بیایند حتی بوسیلهٔ کارون حمل و نقل کالا از آنراه تا اهواز نیز ممکن است و چون اهواز خود از ایستگاههای راه آهن سرتاسری ایرانست مال التجاره هائی راکه مبدأ یا مقصد آنها خرمشهر باشد بمدد راه آهن بسهولت میتوان از این طریق حمل و نقل کرد بعلاوه غالب کشتی هائی که در شط العرب رفت و آمد دارند درخرمشهر نیز لنگر میاندازند

با وجود اینکه مبدأ راه آهن جنوب خرمشهر نیست و بندر شاهپور نیز در نزدیکی آن ایجاد شده بازخرمشهر از اعتبار نیفتاده‌است چه عموم مال‌التجاره‌هائی راکه ببندر شاهپور میرسدبرای انجام تشریفات گمرکی بخرمشهر میبرند و از این جهت خرمشهر رونقی دیگر یافته و واگر رقابت بصره نبود معتبر ترین بنادر خلیج فارس میشد.

۲ــ آبادان (عبادان): آبادان بندر کوچکیست در کنار شط‌العرب و جنوب خرمشهر که در داخلهٔ جزیره‌ای ساخته شده.

این بندر نوساز محل صدور نفت های مسجدسلیمان ومیدان نفتون و منتهی الیه لوله های زیر زمینی شرکت ملی نفت ایرانست و چون شط‌العرب در اینسمت عمقی کافی دارد کشتیهای نفت بری بخوبی میتوانند بانبار های آن نزدیك شوند بعلاوه آبادان دارای تصفیه خانه‌وموسسات کارخانه ای دیگری است و قسمت عمده نفت و بنزین ایران از آنجا بخارج فرستاده میشود.

۳ ــ بندر شاهپور: این بندر در کنار خورموسی ازخلیج‌های کوچك انتهای غربی خلیج‌فارس ساخته شده ومبدأ خط آهن جنوبست. کلیهٔ کالا های داخلی که بقصد صدور بخارج با راه آهن حمل می‌شود و یا مال التجاره هائی که بقصد داخله برسد در این بندر بارگیری و بار اندازی میشود حالیه که راه‌آهن سرتاسری بانجام رسیده اهمیت و اعتبار آن رو بافزایش میرود.

٤ ــ بوشهر، مشهورترین بنادر ایران در سمت جنوبست و

تامدتی پیش بعلت نا امنی و نا همواری راه لرستان وخوزستان تنها راه مرکز ایران بخصوص شیراز واصفهان وطهران بدریا ازطریق کازرون و بوشهر بود مخصوصا چون قسمت مهم تریاك ایران از اینراه بهندوستان و چین فرستاده میشد بوشهر اهمیت خاصی داشت لیکن حالیه بعللی چندبوشهر از اعتبار سابق افتاده و اهم این علل یکی دوری و صعوبت راه خشکی آنست ببلاد مهم داخلی دیگر بازشدن راه طهران و خوزستان . بعلاوه بوشهر برای ورود و خروج کشتیهای بزرك لنگر گاه مناسب ندارد و سفاین بزرك نمیتوانندبخشکی نزدیك شوند و مجبورند درمیان آب خیلی دورتر از ساحل لنگر بیندازندو محمولات را باقایق بخاری و بادی به داخل و خارج حمل و نقل کنند .

۵ ـ **بندر عباس** : واقع درخاك لارستان بعلت حسن موقع از بنادر مهم جنوبست و آیندهٔ درخشانی در پیش دارد چه این بندر در مدخل باب هرمز مابین دو دریای عمان و بوشهر واقع شده ومحل آن از قدیم از لنگرگاههای معتبر در طرف جنوب بوده‌است وامروزنیزاکثر کشتیهائی که بین بصره و خرمشهر وبوشهر از طرفی و اقیانوس هند از طرفی دیگر رفت و آمد دارند و از بین دو جزیرهٔ قشم و هرموز عبور و مرور میکنند در بندر عباس لنگر می‌اندازند بعلاوه این بندرتنها راه مهم و نزدیك کرمان بدریای آزاد و محل صدور محصولات این ایالت و یزد بخارج است و درظرف۳۶ساعت‌میتوان مال‌التجاره‌ای رااز کرمان بآنجا رساند .

بنادر دیگر : غیر از بنادر مذکور در ساحل خلیج فارس و

بحرعمان بنادر کم اهمیت تردیگری نیزهست که اکثر آنها از سر راه سیر خطوط عمدهٔ بحر پیمائی بر کنار افتاده و بهمین جهت اهمیتی چندان پیدا نکرده‌اند مثل **بندر دیلم** در خوزستان که بندر خاك ممسنی و کوه گیلویه است ، **بندر ریك** یعنی بندر ولایت شبانکاره ، **بندر طاهری** در محل **سیراف قدیم** که در قرون چهارم و پنجم هجری از بزرگترین بنادر کشور های اسلامی و غنی ترین بلاد فارس بوده است ، **بندر لنگه** که بندر دیگر لارستان است در مقابل بنادر عمان و از مراکز تجارت مروارید بنادر **جاسك** و **چاه بهار** و **گواتر** هر سه درساحل بحرعمان راه اتصال مکران بخارج است

تجارت

غرض از تجارت - تجارت یعنی دادوستد و اصولا عبارت از معاوضهٔ آنقسم مواد و اشیائی است که در محلی زیادتر بعمل میآید و با مواد و اشیاء دیگری که در محلی دیگر فراوانتراست.

تجارت شامل دورشته عمل است یکی فرستادن کالاها یعنی محصولات و مصنوعات داخلی بخارج که مجموع آنها را **صادرات** میگویند دیگر وارد کردن کالاها یعنی محصولات و مصنوعات خارجی بداخل که آنها را **واردات** میخوانند.

تجارت یا داخلی است یاخارجی تجارتی که مابین بلاد و نواحی کشوری که همه تحت یك اداره وحکومت باشندانجام گیرد داخلی است و بهمین جهت کالاهای مورد معامله ازپرداخت عوارض گمرکی و رعایت مالی و اقتصادی بین المللی معافند بر خلاف تجارت ما بین دو کشور نزدیك یا دور را که تحت حکومتها و اداره های مختلف باشند تجارت خارجی میگویند. آمار های تجارتی هر کشوری راجع بمیزان تجارت خارجی آنست.

در مقایسه بین مجموع صادرات وواردات یك کشور اگر قیمت آنها با یکدیگر برابر باشند میزان تجارت خارجی آن درحال تعادل وتراز است ومعنی این نکته اینست که مجموع آنچه که از این کشور بخارج

رفته در ازاء خرید آن تأدیه شده است و پول در این میانه فقط واسطه سهولت اجرای معاملات بوده است .

اگر واردات کشوری از لحاظ قیمت برصادرات آن بچربد معلوم میشود که درسال مقداری پول نقد ازاین کشور بخارج رفته و درصورت خلاف مبلغی پول نقد بآن داخل شده است

البته معلوم است که هیچ کشوری مادام العمر نمیتواند هر سال مبلغی پول بخارج بفرستد و درحال حیات و فعالیت اقتصادی بماند و ازطرفی دیگر جمع شدن پول زیاد در مملکتی و بجریان نیفتادن آن نیز اوضاع مالی آنرا دچار اختلال و بحران میکند بهمین جهت کشورهای نوع اول باید بهر نحو باشد در تهیهٔ صادراتی بکوشند و از استیلای شدید واردات خارجی بر بازارهای داخلی بکاهند و ممالك نوع دوم درجلب وارداتی یا قرض دادن بکشور های دیگر سعی نمایند تا حال موازنه تجارتی بهم نخورد .

در آمار های تجارتی غرض از تجارت عمومی یك کشور مجموع واردات وصادرات آنکشوراست اعم ازاینکه تمام این واردات درداخله بمصرف رسیده و یا بعد از اندك مدتی بنقطه‌ای دیگرصادر شده باشددر صورتی که غرض از **تجارت خاص** یا **تجارت حقیقی** فقط مجموع صادرات داخلی کشور است با مجموع وارداتی که در داخله بمصرف رسیده .

در تعیین قیمت واردات در آمارهای تجارتی همیشه مجموع قیمت کالا و حق بیمه و کرایه هرسه منظور میشود در صورتیکه در صادرات فقط قیمتی راکه خریدار تادیه کرده برآورد میکنند .

تجارت خارجی ایران : دولت ایران ازچندی قبل برای

ازدیاد رونق تجارت خارجی یعنی تقلیل مقدار واردات و تکثیر و تحسین صادرات و حفظ موازنه مابین این دو عمل بتدابیری دست زده که اهم آنها ایجاد بانکها و شرکتهای داخلی و اجرای قانون انحصار تجارت و تعیین سهمیه های معینی است درهرسال برای هریك از اقلام مهم واردات

تجارت خارجی ایران در دست دولت است و این ترتیب ازوقتیکه قانون انحصار تجارت بتصویب مجلس شورایملی رسیده یعنی از ۱۹ تیر ۱۳۱۱ معمول شده و بر طبق آندولت خود کالاهای داخلی را صادر و امتعهٔ خارجی را وارد مینماید واگر نخواهد این حق خود راتحت شرایطی بتجار و شرکت ها وامیگذارد .

بموجب این قانون دولت درموازنه مقدارصادرات باواردات ناظر است که زیادتر از حد کالاهای خارجی ببازارهای ایران وارد نشودو بازار مشتری این قبیل اجناس که قسمت اعظم آنها نیز اشیاء تفننی و باعث بیرون رفتن ثروت ودستمزد مردم داخلی بخارج است رواج نگیرد . برای اینکار اولاتجاررا ملزم میسازدکه در مقابل قیمت اجناسی که میخواهند ازخارج وارد نمایندقبلا بهمان میزان از کالاهای داخلی جنس بخارج بفرستند ثانیا برای هر یك از کالاهای خارجی که مورد احتیاج مردم است وزارت بازرگانی هرسال سهمیه‌ای معین میکند تا این اجناس زیاد ترازحداحتیاج بداخله نیاید و مازاد آن بدست تجار منفعت پرست احتکار نشود .

بموجب مادهٔ چهارم قانون انحصار تجارت دولت برای تشویق صنایع داخلی و آبادی و عمران کشورورود بعضی ماشین آلات ولوازم کارخانه‌ای و غیره را آزادگذاشته و واردکنندگان آنها را از قید صدور کالاهائی بمیزان آنها معاف نموده است ورود بعضی از کالاهای خارجی و صدور بعضی از کالاهای داخلی عموما ممنوع است .

خلاصه تجارت حقیقی ایران در سالهای اقتصادی ۲۷ و ۲۸

میزان کل بازرگانی ایران با کشور های خارجه در سال اقتصادی ۱۳۲۸ بالغ بر ۲۶۵۵۵۲۱۵۴۳۵ ریال و تقسیمات آن بشرح ذیل است

صادرات

۱ ـ صادرات حقیقی بازرگانی	۱۷۲۰۸۴۶۸۵۶	ریال
۲ ـ مواد نفتی	۱۵۳۸۹۳۴۸۸۲۱	«
۳ ـ ماهی شیلات	۶۴۵۹۳۰۰۰	«
جمع صادرات	۱۷۱۷۴۷۸۸۶۷۷	«

واردات

۱ ـ جمع واردات حقیقی بازرگانی بانضمام سیم وزر	۶۷۷۶۲۹۸۹۷۵
۲ ـ واردات غیر بازرگانی و بخشوده از حقوق گمرکی باستثنای تجهیزات ارتش شاهنشاهی	۲۵۳۴۰۲۸۸۱۲
جمع کالاهای رسیده	۹۳۱۰۳۲۷۷۸۷

۳ ـ چگونگی صادرات و واردات سال ۲۸ و سنجش آن باسال ۱۳۲۷ بشرح زیر است .

صادرات بکیلو گرم

سال ۲۷	۱۳۱۲۱۶۹۹۵	کیلوگرم
سال ۲۸	۱۱۵۱۳۸۵۲۶	«
تفاوت	۱۶۰۷۸۴۶۹	«

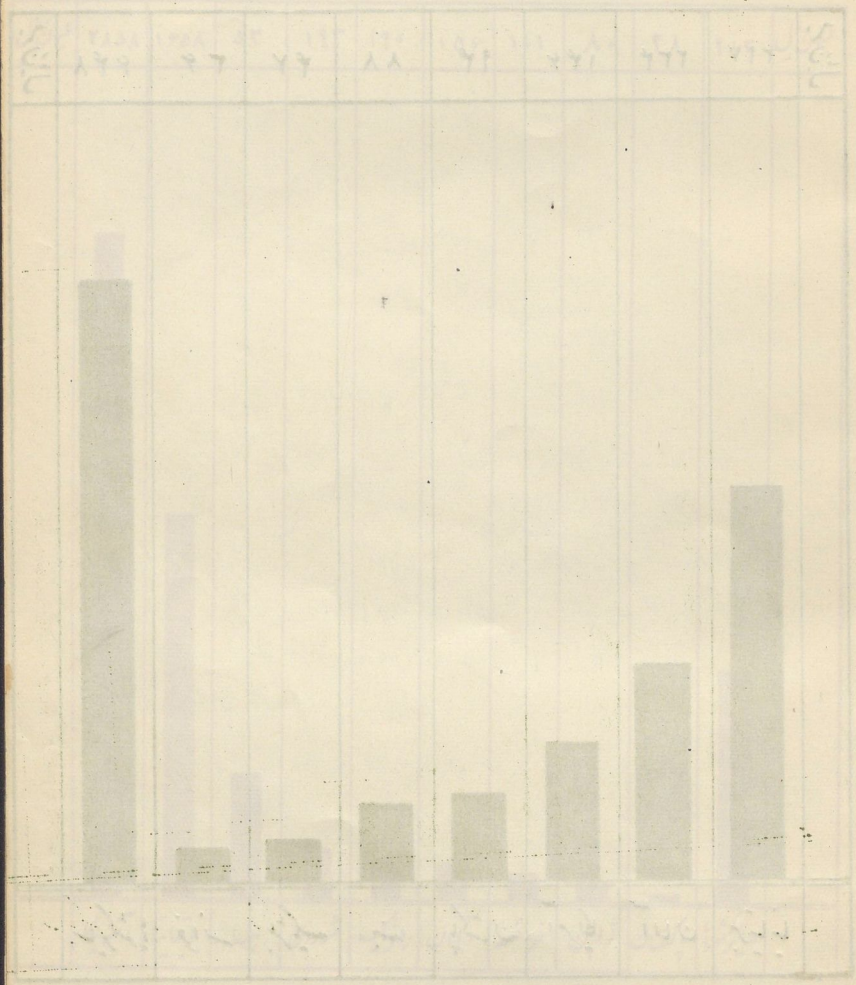

صادرات

نمودار بازرگانی حقیقی کل کشور شاهنشاهی ایران با کشورهای خارجه در سال ۱۳۲۸ (فرستاده‌ها)

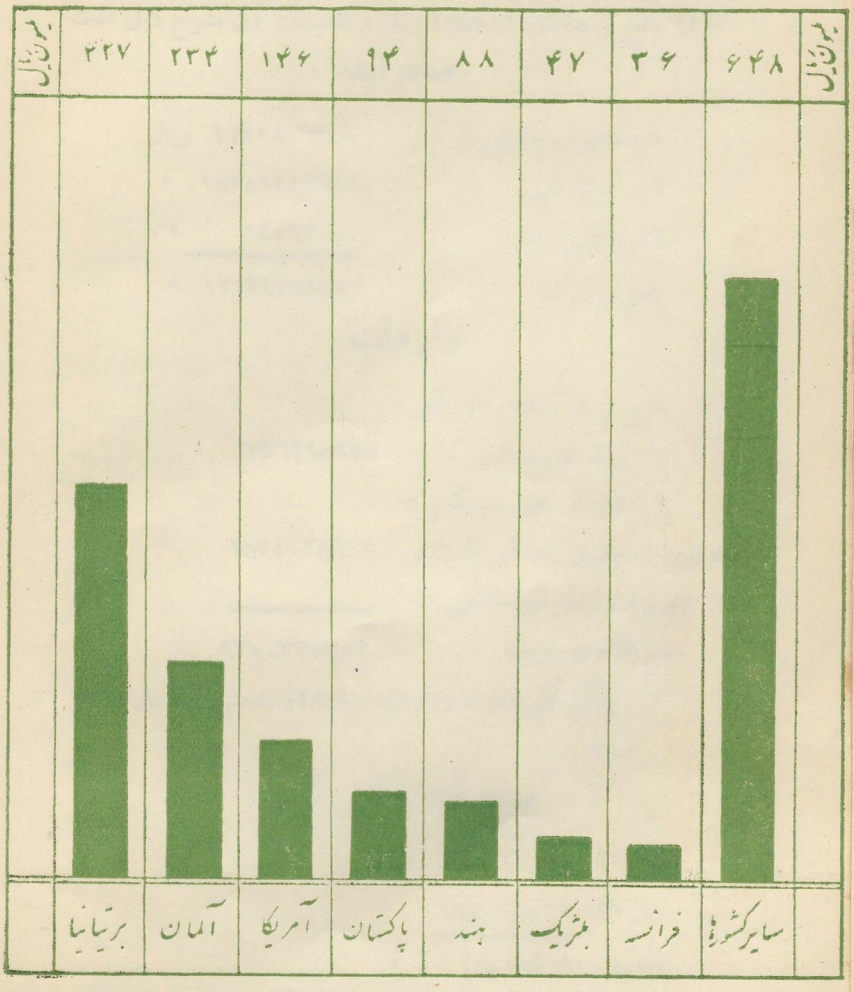

واردات

نمودار بازرگانی حقیقی کل کشور شاهنشاهی ایران با کشورهای خارجه در سال ۱۳۲۸ (رسیده ها)

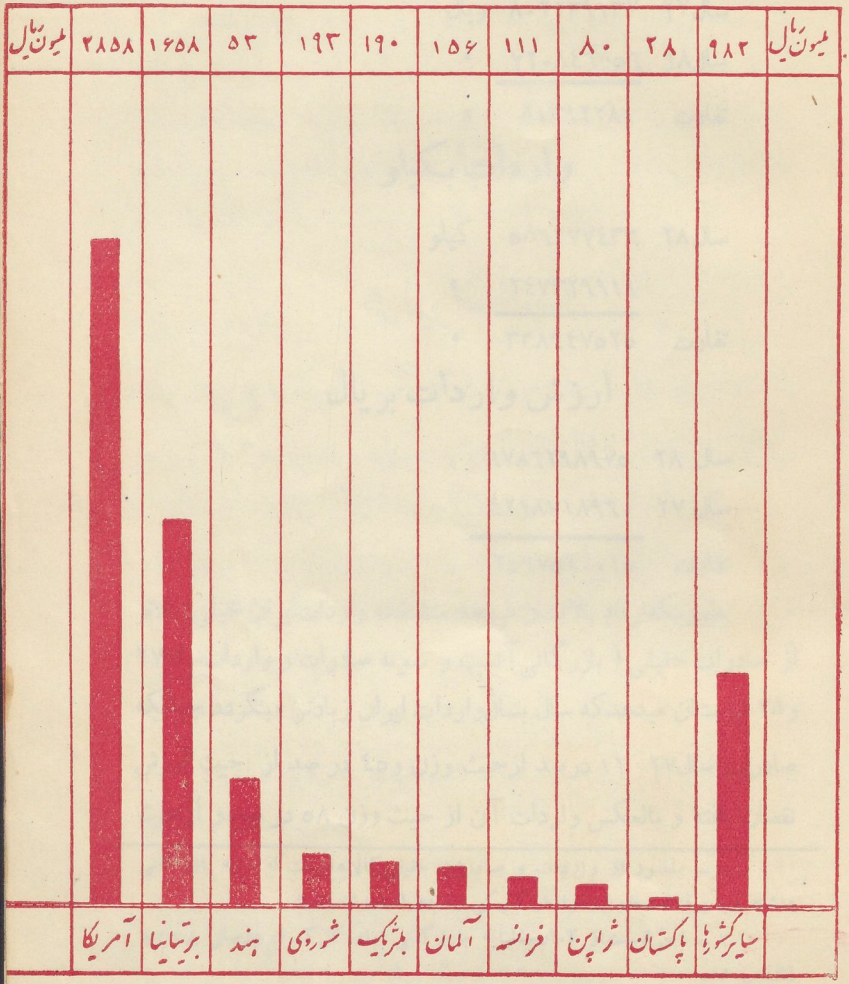

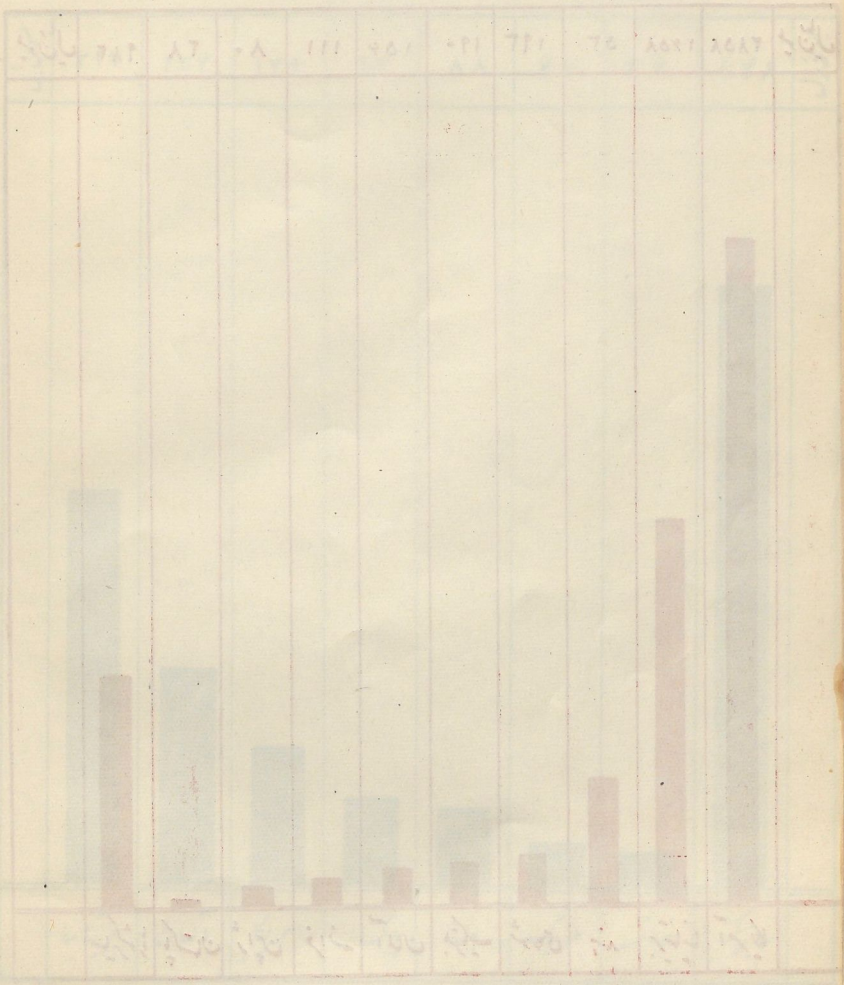

ارزش صادرات بریال

سال ۲۷ ۸۰۲۲۳۹۱۳۷ ریال

سال ۲۸ ۷۲۰۸۴۶۸۵۶ «

تفاوت ۸۱۳۹۲۲۸۱ «

واردات بکیلو

سال ۲۸ ۵۸۶۲۷۷۴۳۶ کیلو

۲۴۷۳۲۹۹۱۱ «

تفاوت ۳۳۸۹۴۷۵۲۵ «

ارزش واردات بریال

سال ۲۸ ۶۷۸۰۲۹۸۹۷۵

سال ۲۷ ۴۲۱۸۷۱۸۹۶۰

تفاوت ۲۵۶۷۵۸۰۰۱۵

بطوریکه ارقام بالا نشان میدهد متاسفانه واردات ایران خیلی زیادتر از صادرات حقیقی (بازرگانی آنست و نمونه صادرات و واردات سال ۲۷ و ۲۸ نیز نشان میدهد که سال بسال واردات ایران زیادتر میگردد چنانکه صادرات سال ۲۷ ۱۲ درصد ازحیث وزن و ۴۵ در صد از حیث ارزش نقصان یافته و بالعکس واردات آن از حیث وزن ۵۸ در صد و ازحیث

---

۱ — منظور از واردات و صادرات حقیقی کالاهائیست که جنبه بازرگانی داشته و با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی وارد و یا صادر شده است

۲ — این قسمت از آمار سالیانه بازرگانی اداره کل گمرک درسال ۱۳۲۸ اقتباس شده

ارزش ۳۸ درصد زیادتر شده که سال بسال صادرات کشورما نقصان یافته وبرعکس واردات افزایش واگر بدین منوال همه ساله مبالغ هنگفتی پول ایران بکشور های خارجه برود ورشکستگی ایران قطعی است برای جلوگیری ازاین ورشکستگی و تعادل صادرات و واردات بایست در تزیید صادرات وتعطیل واردات کوشید واز ورود اجناس غیرضروری وتجملی جلوگیری و مصنوعات داخلیرا شروع وحمایت کرد وباکشورهای خارجه قرارداد های پایاپای منعقد نمود

واردات

نوع ومیزان واردات - واردات ایران یعنی کالاها و اجناسی که ازخارج وارد میشود جزء اعظم آن اقسام منسوجات وفلزات واشیاء ساخته وپس ازآن قند وچای وکبریت و ادویهٔ شیمیائی است .

بر اثر اجرای قانون انحصار تجارت وایجاد کارخانجات و تشویق صنایع داخلی دراین سنوات اخیر نسبة مقدار معتنابهی ازمیزان واردات این قبیل اجناس خارجی کاسته شده است .

واردات عمدهٔ ایران ازهریك از کشورهای بیگانه

واردات ایران بترتیب اهمیت درسال اقتصادی ۱۳۲۸ ازکشورهای ذیل بوده است :

امریکا ، بریتانیا ، هند ، اتحاد جماهیرشوروی ، بلژیك ، آلمان فرانسه ، ژاپن ، پاکستان ، و سایرکشور ها

۱ - **ازاتحادجماهیرشوروی** . چوب وسمنت وروغن های

معدنی وقند وشکر ونخ و پارچه وگالش و کاغذ و مقوا و آهن آلات وکبریت ومصالح راه آهن وادویهٔ شیمیائی وغیره

۲- **از آلمان** : منسوجات وکاغذ و مقوا و ادویهٔ شیمیائی و لوازم عکاسی وشیشه واقسام ماشینهای صنعتی وفلاحتی و آهن آلات و لوازم چاپ وبرق واتوموبیل بارکش وسواری ورادیو .

۳ - **ازممالك متحده** : منسوجات و اتومبیل و رزین و لاستیك وماشین آلات و رادیو

٤ - **بریتانیای کبیر** : روغن های معدنی وپارچه و رزین و لاستیك واتومبیل ودوچرخه وکاغذ ومقوا وماشین آلات و لوازم برق و ادویهٔ شیمیائی وقند وشکر

٥ - **ازهندوستان** : چای وادویهٔ طعام ومواد صباغی قندوشکر

٦ - **ازژاپن** : منسوجات و سمنت و چای آلات خرازی و شیشه آلات .

۷ - **ازبلژیك** : قند وشکر وپارچه وآهن آلات وکاغذ ومقوا

۸ - **ازفرانسه** : مشروبات الکلی وپارچه واتومبیل ولاستیك و رزین وآهن آلات وادویهٔ شیمیائی .

۹ **ازلهستان** : پارچه وماشین آلات و اشیاء ساختهٔ فلزی

۱۰ - **ازچکوسلواکی** : ماشین آلات ولوازم برق واشیاء ساختهٔ فلزی .

۱۱ــ ازهند هلندچین وسیلان : قهوه وچای

۱۲ ــ ازسوئد : پارچه و رزین ولاستیك واتومبیل

۱۳ــ از ایتالیا: چوب وکاغذ ومقوا وقند وشکر

صادرات

ازآنجا که صنعت کبیر هنوز درایران تاآن اندازه رواج نگرفته است که بتواند زیاد ترازحد احتیاجات داخلی تهیه محصول نمایدصادرات (باستثنای دواد نفتی وقالی وقالیچه) همه ازنوع محصولات نباتی وغذائی وحیوانی است .

بازارفروش محصولات ایران : محصولات فوق ایران بیشتر بکشورهای ذیل فرستاده میشود .

بجماهیر شوروی : حیوانات وپوست وپشم مواد حیوانی وپنبه وکتیرا وبرنج وخرما وخشکه بار وخاویار.

بآلمان : پشم وکرك وپنبه وکتیرا وغلات وحبوبات وخشکه بار و چرم ، روده

بممالك متحده : گل قرمز وخرما وقالی وخشکه بارورده

ببریتانیای کبیر : گل قرمز، فرش، حبوبات، خرما ، خشکه بار وکتیرا

بهندوستان : خشکه بار ، بادام ، خرما ، پنبه ، فرش ، نفت کتیرا و فیروزه .

بچین : تریاك وپوست

بسوئد : خشکه‌بار وپارچه‌های ابریشمین وقلمکار وکتیرا .

بعراق : غلات وحبوبات مواد معدنی

به‌مصر : تنباکو

بایتالیا : نفت وپنبه وخشکه‌بار

بهندهلند : تریاك

مقدار تجارت ایران با کشور های بیگانه در سال ۱۳۲۸ به‌میلیون ریال

ممالك	واردات	صادرات
امریکا	۲۸۵۸	۱٤٦
بریتانیا	۱٦۵۸	٤۲۷
هند	۵۳۰	۸۸
شوروی	۱۹۳	
بلژیك	۱۹۰	٤۷
آلمان	۱۵٦	۲۳٤
فرانسه	۱۱۱	۳٦
ژاپن	۸۰	
پاکستان	۲۸	۹٤
سایر کشورها	۹۸۲	٦٤۸

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1805493930-18

واردات

خلاصه آمار بازرگانی ایران با پنج قطعه دنیا

درسال ۱۳۲۸

قاره ها	ارزش کالاهای رسیده یکه یکهزار ریال	ارزش کالاهای فرستاده یکه یکهزار ریال	جمع یکه یکهزار ریال
آسیا	۹۶۶۴۶۹	۶۱۸۰۱	۱۵۸۴۲۷۰
اروپا	۲۷۳۸۹۳۳	۹۵۲۳۴۲	۳۶۹۱۲۷۵
افریقا	۲۴۱۹	۱۱۷۳	۳۵۹۲
امریکا	۲۸۷۷۲۸۵	۱۴۷۹۱۳	۳۰۲۵۱۹۸
اقیانوسیه	۲۰۱۱۹۳	۱۶۱۸	۲۰۲۸۱۱
جمع	۶۷۸۶۲۹۹	۱۷۲۰۸۴۷	۸۵۰۷۱۴۶

قسمت دوم

جغرافیای اقتصادی

انگلیس وفرانسه وآلمان

فصل اول

جغرافیای اقتصادی انگلیس

۱ـ کلیات

موقع و وسعت ـ اگر نظری بیك نقشهٔ اروپا بیفکنیم میبینیم که انگلیس مجموعه ایست ازچندین جزیرهٔ بزرك وکوچك که اعظم آنهادو جزیرهٔ بریتانیا وایرلند است اولی بوسعت ۲۲۸٫۰۰۰ ودومی قریب به ۸۵۰۰۰ کیلومترمربع . چون مجمع الجزایر بریتانیامابین دومدار ۵۰و۶۰ درجه عرض شمالی قرار گرفته‌اند پس قریب یك ثلث بقطب نزدیکترند تا بخطا استوا و نتیجهٔ این وضع آن است که درسراسر بریتانیای کبیر آنجاکه زمین حاصلخیز باشد مردم میتوانند مقداری ازغذای خود را از سرزمین مسکونی خویش بدست آورند لیکن چون درجهٔ حرارت زیاد بالا نیست وجنس خاك درهمه جامساعدت ندارد برداشت محصول نباتی فراوان بدون زحمت زیادو بکاربردن تدابیر ووسایل علمی امکان پذیر نیست

جزایر بریتانیای کبیر جزء آن قسمتی است ازاروپای شمالی غربی که ازنقاط دیگر آن بیشتر ازسطح آب بالا آمده‌اند و دراین قسمت که عمق متوسط دریا هیچوقت بدویست متر نمیرسد و تمام دریای شمال و جزایر بریتانیا وقسمتی ازخلیج گاسکنی راشامل است . نواحی پست تر آن همان دریای شمال وبحر مانش وخلیج گاسنکی ونواحی بلند تر آن مجمع الجزایر بریتانیاست

درجزایر بریتانیاغیراز کوهستانها ارتفاع غالب اراضی نزدیك بارتفاع سطح دریاست . دریاهای شمال وایرلند ومانش عمقی دارند کمتراز ۹۰ متر ودروسط دریای شمال منطقه‌ا ست که عمق آن مابین ۱۰ الی ۲۰ متراست.

بر اثر این عمق بالنسبه کم ، دریای نزدیك جزایر بریتانیا محل زیست اقسام ماهیهاست وصیدماهی در این نواحی اهمیت ورونق بسیاردارد چنانکه درمواقع عادی هرسال تاحدود ۲۰ میلیون لیرهٔ انگلیسی ازهمین راه عاید ماهیگیران میشودو بنادرشرقی انگلیس مرکزداد و ستد وتوزیع اینمادهٔ غذائی ومال التجارهٔ معتبراست .

یکی دیگر ازنتایج کم عمقی آبهای اطراف جزایربریتانیا اختلاف عظیمی است که در شبانه روز ما بین جزر ومد آب مشاهده میشود و اینمقدار اگرچه درسواحل اوقیانوس ازیکقدم تجاوز نمیکند لیکن در کنارسواحل محفوظ وجزایر مثلادراطراف جزایرسیلی غالباً به پنج متر میرسد

آب و هوا جزایر بریتانیاچنانکه اشاره کردیم مابین ۵۰ و ۶۰ درجه عرض شمالی واقعندو درمنطقه‌ای قراردارند که مرکزعبورجریانهای کم فشارهواست وتقریباهرده روزیکبار یکی ازاین جریانها ازروی جزایربریتانیا میگذرد ریزش باران درقسمتهای غربی بریتانیا زیاداست ونقاطیکه ازهمه بیشتر باران

بر آنها فرو میریزد سواحل است که باراضی مرتفع مجاور باشند .

علت زیادی باران سواحل غربی برخورد بادهای مرطوب اوقیانوس اطلس است بکوهستانهای مشرق بریتانیا وتبدیل آنها بباران درصورتیکه درقسمت غربی بارانها نتیجهٔ بادهای بری کم رطوبتست . باران انگلیس نسبةً منظم فرومیریزد ودر پائیز وزمستان بیشتر ازفصول دیگر میبارد .

فصل زمستان فقط در اراضی مرتفع (باستثنای زاویهٔ جنوب غربی) سخت و برف ویخ زیاد میشود . ایرلند و انگلیس غربی در این فصل از اراضی پست شرقی معتدل ترندوعلت این مسئله واقع شدن آنهاست در مسیر بادهای گرم اوقیانوس اطلس وجریان خلیج مکزیك ، در تابستان گرما هیچوقت شدید نیست ، گرم ترین قسمتهای بریتانیا اراضی پست جنوب شرقی است . درحاشیهٔ ساحلی وزش نسیم خشك دریا هوارا همه وقت مطبوع وملایم نگاه میدارد .

جنس نباتات - وضع آب و هوای بریتانیا مقتضی است که این جزایر سراسر ازجنگل پوشیده باشداگرچه امروزفقط پنج درصد سطح جزیرهٔ بریتانیا و دو درصد ایرلند درزیر جنگل است لیکن سابقا اکثر نواحی آنرا جنگل دربر گرفته بوده ومردم آنها را بتدریج بر انداخته ودربعضی نقاط دیگراز نو درخت کاشته‌اند ،

امروزه قریب ربع جنگلهای بریتانیا درقسمت اسکاتلند یعنی دردره‌ها و اراضی مرتفعهٔ این سرزمین وبیش ازنصف آنهادرقسمت انگلیس است .

قسمت عظیمی از سطح جزایر بریتانیا کوهستانی وسنگستان است بطور کلی در انگلیس و ویلز (گال) زمینهای که بیش ازهزارقدم و در اسکاتلند و ایرلند اراضی که بیش از ۶۰۰ قدم ارتفاع داشته باشند در

این ردیفند . در جنوب غربی ایرلند وشمال غربی اسکاتلندحتی تاساحل دریا اراضی این‌حالت را دارند . در این نواحی فقط در پاره ای قسمتها مراتع ضعیفی‌وجود دارد و محصول عمده‌ای از آنها نمیتوان برداشت .

غیر از این قسمت بقیهٔ اراضی معروف تربیت مرتع و کشت غلات است اما دراین قسمت هم باز اهمیت مراتع جهت بار آوردن گاو و گوسفند وخوك بمراتب بیشتراست تاکشت غلات چه دربریتانیا از وقتی که کاراستخراج معادن انگلیس‌شمال‌غربی‌وایجاد کارخانجات‌بزرك‌صنعتی روبترقی فوق‌العاده گذاشته‌بعلت‌تشویق دولت ازاستخراج‌معادن وصنایع کارخانه‌ای و دادن مزد بالنسبه بیشتراکثر زارعین زراعت رارها کرده بکار گری در معادن و کارخانجات رفته اند فقط ملاکین عمده تاحدی تربیت حیوانات اهلی را بحال اول نگاه داشته‌بلکه‌بر اثرتزبید وتحسین اجناس خوب و انتخاب مصنوعی بتربیت انواعی از گاو های پروار شیر ده و گوسفند های خوش پشم موفق آمده اند که از این جهات شهره آفاق گردیده . بطور کلی امروز ٥٤در صد اراضی سبز بریتانیا مستور از مرتع است وبهترین مراتع بریتانیا در ایرلند و ویلز وانگلیس غربی قرار دارد . تنها در قسمت انگلیس عدد گوسفند ها به ٦٠ ملیون رأس و عدد گاو هابه ٥ ملیون میرسد و در ویلز این مقدار بترتیب ۳ و ۱ ملیون است .

از غلات ومحصولات نباتی بریتانیامهمتر از همه سیب زمینی است که‌در بعضی‌نواحی‌مثل‌ایرلندقوت غالب اهالی‌است گندم بیشتردرقسمتهای جلگه ای مشرق انگلیس زراعت میشود و قریب $\frac{٦}{١٠٠}$ اراضی آن در زیر مزارع گندم‌است در صورتیکه در ویلز $\frac{١}{١٠٠}$ دراسکاتلند وایرلند

$\frac{1}{200}$ اراضی این حال‌را دارند وعلت تقدم انگلیس دراین‌سرحله برنواحی دیگر خشکی نسبی اراضی وگرمی وغلبه آفتاب آن است

جوکه قسمت عمدهٔ آن بکار ساختن آبجو میرسدچون برخلاف گندم درریگزارها بهتر میروید درقسمتهای غربی‌ترنیز بدست‌میآیدو بعد از این‌غلات گاورس است که بمصرف‌ساخت ویسکی میرسد .

اجمالا محصولات نباتی انگلیس باوجود اینکه ازهمهٔ ممالک‌عالم بیشتر بطریق علمی عمل میشود یعنی‌زارعین اینکشور از وسعت کمی‌از زمین بمدد همین وسائل‌حداکثرمحصول‌ممکن‌را برمیدارندباز بهیچوجه قابل غذا دادن جمعیت بالنسبه کثیر جزایر بریتانیا نیست وبیش ازیکماه ایشان را نمیتواند کفایت کند . بهمین علت‌است که بریتانیای کبیر خود را بداشتن مستعمرات عظیم متنوع و بحریهٔ تجارتی مفصل و تسلط بر دریا ها محتاج میبینند وپیوسته درحفظ این‌امور که برای اوامری حیاتی‌است می‌کوشد .

جمعیت - مجموع جزایر بریتانیا درسال ۱۹۳۵ قریب ۴۶،۲۵۵،۵۵۰ جمعیت داشته‌واین‌غیرازجمعیت‌ایرلندشمالی‌است که‌بالغ‌بر ۱۲،۲۸۰،۰۰۰ نفر بوده .

مقدارجمعیت‌جزایر بریتانیا مخصوصاً قسمت انگلیس دریکقرن‌ونیم اخیر فوق‌العاده زیادشده

ساختمان طبیعی جزایر بریتانیا

درجزایر بریتانیا هیچ‌قسمتی نیست که دارای کوه های جسیم مرتفعی نظیرسلسلهٔ کوههای قارهٔ اروپا باشد لیکن اکثر نواحی آن از ۶۰۰ متر بیشتر ارتفاع‌دارند مخصوصا قسمت شمال‌غربی اسکاتلند

از اینحیث ممتاز است .

جزیره بزرگ بریتانیا را در قسمتی که ازهمه عرض خشکی در آنجا کمتر است یك سلسله کوه بنام چویوت[1] از مغرب بمشرق طی میکند و این سلسله حد فاصل بین اسکاتلند و بقیهٔ جزیره است .

کوههای بریتانیا همه متعلق باعصار اولیهٔ معرفةالارضی است وعات کمی ارتفاع آنها نیز همین نکته است چه اکثر قلل آنها بتدریج هموار و درطی قرون از ارتفاع آنها کاسته شده است چنانکه امروز درسراسر این جزایر قله‌ای که ارتفاع آن از ۱۳۴۰ متر متجاوز باشد وجود ندارد و ۱۳۳۰ متر ارتفاع بلندترین قله‌های اسکاتلند است .

قدیمی بودن جنس احجار بریتانیا نتیجهٔ بسیار مفیدی که بدست ساکنین این جزایر داده وجود اقسام متنوع معادن است که بغیر ازجلگهٔ جنوب شرقی انگلیس وایرلندتقریبا درسراسرجزایر بریتانیا انواع عدیده از آنها مخصوصا زغال سنك وفلزات دیده‌میشود وهمین کیفیت بریتانیا را قبل از جمیع ممالك دیگراروپا درمرحلهٔ صنعت جدید داخل کرده و آنرا یکی از مهمترین کشورهای صنعتی عالم نموده است

۲ — نواحی صنعتی و بلاد عمده

اختیار نقطه‌ای برای تمرکز صنعتی یاایجاد کارخانه‌ای امری تصادفی و اتفاقی نیست باین معنی که هرنقطه را بدون فراهم بودن کیفیات و شرایطی مساعد نمیتوان بتفنن و خواهش برای اینکار اختیار کرد .

تمرکز صنعت و ایجاد کارخانه در یك نقطه بیش از هرچیز تابع مقتضیات طبیعی و منابع ثروتی آن نقطه‌است یعنی تا اوضاع طبیعی یك

---

۱ — Cheviot

محل مثل موقع جغرافیائی و پستی بلندی و جنس خاك و منابع زیر زمینی و آب و هوای آن مناسب و مساعد نباشد ایجاد صنعت واحداث کارخانه در آن نه میسر خواهد شد و نه مفید و مقرون بصرفه بنابراین در مطالعهٔ صنایع بریتانیا قبل از همه چیز نواحی طبیعی آنرا در نظر میآوریم و مساعدت هریك از آنها را در ظهور صنایعی که همه زائیده اوضاع سازگار آن نواحی طبیعی است بیان مینمائیم بترتیب ذیل :

الف - اسکاتلند شمالی - اسکاتلند شمالی یعنی ناحیه واقع در شمال دره های سلسله چویوت ناحیه ایست مرتفع . تابستانهای آن هیچوقت باندازهٔ کافی گرم نیست معدن نیز در اینقسمت وجود ندارد . بهمین علل نه این ناحیه برای صنعت مناسب است نه برای تجارت . جمعیت نیز ناگزیر درچنین سرزمینی زیاد جمع نمیآید فقط در اراضی پست تر شمال شرقی چون حرارت بالنسبه بیشتر و باران کمتر و آفتاب ظاهر تر است زراعت بعلت خوبی جنس ممکن و تربیت حیوانات اهلی معمول است .

اشتغال عمدهٔ مردم در این قسمت حمل و نقل سنك بخارج و ماهیگیری است . شهر مهم در این ناحیه **آبردین**[1] است در محل اتصال راه بزرگ ساحل شرقی و راههای دره های چویوت استفاده از قوهٔ سقوط آبشارها نیز در اسکاتلند شمالی بسیار معمولست

ب - دره های مرکزی اسکاتلند - دره های مرکزی اسکاتلند با باوجود کمی وسعت از جهت آبادی و کثرت جمعیت مهمترین قسمتهای این ناحیه است چنانکه دو ثلث از کل جمعیت اسکاتلند درهمین قسمت زیست میکنند هم زمین مساعد است و هم هوا بالنسبه گرم بطوریکه جزء شرقی این ناحیه باستثنای مشرق انگلیس از جمیع نقاط دیگر بریتانیا برای

۱- Aberdeen

نمو غلات و بقولات و میوه‌جات مساعدتر است اما امری که باعث افزایش جمعیت این ناحیه شده است بیش از همه کثرت معادن آنست زغال آن فراوان و قریب $\frac{1}{6}$ کل زغال بریتانیا از این قسمت استخراج میشود و در محل ایر[1] از بنادر کنار خلیج کلاید[2] آهن نیز زیاد بدست میآید و ایر از مراکز ساختمان وماشین آلات واشیاء فلزی و پارچه‌های پشمی است . ترقیات کارخانجات در اینقسمت بعلت فراوانی زغال تا آنجا رسیده که آهن موجود در آن نزدیکیها برای راه بردن کارخانجات کافی نیست و کسری آنرا باید از اسپانیا وارد نمود .

در این ناحیه مخصوصاً در اطراف دره و مصب نهر کلاید کارخانجات فراوان برای ساختن کشتی وجود دارد مرکز عمدهٔ صنعت آن بندر گلاس کو[3] است

سهولت ارتباط بنادر این ناحیه از اسکاتلند با امریکا و رسیدن مواد خام آنجا باین بنادر بآسانی مثل پنبه امریکای شمالی و نیشکر خام جزایر هند غربی بلاد دره های اسکاتلندرا مرکز بافت پارچه و تصفیه و تهیهٔ قند نیز نموده صنایع شیمیائی و بافت پارچه‌های کنفی (باکنف هندوستان) و کیسه و طناب نیز در شهرهای این قسمت از اسکاتلند رواج کلی دارد، مرکز عمده این صنعت شهر دُندی[4] است

بر اثر رواج بازار زراعت و استخراج معادن و صنعت در این ناحیه تجارت و حمل و نقل نیز اهمیت کلی پیدا کرده نزدیکی بدریا و مساعدت جزر و مد و حفر ترعه‌ها و اصلاح مجاری میاه چنین نتیجه داده که کشتیها تا داخلهٔ خشکیها میتوانند جلو بیایند مخصوصا دو ترعه فورث و کلاید

Dundee - ۴ Glascow - ۳ Clyde - ۲ Ayr - ۱
Forth - ۵

و اتصال آنها بیکدیگر عبور از بحر شمال را بدریای ایرلند ممکن ساخته و بالنتیجه شهر گلاسکو را یکی از بزرگترین مراکز تجارتی بریتانیا کرده و تجارت اسکاتلندرا تقریبادر آنجا تمرکز داده است بطوریکه گلاسکو امروز بیش از یك میلیون جمعیت دارد و دومین شهر جزایر بریتانیاست . پایتخت سیاسی اسکاتلندشهر **ادین بورگ** است که از بلاد قدیم تاریخی و از مراکز علمی معتبر است و مطابع و کتابخانه‌ها و کارخانجات تقطیر زیاد دارد .

ج — **اسکاتلند جنوبی** - اراضی مرتفعه اسکاتلند جنوبی چون از زغال محروم است ناحیه ای صنعتی نیست قسمت عمدهٔ اراضی آن چمن زار و مرتع است مخصوصا تربیت گوسفند آن اهمیتی بسزا دارد و باستثنای ویلز هیچ قسمت ازجزایر بریتانیااز اینجهت بپایه آن نمیرسند چون استفادهٔ از قوهٔ سقوط آب نیز در این ناحیه خیلی معمولست پشم این گوسفند ها را درمحل بمدد همین قوه صرف بافت پارچه های پشمین میکنند و از این قبیل کارخانجات دراین ناحیه فراوان دیده میشود .

د — **ناحیه پن ناین و کمبرلند** - این ناحیه ازقسمت‌های کم جمعیت و فقیر بریتانیاست چه فقط دردره‌های این سرزمین زراعت وقلیلی هم تربیت حیوانات اهلی ممکنست . کثرت ریزش باران درغالب دره‌های ناحیه فوق تشکیل دریاچه های بسیار داده و براثر همین کیفیت بر زیبائی آن که یکی از خوش منظرترین قسمتهای بریتانیاست افزوده . تابستان جمع کثیری مردم بتماشا و گردش باین ناحیه میآیند و **کسویك** مرکز مهم این قبیل تفریحات است .

Keswick — ۱

ه - نواحی ذغال‌خیز - حواشی اراضی مرتفعهٔ اسکاتلندمرکز استخراج زغال است وازاینمادهٔ مولد حرارت در این قسمتها مخازنی پرمایه وجود دارد که همانها نیز سبب رونق بازارصنعت واجتماع جمعیت فراوان وانشاء بلاد معتبر گردیده است اهم اینمراکز بقرار ذیل است:

۱ - کمبرلند - کمبرلند ازجهت وسعت کوچکترین ناحیهٔ ذغال خیز بریتانیاست اکثرزغال این قسمت بعلت کمی آهن بقسمت **لانکاشایر**[1] درجنوب شرقی فرستاده ودرعوض از آنجا آهن باینجا آورده میشود و با آن قسمت صنایع آهن کاری وفولاد سازی رونق مییابد. مرکز این صنایع درکمبرلند شهر **بارو**[2] است که بمناسبت مجاورت بادریا کشتی سازی معتبری نیزدارد.

۲ - ناحیهٔ نورثمبرلند ودورهام - در این ناحیه نیز با وجود فراوانی زغال آهن کم است و کارخانجات آن بایدازجنوب یعنی ازقسمت **کلولند**[3] از راه دریا آهن بیاورند ودر عوض بآنجا زغال بفرستند. ناحیهٔ نور ثمبرلند ودورهام مرکزعمدهٔ تهیهٔ ذغال شهرلندن است و آن شهر از طریق دریا وبا راه آهن از این ناحیه قسمت مهم ذغال مورد احتیاج خود را وارد مینماید.

ساخت اشیاء آهنی و فولادی در اکثر بلاد نور ثمبرلند ودورهام رایج است و از آن جمله **دارلینگ تن**[4] مخصوصا بساختن لکوموتیو اشتهاری بسزا دارد.

۳ - ناحیهٔ یُرکْشایُر[5] **و دربی**[6] **ونوتین گام**[7] ازجهت محصول

1- Lancashire 2- Barrow 3- Clevland 4- Darlington
5- Yorkshire 6- Derby 7- Nottingham

ذغال سنك مهمترین نواحی بریتانیاست چه قریب ¼ کل ذغال مجمع-
الجزایر ازاین قسمت بدست میآید وچون ازخوشبختی مردم این ناحیه
محصول آهن و پشم آن با نقاط نزدیك بآن نیز فراوان است صنایع
گوناگون درناحیهٔ مزبور بوجود آمده چنانکه آهن کاری وفولادسازی
وچاقوسازی وصنایع مربوط ببرق وراه آهن ونساجی وپارچه‌های پشمین
وابریشمین وتهیهٔ ظروف چینی وکفاشی وماشین آلات همه دراین قسمت
رواج کلی دارد .

مرکز این ناحیه شهر معتبر **شفیلد**[1] است که چاقو سازی آن
مشهورعالم است وازاین گذشته ساختن ریل فولادی وصنایع الکتریکی
آن نیز مهم است **دربی** مرکزساخت ریل وبافت پارچه‌های ابریشمین و
ظروف چینی است .

اما بزرگترین شهر یورکشایر **لیدز**[2] است که قریب به نیم میلیون
جمعیت دارد ومرکز بافت پارچه های پشمین ودوخت لباس وساخت اشیاء
فولادی وآهنی وکفش وپوستین است وازشهرهای صنعتی مشهوردنیاست
درجنوب شرقی این ناحیه شهر **نوتین گام** واقعست که بافت طناب
وپارچه های پنبه‌ای آن شهرتی دارد . مصنوعات ناحیهٔ یورکشایر ودربی
ونوتین گام قسمتی بتوسط بنادر **هُل**[3] درکنار بحر شمال و**لیورپول**
درکنار خلیج بریستول وبیشتر آن مخصوصا پارچه‌های پشمین ازطریق
لندن بخارج فرستاده میشود .

۴ - ناحیهٔ لانکاشایر[4] **و چشایر**[5] - که در دامنه‌های غربی جبال
پن نایین واقعند محصول سالیانهٔ ذغال مقام دامنه های شرقی این رشته کوه

Lancashire - 4 Hull - 3 Leeds - 2 Sheffield - 1
Cheshire — 5

را ندارند اما در عوض بزرگترین کارخانجات و مهمترین شعب صنعت بریتانیا یعنی نسج پارچه‌های پنبه‌ای دراین ناحیه واقعست .

بزرگترین مراکز مخصوص صنعت پارچه‌های پنبه‌ای دراین ناحیه شهر مَنْچستر است . این شهر بوسیلهٔ ترعه‌ای ببندر لیور پول مرکز ورود پنبهٔ امریکا ومحل خروج پارچه‌های لانکاشایر وچشایر اتصال دارد واین ترتیب کشتی ها بسهولت تامنچستر جلو میآیند وپنبه‌ایکه برای مصرف کارخانجات این ناحیه لازم است و در منچستر توزیع و فروخته میشود بآن شهر میآورند ودرمقابل پارچه های حاضر رابرای فرستادن بخارج بلیورپول میبرند . منچستر علاوه بر این حیثیت از مراکز مهم صنایع الکتریکی وماشین‌سازی نیزهست .

ناحیه نزدیك لیورپول وبندر بِرْکِنْهِدْ[1] که در مقابل لیورپول دردهانه نهرمِرْسی[2] ساخته شده از مراکز ذغال خیز مهم بریتانیاست وقسمت مهم ذغال آن صرف سوخت کشتیهای فراوانی میشود که در عرض سال مخصوصا با لیورپول رفت وآمد دارند .

لیورپول دومین بندر بریتانیاست وفعالیت آن فقط منحصر بخارج فرستادن پارچه‌های پنبه‌ای وماشین آلات لانکاشایر وچشایر ووارد کردن پنبه باین ناحیه نیست بلکه قسمت اعظم گوشت و گندمیرا که مردم بریتانیا ازامریکا وارد میکنند ازطریق لیورپول است .

- **نواحی شمالی استافرد شایر** - وجود گل مخصوص دراین ناحیه شمال **استافردشایر**[3] را برای رواج صنعت کوزه گری و ظرف سازی آماده ساخته ومردم آن برای آنکه چینی‌سازی رانیزدر کارخانجات

Staffordshire - 3 Mersey - 2 Berkenhad - 1

خود دایر داشته باشند هر سال از طریق نهر مرسی مبلغی خاك چینی (کائولین) از ناحیهٔ کرن وال وارد مینمایند .

در شمال استافردشایر و جنوب چشایر بعلت وجود زغال کارخانجات مهمی برای ساخت لکوموتیو و در شهر استافرد صنعت کفاشی و پوتین سازی وجود دارد .

۶ - **ناحیهٔ شمالی ویلز** - در این ناحیه اگر چه زغال فراوانست لیکن جمعیت چندان زیاد نیست و زغال آن را غالبا بناحیه چشایر و ایستگاه‌های بحری مجاور حمل میکنند

۷ - **ناحیهٔ میدلند**[1] - این ناحیه که شامل چهار حوزه از تقسیمات ایالتی انگلیس و در مرکز این قسمت واقع شده از نواحی زغال خیز مهم بریتانیاست وحاصل سالیانهٔ زغال آن با محصول ناحیهٔ لانکاشایر برابری میکنند وانواع صنایع از آبجوسازی و کفاشی وساخت دوچرخه وچاقو واتومبیل وابریشم مصنوعی واسلحه و سوزن وفرش وجواهر در بلاد آن رواج کلی دارد .

مهمترین مرکز صنعتی این ناحیه شهر برمین گام[2] است که جمعیت آن بنیم ملیون میرسد واقسام عدیده از صنعت مثل اسلحه‌سازی وماشین‌سازی و آبجوودوچرخه وجواهر سازی وتهیهٔ اشیاء الکتریکی در آنجا دایر است.

ناحیه میدلند بعلت وقوع آن در مرکز انگلیس از دریا بالنسبه دوراست ورودخانه‌های عریضی نیز ندارد که بوسیله آنها بتوان بسهولت بدریا دست یافت بعلاوه وجود ناحیهٔ صنعتی مهمی مابین آن ودریا نگذاشته است که میدلند اهمیت نواحی صنعتی دیگررا پیدا کند .

---

1 - Midland 2 - Birmingham

۸ - **ناحیه جنوبی ویلز** - ویلزجنوبی مهمترین قسمتهای بریتانیا درصنایع فلزی است چه ازیکطرف دراین ناحیه اقسام فلزات از نقره و سرب وقلع و روی وجود دارد و ازطرفی دیگربعلت نزدیکی باسپانیای شمالی قسمت مهمی ازآهن ومس آن شبه جزیره باین ناحیه میآید ودر دومرکز مهم **نیوپُرت**[1] و**میرتیرتیدفیل**[2] بمصرف میرسد.

بنادر مهم این ناحیه یکی **کاردیف** است که در کنارخلیج بریستول واقعشده واز جمیع بنادر دیگر بریتانیا بیشتر بخارج زغال میفرستد ویك قسمت مهم از غلات مورد احتیـاج بریتانیا را بداخل میـرساند دیگر **اسوانسی**[3] درمغرب کاردیف که محل ورود مس اسپانیا ونفت خام ایران است واسوانسی برای آنکه نفت را قابل مصرف سازد تصفیه خانه های بزرك دارد.

۹ - **ناحیه بریستل** - زغال ناحیه **بریستل**[4] چندان زیاد نیست و تمام آن هم بمصرف صنایع مختلفه بریستل و بلاد مجاور آن میرسد. این شهر مرکز ساخت قند وسیگار و کاکائو است.

۱۰ - **ناحیه کنت** که در جنوب شرقی انگلیس قرار دارد حاوی مقداری ذغال هست لیکن هنوز صنعت آن رونقی بسزا نیافته ودر کار شروع و ترقی است.

و - ویلز - باستثنای نواحی ذغال خیز ویلزجمعیت زیادی ندارد چه حد اکثر اراضی آن یا مزرعه است یا مرتع.

ریزش باران دراکثر نقاط ویلز زیاد است وهمین فراوانی آب در این سرزمین باعث آن شده است که بلاد بزرك مجاور مثل منچستر و لیورپول قسمتی ازآب مورد احتیاج خود را ازاین ناحیه میبرند.

Bristol.4 Swansea-3 Merthyr-Tydfil -2 Newport-1

ز - شبه جزیره جنوب غربی - شبه جزیره جنوب غربی بریتانیا یعنی دو ناحیه دُوُن و کُرن وال بعلت گرمی نسبی هوا ازمراکز فلاحتی واز نقاط مهم تربیت درختان بارور واقسام گل و پرورش حیوانات اهلی است . مردم این ناحیه بالنسبه فقیرند وباهمان زراعت یاصید ماهی در سواحل زیست میکنند فقط دربعضی نواحی آن مخصوصاً در ترورو[1] در قسمت کرنوال معادن قلع وجود دارد وکرنوال از قدیم باین حیث مشهور بوده و بحر پیمایان فنیقی از آنجا قلع بخارج میبرده‌اند جزایر سیلی که ضمیمه‌این قسمت‌است نیز بتجارت گل وسبزیجات ومیوه‌شهرتی دارند مراکزمهم قسمت شبه جزیره جنوب غربی‌بریتانیا یکی‌دون‌پرت[2] است‌که از مواقع مهم نظامی است دیگر پلای‌موث[3] از لنگرگاه های کشتیهای اقیانوس پیما .

ح - تپه های آهکی وسنگی - این‌ناحیهٔ بالنسبه وسیع که در مشرق سلسلهٔ پن ناین از حدود دورهام تالندن مابین نواحی ذغال خیز وصنعتی شمال غربی‌وجلگه های شرقی انگلیس قرار گرفته بعلت جنس خاك نامساعد وخشکی نسبی برای زراعت مساعد نیست فقط مراتع آن برای تربیت گوسفند خوبست وبراثر فراوانی این حیوان درپاره‌ای نقاط آن نساجی‌پشم رواج یافته فروش‌سنك ساختمان نیزیکی ازمنابع‌عایدات مردم این ناحیه است .

در سمت شمال این قسمت آنجاکه معادن مهم آهن کلولند[4] ظاهر میشود یعنی در یورکشایر شرقی ونواحی جنوبی درهٔ نهرتیزس[5] صنعت استخراج آهن اهمیت کلی دارد مخصوصاً درشهرمیدلزبراو[6] در

Plymouth - 3 Devonport — 2 Truro — 1
Middlesbrough - 6 Tess — 5 Cleveland - 4

دهانه نهر تیزس اماچون زغال دراین ناحیه کم بدست میآید غالباً سنگهای آهن را بنقاطیکه زغال آنها فراوانتر است میفرستند شهر لین کلن[1] از بلاد این ناحیه مرکز ساخت ماشین های زراعتی وشهر نورثمب تن[2] محل بزرگترین کارخانه های کفش دوزی وپوتین سازی انگلیس است .

ط - **جلگه های انگلیس** - جلگه های شرقی انگلیس که بشرح مذکور در فوق حاشیهٔ جلگهٔ بزرك اروپای مرکزی ومتوجه بحر شمال ومانش اند از وجود معدن مخصوصاً زغال محرومند واعتبار آنها بدونظر است یکی آنکه حاصلخیزند وزراعت در آنها کمال رونق را دارد دیگر آنکه چون سطح آنها هموار است وزمین بلا مانع بدریا منتهی میگردد تجارت در آنها رواج کلی یافته مخصوصاً چون شهر عظیم لندن که یکی از بزرگترین بازارهای تجارتی عالم است درمرکز این ناحیه واقع شده تمام این جلگه بتبع بآن شهر پیوسته دراین گردش تجارتی باقی هستند

شهر لندن بر کنار شط تیمس است ودرهٔ تیمس از قرون قدیمه راه طبیعی جزایر بریتانیا بطرف قارهٔ اروپا بوده و هم امروز نیز بهمین مقام باقی است .

اگرچه کشتیها درمواقع بالا آمدن آب دریا وتیمس تالندن میتوانند جلو بیایند اماجلورفتن آنها ازپل بزرك این رودبعلت کمی عمیق تیمس وگل ولای اطراف آن ممکن نیست بهمین جهت محل باراندازی کشتیها برای داخله بریتانیا وبارگیری آنها برای خارج بالطبیعه شهر لندن است و از همین جـ است که یك رشته خطوط آهن مفصل مانند تار عنکبوت بسراسر بریتانیا متوجه میگردد وهمین کیفیت وسابقه اهمیت جلگه‌های

Northampton - 2 Lincoln - 1

انگلیس جنوب شرقی لندن راعنوان پایتخت سیاسی و اقتصادی انگلیس داده وجمعیت کثیری را درداخل وحومهٔ آن گرد آورده است .

برای رفع احتیاجات این جمعیت فراوان بااینکه لندن اساساشهر سیاسی وتجارتی است ایجاد چندین رشته صنعت وانشاء کارخانجات بسیار لازم شده بطوریکه کم کم لندن اهمیتی صنعتی نیز پیـدا کرده است و ساختن ماشین آلات وصابون وظروف وجواهر وساعت و پارچه وآبجو وآرد خمیر های غذائی درآن رایج شده .

لندن باحومهٔ خود امروز بیش ازهشت ملیون جمعیت دارد وآن جزء ازاین حوزه جمعیتی کم نظیر که ببندرلندن مشهوراست ازتمام بنادر دیگر بریتانیا بیشتر تجارت میکند و دراروپا تنها هامبورك و در سایر قطعات نیوبورك میتوانند با آن دم برابری بزنند و بر آن ادعای تقدم کنند .

لندن بازار مخصوص ورود چای و قهوه و کاکائو وپشم و پوست است و قسمت عمده این کالا ها ابتدا قبل از آنکه بسایر نقاط اروپا فرستاده شود بتوسط کشتی های انگلیس بلندن می آید سپس از آنجا ببازارهای تجارتی اروپا روانه میگردد .

ی - ایرلند - اشتغال عمدهٔ مردم ایرلند کشاورزی وتربیت حیوانات اهلی است . باستثنای گوشهٔ غربی ایرلند در این جزیره بطـور متوسط از جمیع نقاط دیگر بریتانیا بیشتر پرورش مواشی و اغنام معمول است در این میان تربیت گوسفند نسبة کمتر است و غلّبهٔ کلی باخوك و اسب است وایرلند هر سال مبلغی ماست وکره وگوشت خوك ببریتانیای کبیر میفرستد قسمت اعظم مغرب ایرلند بی حاصل است و مردم آن کم و

فقیرند ولی برخلاف ناحیهٔ شمالی که بلفاست مرکز آن محسوب میشود هم زراعت آن بیشتر ترقی دارد وهم صنایع آن مخصوصاً در آنجا کشت سیب زمینی وکتان و بافت پارچه و ساخت کشتی معمولست . دو بلین پایتخت کشور آزاد ایرلندکه در مقابل جزیرهٔ بریتانیا قرار گرفته و با قارهٔ اروپا ارتباط سهل دارد ازمراکز تجارتی وصنعتی معتبراست و آب جو سازی و ویسکی سازی آن بی اهمیت نیست .

۳ - اجمال اوضاع اقتصادی

نژاد انگلیسی - سراسر جزایر بریتانیا را بشرکتی اقتصادی تشبیه کرده‌اند که هریك از افراد انگلیسی در آن سهمی دارند واین تشبیه از آنجا ناشی است که انگلیسی غالبا مردی تاجرپیشه ومنفعت جو وسرگرم بامور متعلق بکارخانه و شهر و بازار است و همین کیفیت او را بتدریج بپشت کردن بزراعت وچسبیدن بصنعت وتجارت واداشته .

انگلیسی مردیست پایدار وباعزم وهمت وتاحدی صاحب استقلال نفس ومناعت شخصی وبی نهایت علاقمند بآب وخاك خود و بهرچه انگلیسی است چه این جمله خوب وپسندیده ملل دیگر باشد چه در انظار دیگران نکوهیده وناپسند آید تاآنجاکه انگلیسی امروز درحفظ بسیاری از آداب و مراسم قدیم خودکه اقامهٔ آنها دراین عصروزمان درپیش چشم سایرین خنده آور و شگفت انگیز جلوه میکند جد مخصوص و علاقه قریب بپرستش نشان می‌دهدحتی درزیر بار اصلاح مقیاسها و اوزان معمول در بریتانیاکه بهیچ حساب معقول و ممدوح نیست نمیرود .

تعلق تام زندگانی انگلیسی بتجارت ونفع خواهی سیاست دولت را نیز درهمین خط انداخته وحفظ منافع سیاسی بریتانیا در دنیا باحفظ

منافع اقتصادی فرد فرد انگلیسی زیاد فرقی ندارد مخصوصا چون حیات انگلیس بسته بتجارت و داد و ستد با خارجه است و این جز از راه دریاامکان پذیر نیست، تقویت بحریه تجارتی وتسلط بردریاها جزء اصلی سیاست نامهٔ هرحکومت انگلیسی است تاآنجاکه گفته‌اند که : «بریتانیا برامواج حکمرانی میکند[1] »

در بریتانیا طبقات اجتماعی وجود ندارد بلکه اشتغالات مردم بهر شغلی خواهی نخواهی آنهارا ازیکدیگر دور وعموم مشتغلین بهرپیشه‌ای را بصورت طبقه‌ای مخصوص درمی آورد وملاکین بزرك که سابقا نفوذو امتیازاتی داشتند بتدریج از میان رفته .

زراعت - بشرحی که مذکور شد خاك بریتانیا در جلگه های جنوب شرقی برای کشاورزی مساعد نیست . دراین قسمت غلات و سیب زمینی و نباتات صنعتی‌مثل شاهدانه ورازك زراعت می‌شود برخلاف بعلت رطوبت هوا ومصرف زیاد گوشت در بریتانیاو احتیاجات کارخانجات نساجی بپشم تربیت حیوانات اهلی دراین کشور اهمیت فوق‌العاده یافته و بریتانیا هم از جهت کثرت اغنام مخصوصا گوسفند وهم از حیث تربیت نژاد های اعلی در دنیا مشهور شده است .

ماهیگیری - سواحل بریتانیا در طرف بحر شمال مرکز تجارت ماهی و پناهگاه کشتی‌های صیادی ومحل داد وستد این مادهٔ غذائی است وازجمله بنادر این قسمت **گریمس بی**[2] و **یارموث** ازهمه مهمترند .

استخراج معادن - بشرحی که دیدیم درمنابع زیرزمینی بریتانیا مقام اول از آن ذغال سنك است و غنی‌ترین معادن این جنس در شمال

Grimsby -2 Britanoia rules toe waves—1

انگلیس وناحیه مدلند قرار دارد آنتراسیت بیشتر از ویلز بدست می آید بطور کلی نصف اراضی ویلز جنوبی ذغال خیز است ، حاصل سالیانه زغال انگلیس و ویلز به ۲۰۰٬۰۰۰٬۰۰۰ تن میرسد .

بزرگترین نواحی آهن خیز بریتانیا قسمت کلولنداست دریورکشایر که محصول سالیانه آن قریب ۲٬۰۰۰٬۰۰۰ تن است و بعد از آن ناحیه بارو [1] محل استخراج آهنهای کمبرلند و لانکاشایر شمالی استافرد شایر شمالی تنها ناحیه ایست که آهن و زغال آن نزدیك بیکدیگرند و آنهارا درمحل استخراج مصرف میکنند .

سرب وقلع ومس نیز دربریتانیابدست می آید . ناحیهٔ دربی شایر مرکز استخراج سرب وقسمت کرنوال محل استخراج قلع ومس است . خاك چینی نیز درکرنوال فراوان وجود دارد و ساختن ظروف از آن درمحل یانواحی مجاور معمولست .

پارچه بافی - بافت منسوجات پنبه‌ای بیشتر درلانکاشایرجنوبی رایجست شهرهای الدهام وبلتن ازمراکز مهم نخ تابی وپرستن و بُرن لی وبلاکبرن و بوری [2] ازمراکز معتبر بافت‌اند .

نساجی پارچه‌های پشمی مخصوص یورکشایرجنوبی است ولیدز مرکز آن است . برادفرد ببافت پارچه‌های ابریشمی ومخمل شهرت دارد وهالیفاکس [3] ببافت فرش ، دن تن [4] واستکپرت مرکز بافت پارچه های لطیف و کلاه است .

بافت پارچه‌های ابریشمین مخصوص نواحی دربی شایر واستافردشایر و چشایراست ونسج پارچه‌های کتفی بیشتر درشهر بارنس لی [5] رواج دارد.

Denton - 4 Halifax - 3 Bury - 2 Barrow - 1
Barnsley - 5

آهن وفولاد - منچستر وبیرمینگام برجمیع بلاددیگر بریتانیا درساخت اشیاء آهنی وفولادی تفوق دارند . منچستر همه نوع اشیاء از این دوجنس میسازد . درصورتیکه اختصاص بیرمین گام بیشتر بصنعت چاقو وکارد وچنگال ومقراض وغیره است .

ازوقتیکه معادن آهن کلولند مکشوف شده شهر میدلس براو نیز ازمراکزعمدهٔ آهن کاری گردیده وکارخانجات عظیمی درآنجابوجود آمده است . کارخانجات دیگر آهن کاری وفولادکاری بریتانیا بیشتردر دورهام جنوبی وویلز جنوبی و لانکاشایر شمالی و کمبرلند قرار دارند ولی کمبرلنداکثر آهن محتاج الیه خودرا ازاسپانیا وارد میکند محصول سالیانه آهن انگلیس وویلز برابربا ۶٬۰۰۰٬۰۰۰ تن ومقدارفولادسالیانهٔ آن معادل با ۹٬۰۰۰٬۰۰۰ تن است .

صنعت دیگری که جان آن بسته بوجود آهن است وبهمین علت درنواحی مذکور درفوق رواجی تمام داردکشتی سازی است مراکزاین کارچنانکه درپیش هم اشاره کردیم بیشتر بنادرشمال شرقی وناحیه مجاور نیوکاسل وگلاسکو وسندرلند و میدلس بـراو یعنی درهٔ سفلای انهار کلاید وهرتن است. دربنادرهل وساوثمب تن وبارو ولیورپول نیزساخت کشتیهای کوچکتر معمول هست .

ساخت لکوموتیو ومصالح راه آهن مخصوص منچستر و بیرمین گام ونیوکاسل ودارلینگ تن وتهیهٔ ماشین های فلاحتی مخصوص لین کلن ونرویچ وابیسویچ است

صنایع دیگر - نزدیکی خاك چینی وزغال بیکدیگردرناحیه استافرد شایر بلاد این قسمت رامرکز کارخانجات ساخت ظروف بسیارزیباکرده

واکثر شهرهای استافردشایر باین حیث مشهورند . ساخت بلور وشیشه آلات نیز درنواحی زغال خیز ترقی دارد وبیرمین گام ولانکاشایرجنوبی ازمراکزاین صنعتند . وجود مخازنی ازاملاح درچشایر ودورهام جنوبی این نواحیرا مراکز صنایع شیمیائی کرده وغیر ازاینمراکز درلانکاشایر وویلز نیز این رشته ازصنایع ترقی دارد .

طرق ارتباط به داخلی - بنسبت وسعت سطح وجمعیت بریتانیای کبیر بعدازبلژیك ازجمیع ممالك دیگرعالم بیشترخطوط آهن دارد ، طول خطوط آهن انگلیس وویلز برابر با ۱۹،۲۵۱ میل (قریب ۳۱'۰۰۰ کیلومتر) و طول خطوط آهن اسکاتلند نزدیك به ۳۰۰۰ میل (۴۸۲۰ کیلومتراست)

لندن مرکز انشعاب اکثر خطوط آهن بریتانیاست وبعداز آن بیرمین گام است که بیشتر خطوط متوجه بسمت ویلزاز آنجاشروع میشوند

قبل ازجنگهای ۱۹۱۴-۱۹۱۸ خطوط آهن انگلیس دردست شرکتها بود ولی دراین تاریخ دولت تمام خطوط مزبوررا تحت اختیارخود گرفت وآنها بچهار رشته تقسیم شد .

۱ - رشتهٔ جنوبی شامل خطوط سواحل جنوبی وبنادر بحرمانش وجنوب غربی انگلیس ،

۲ - رشتهٔ غربی شامل خطوط متوجه بویلزجنوبی وسواحل ترعه بریستل ومصب نهرسورن ،

۳ - رشتهٔ شمال غربی ومیدلند واسکاتلند غربی شامل خطوطیکه بنواحی صنعتی میدلند واسکاتلندغربی میروند وازجمیع رشته‌های دیگر مهمتر وطولانیترند ،

۴ - رشتهٔ شرقی وشمال شرقی واسکاتلندشرقی شامل خطوطیکه بمعادن آهن وزغال ومراکز کشتی سازی متوجهندو به اسکاتلندشرقی منتهی میشوند ،

راه‌های آبی داخلی - اکثر بنادر مهم بریتانیا یا در کنار انهار واقعند یا در دهانهٔ آنها مثل لیورپول دردهانه نهر **مرسی**[1] و بریستل در دهانه **آون**[2] ولندن دردهانه تیمس وهل دردهانهٔ **همبر**[3] و نیوکاسل در دهانهٔ **تین**[4]،

غیراز این قبیل بنادر که طبیعت آنها را در کنار رودخانه ها و بوسیلهٔ انهار با دریا مرتبط قرار داده انگلیسها بوسایل مصنوعی غالب بلاد بزرگ داخلیرا هم باحفرترعه به‌رودخانه‌ها و دریا متصل ساخته‌اند تا رفت و آمد کشتیها باآن بلاد آسان باشد مثلا منچستر از تاریخ ۱۸۹٤ بمدد ترعه ای بطول ۳٦ میل (۵۸ کیلومتر) بدریا ارتباط حاصل کرده وهمین کیفیت بآنشهر عنوان بندری داده و آن را ازبنادر معتبر بریتانیای کبیر نموده است،

دونهر همبر ومرسی را که اولی ببحر شمال میریزد ودومی بدریای ایرلند بوسیلهٔ انهار فرعی که در درهٔ علیای آنها جاریند مربوط ساخته‌اند بطوریکه امروز رفت و آمد بر روی آب ازبندرهل بلیورپول ازطریق لیدز ممکن است همچنین بیرمین گام وحومهٔ آن بوسیله‌ترعه‌ای بانهار **ترنت**[5] و **سورن** متصلند.

ارتباط شهرلندن بانواحی شمالی ومیدلند ازطریق ترعه‌ایست بنام ترعه اتحاد کبیر[6] بطول ۲۸۰ میل (۵ر٤۵۰ کیلومتر) طول مجموع خطوط آبی انگلیس وویلز برابراست با ۳٦٤۱ میل (۵۹۵۹ کیلومتر)،

اسکاتلند قریب ۱۵۰ میل (۲٤۱ متر) ترعه دارد، مهمترین آنها

---

1 - Mersey 2 - Avon 3 - Humber 4 - Tyne

5 - Trent 9 - Grand union Canal

یکی ترعهٔ **کالدونی**[1] است بعمق ۱۷ فوت (۵٫۱٦۸ متر) که کشتیها تا گنجایش ۳۰۰ تن میتوانند از آن عبور و مرور کنند، دیگر ترعه **کری نان**[2] قابل عبور کشتیهائیکه بیش از ۱٦۰ تن گنجایش نداشته باشند و آن راه ارتباط بین بنادر دهانهٔ نهر کلاید است باخلیج **لرن**[3]

ازمهمترین ترعه‌های اسکاتلند ترعهٔ کلاید است که دهانه‌های دو نهر کلاید وفرث را ازطریق گلاسکو بیکدیگر مرتبط میسازد

جاده‌ها - درانگلیس وویلز مجموعا ۱۵۲٬۱۰۰ میل (۲٤٤٬۷۸٤ کیلومتر) راه شوسه وجادهٔ اتومبیل‌رو درجهٔ اول ودوم وجود دارد ودر این طریق غالباً کالاهای سنگین رابا کامیون ومسافرین را با اتومبیل و اتوبوس حمل ونقل میکنند واین وسایل در بردن مال‌التجاره و مسافر جداً باخطوط آهن دررقابتند. نداشتن مرتفعات زیادووجود مصالح بسیار خوب ساختن راه‌ها ونگاه داری آنهارا دربریتانیا فوق‌العاده آسان کرده وبریتانیا ازاین لحاظ یکی از آبادترین نواحی اروپاست،

تجارت و بحرپیمائی -ازمقایسهٔ قیمت مجموع صادرات وواردات بریتانیا در بادی نظرچنین استنباط میشود که بریتانیای کبیر بعلت فزونی واردات آن بر صادرات هرسال چندین ملیون لیرهٔ انگلیسی پول بممالك دیگر میدهد درصورتیکه حقیقت امر غیر از این است باینمعنی که اولا حامل قسمت مهمی ازواردات ممالك فوق ببریتانیا کشتیها و شرکتهای انگلیسی هستند که در این نواحی مخصوصا در مستعمرات بریتانیا خود امورفلاحتی وتهیهٔ موادخام لازم برای صنعت بریتانیا را اداره میکنند ثانیاً یك قسمت مهم از کالاهائی که بانگلیس وارد میشود بعنوان پرداخت منافع قروضی است که مردم یا بانکهای انگلیسی باهالی ممالك صادر کننده

1- Caledonian Canal 2- Crinan 3- Lorne

داده‌اند ودرمقابل آنهاهیچ پولی یاکالائی ازبریتانیاخارج نمیگرددچنانکه یك جزء بزرك ازکشتیهائیرا که مورد احتیاج کشور هـای دیگر است کارخانجات انگلیسی میسازند وقسمت عظیمی ازامور بانکی واقتصادی عالم درلندن صورت‌میگیردوممالك‌طرف معامله‌درازاء اجراین وظایفیکه بمردم بریتانیا محول‌میدارند غالبا جنس بانگلیس میفرستند واین اجناس اگرچه جزء واردات بریتانیا قلمداد میشود لیکن پس‌ازفروش قیمت آنها ببانك ها وکارخانجات کشتی سازی انگلیس میرسد ودرمقابل آنهاهیچ کالا یا پولی ازبریتانیا خارج نمیگردد این است که در تجارت خارجی بریتانیا برخلاف آنچه ازسنجش میزان صادرات و واردات آن برمیآید همه وقت ازلحاظ قیمت فزونی باصادرات است .

میزان تجارت خارجی بریتانیای کبیر چنانکه‌فهمیدیم فوق‌العاده بالاست باین‌معنی که‌هم مقدار مصنوعاتی که هرسال از این جزایر برای فروش بخارج میرود زیاد است وهم مبلغ‌مواد اولیه وغذائی وکالا های خام که‌درمقابل قیمت مصنوعات سالیانه ازخارج بریتانیا میرسد .

از نظرقیمت $\frac{۴}{۵}$ صادرات انگلیس اشیاء ساخته است دردرجه اول منسوجات پنبه‌ای وپس‌از آن‌آهن وفولاد آلات واقسام ماشین هـا درجهٔ سوم پارچه های پشمی و منسوجات دیگـر وپس‌از آن ادویـهٔ شیمیائی و کشتی ساخته وذغال‌سنگ‌نیزاز صادرات بالنسبه مهم‌بریتانیای کبیر محسوب میشود .

واردات بریتانیا را بسه طبقه میتوان تقسیم کرد :

۱ ـ مواد غذائی ومشروبات ودخانیات که بیش از نصف واردات بریتانیا را تشکیل میدهند .

۲ - مواد خام لازم برای صنعت که قریب $\frac{1}{2}$ واردات بریتانیا همانها است .

۳- اشیاء مصنوع قریب $\frac{1}{4}$ کل واردات

در میان مواد غذائی حیوانات و گوشت از جهت قیمت در درجهٔ اولند و پس از آنها غلات(گوشت بیشتر ازاسترالیا وکانادا و آرژانتین میرسد وگندم وآرد ازممالك متحده کانادا وآرژانتین وهند واسترالیا) بعد از حیوانات وگوشت و غلات لبنیات وتخم مرغ است که بیشتر از دانمارك وسوئز وهلند ونروژ وفرانسه شمالی تهیه میشود و بعد از آنها نیشکر(از امریکای مرکزی وافریقای استوائی) وچغندر قند (از آلمان) وقهوه (ازبرزیل وآمریکای استوائی) ودخانیات (ازآمریکا ومصروترکیه) ومشروبات (ازفرانسه) درمیان مواد خام مهمتر ازهمه پشم (ازاسترالیا وارژانتین) و پنبه (از ممالك متحده و مصر وهند)و آهن (از سوئد واسپانیا وافریقای شمالی وجنوبی) وچوب (ازممالك اسکاندینا ووکانادا) وکائوچو (از مالاکا) وبعداز آنها پوست و کتان وکنف وغیره است .

اشیاء ساخته‌ای که بانگلیس واردمیشود بیشتر از نوع مصنوعات اختصاصی پاره‌ای ازممالك متحدهٔ درجه اول است .

طرز تجارت درانگلیس تااواسط ایام جنگهای بین‌المللی تجارت تجارت آزاد [1] بود و این طرز که نتیجه پیشنهاد عالم اقتصادی معروف **آدام اسمیت** [2] است از سال ۱۷۷۶ که کتاب معروف او درباب ثروت ملل انتشاریافت منظورنظر قرارگرفت و خلاصهٔ آن این‌است که دولت درگرفتن حقوق گمرکی فرقی بین کالاهای وارد از خارج باکالاهای ساخت داخله نگذارد و همه را بیك چشم ببیند .

1- Free Trade 2- Adam Smith

دولت انگلیس در سال ۱۸۶۰ طرز تجارت آزاد را پذیرفت ولی چون بتدریج تجارت بریتانیا وضعی نامساعد بهم رساند در سال ۱۹۰۳ وزیر مستعمرات جوزف چمبرلین معروف در صدد بر آمد که برای جلوگیری از این وضع ناگوار و جلب خاطر مستعمرات انگلیسی در تجارت خارجی بریتانیا امتیازاتی برای مستعمرات انگلیسی قائل شود که کشورهای بیگانه از آن محروم باشند [1]

قبول این روش فوق العاده بحال تجارت خارجی بریتانیا مساعد واقع شده تا آنکه در سال دوم جنگهای بین المللی دولت انگلیس برای ورود بعضی از مصنوعات خارجی تعرفه‌های گمرکی بالنسبه سنگینی وضع نمود و در سال ۱۹۱۸ طرح جوزف چمبرلین را بر بسیاری از واردات بریتانیا تعمیم داد.

در سال ۱۹۲٤ که حکومت بدست حزب کارگر افتاد زمامداران اینطایفه بسیاری از قیود سابق را لغو نمودند لیکن باز در ۱۹۲۵ پس از بر گشتن محافظه کاران بحکومت قانون حمایت از تجارت انگلیس را پیش کشیدند وروش تجارت آزاد بکلی ازمیانه بر افتاد.

بنادر عمدهٔ انگلیس بترتیب اهمیت فعالیت تجارتی عبارتند از لندن. **لیورپول ساوثمپتن، نیوکاسل، کاردیف، هل، گلاس کو و منچستر**

امپراطوری بریتانیا

مقصود از امپراطوری بریتانیا [2] مجموعه ایست از اراضی در پنج قطعهٔ عالم که بنام دولت انگلیس اداره میشوند. این اراضی از لحاظ طرز حکومت بدو دسته منقسمند یك دسته آنها که ازخود حکومتی داخلی

1- Imprial Preference 2- British Empire

وشخصی دارند [1] مثل کانادا واسترالیا و افریقای جنوبی وزیلند جدید ، دستهٔ دیگر آنها که مستقیما تحت حکومت وادارهٔ دولت انگلیس هستند [2] بطور کلی هردو دسته جز پادشاه بریتانیای کبیر وایرلند شمالی سروسروری دیگر بـرخود نمشناسند و بر این دو دسته باید قسمتی از مستعمرات سابق آلمان وترکیه را که ازطرف مجمع اتفاق ملل تحت قیمومت انگلیس مستعمرات نیمه مستقل آن گذاشته شده نیز افزود .

دسته اول ازممالك امپراطوری بریتانیا یعنی کانادا و استرالیا و زیلند جدیدوافریقای جنوبی و آنهارا دمی نین [3] میگویندوهر کدام امروز مملکتی متمدن وحتی غالبا در اقتصادبابریتانیا رقابت میورزند کشورهائی هستند درجمیع اموراداخلی وشخصی مستقل وهر کدام برای خود حکومتی وپارلنمتی علیحده دارند فقط پادشاه انگلیس را پادشاه خودمیدانندوبین آنها وبریتانیا علائق جنسی واخلاقی وتمدن برقراراست وهیچوقت اتفاق نیفتاده است که این ممالك باوجود استقلال بی نیازی برخلاف مصالح بریتانیا رفتار نموده باشند . مملکت وسیع هندوستان که جزء دسته های بالابود ازتحت تبعیت انگلیس خارج شد ودو کشور مستقل بنام هندوستان وپاکستان تشکیل دادند .

دولت آزاد ایرلند نیزاز سال ۱۹۲۲ ازبریتانیای کبیر جداشده و خود را مستقل و آزاد خوانده و درشمار یکی از دمی نین ها درآمده است ، هندوستان نیز که جزء کشور امپراطوری انگستان بوده اخیراً بدو کشور مستقل هندوستان وپاکستان تبدیل گشته .

---

1 — Seligoverning Lands 2 — Crrwon Lands

3 — Dominions

بعداز این‌دسته ممالك تحت الحمایه انگلیسند که‌ازخود امیر و پادشاهی بومی‌دارند (مثل‌زنگبار واوگاندا در افریقا) و ممالك مالزی در آسیا وجزیرهٔ تن‌گادر اوقیانوسیه ولی در امور خارجی تحت ادارهٔ نماینده دولت انگلیسندومصر از همین‌طبقه ممالك بوده که حالیه بکلی مستقل است .

سودان شرقی از طرف نمایندگان انگلیس و مصر اداره میشودو اراضی تحت قیمومیت بریتانیا یعنی فلسطین و تانگانیکا را نمایندگان انگلیس تحت ادارهٔ خوددارند و از همین‌نوع اراضی‌است افریقای‌غربی سابق آلمان‌که تحت قیمومیت‌ممالك‌متحدهٔ افریقای جنوبی است‌وقسمتی از جزایر اوقیانوس کبیر که سابقاآلمان آنها را متصرف بوده وامروزه قیم‌اداری آنهااسترالیاست . عراق نیزتحت قیمومیت انگلیس‌بوده‌وحالیه استقلال یافته است .

فصل دوم

فرانسه

۱- کلیات

موقع و وسعت - کشور فرانسه که ۵۵۰۹۸۶ کیلو متر مربع وسعت و ۴۱٬۹۵۰٬۰۰۰ نفر جمعیت دارد جزء اروپای غربی است واقع درمیان ۴۲ درجه و ۵۱ درجهٔ عرض شمالی یعنی تقریبا بیك فاصله از خط استوا و قطب شمال و مدار ۴۵ درجه که میانهٔ این دومبدأ قرار گرفته از اواسط خاك فرانسه میگذرد ،

همین کیفیت یکی از موجبات حسن موقع طبیعی فرانسه شده و اعتدال آب وهوا و فراوانی باران و حصول حرارت کافی را برای اقسام نباتی که مثلا رشد و نمو آنها در جزایر بریتانیا ممکن نیست موجب گردیده است .

اتکای فرانسه از سه جانب شمال و مغرب و جنوب بدریاوسهولت ارتباط آن باآبهای مختلف مخصوصاً بدریاهائی که از جهت رفت وآمد وفعالیت تجارتی مهمترین بحار عالمند نشانهٔ دیگری از حسن موقع این کشور خوشبخت است تنها از طرف مشرق و جنوب غربی فرانسه متصل بخشکی است و در این دوطرف هم اگرچه دورشتهٔ کوه یعنی آلپ (بین

فرانسه و ایتالیا وسویس) و پیرنه(بین‌فرانسه و اسپانیا) و یك‌شط‌عظیم یعنی ران (راین) میان اینکشورو ممالك مجاورفاصله‌است لیکن از این موانع طبیعی غیر ازپیرنه‌که معابر طبیعی خوب نداردبقیه یعنی هم آلپ بعلت گدارهای طبیعی سهل العبور مانع ارتباط آن با خارج نیست وهم رن که‌خود یکی از طرق ارتباطیه عمدهٔاروپای غربی‌است ودو ساحل آن بوسیلهٔ پلهای متعدد بیکدیگر مرتبطند .

آب و هوا - آب وهوای فرانسه در عین‌اینکه مختلف‌است‌یعنی وضع آن نسبت بنواحی مختلفه این کشور تغییر مییابد باز بطور کلی معتدل است نه تابستانهای سوزان دارد ونه زمستانهای شدید و اختلاف بین درجهٔ گرمای شب و روزآن نیز چندان زیادنیست . علت این امر یکی‌وقوع فرانسه است در وسط منطقهٔ معتدله شمالی دیگری برخورد جریان آبگرم خلیج مکزیك است بسواحل غربی آن که آب و هوای این‌قسمت را از حد طبیعی نیز معتدل تر میسازد و چون‌مرتفعات‌فرانسه هم از خوشبختی این مملکت درحدود جنوب غربی و ناحیه شرقی آن قرار یافته‌اند اثراین جریان وهوای معتدل‌او قیانوس اطلس حتی‌تامراکز فرانسه نیز مشهود است و کمك دیگریست ببالا بردن درجهٔ گرما بیشتر از حد طبیعی

با این حال باز تا اندازه ای اختلاف آب و هوا محسوس است و عوامل تولید اختلاف در آب وهوای فرانسه بر حسب نواحی سه‌امر ذیل است ،

۱ - دریای مدیترانه‌که بر اثر استیلای آب و هوای مخصوصی بر جمیع اقطار ساحلی آن آسمان‌قسمتهائی از فرانسه راکه در نزدیکی

آنند صاف و درخشان نگاه میدارد و بعلت نزدیکی باستوا و صحرای کبیر افریقا درجهٔ حرارت این نواحی را بالامیبرد زمستانها بسیارمعتدل وسازگاراست و بعلت‌رطوبت وحرارت کافی رشد نباتات آنها زیادمیشود و نباتاتیکه تاب حرارت و رطوبت بالنسبه فراوان را داشته باشند مثل زیتون و مو وبادام و مرکبات بخوبی‌در آنجا بعمل‌میآیند . البته‌تابستان دربعضی‌از نواحی مجزا ومحصوراین‌قسمت سخت و سوزانست لیکن در عوض زمستان‌اکثر نقاط آن بقدری‌ملایم وجذاب‌است که‌ازجمیع بلاد دنیا مردم مستطیع آسایش طلب برای تمتع از هوائی خوشگوار و مناظری دلفریب باین ناحیه میآیند .

۲ ـ اوقیانوس اطلس در وضع آب وهوای مغرب و شمال فرانسه مؤثر است لیکن بهر نسبت که عرض جغرافیائی بیشتر شود صورت‌تأثیر آن تغییر مییابد مثلا در دوقسمت برتانی[1] ونورماندی[2] که ازسواحل دیگر اوقیانوس‌اطلس عرض جغرافیائیشان‌بیشتر است‌وقسمت شمالی‌غربی فرانسه را شاملند زمستانها ملایم وتابستانها معتدل و بعلت رطوبت‌کافی سر زمین خرم و سبز است و آثار پراکنده‌ای از جنگل در آنها دیده میشودکه یادگار یك رشته جنگل های پیوسته‌ایست که سابقاً سراسر این ناحیه را میپوشانده .

۳ـ نزدیکی به برّاروپا و مرتفعات شرقی فرانسه جنوب شرقی و شرقی راکه از همه نقاط دیگرآن از اوقیانوس دورترند تحت تاثیر آب و هوای بری قرار میدهد و عامل مؤثر عمده در آب و هوای اینقسمت سلسله های جبال است . در ناحیهٔ آلپ‌که از ساحل مدیترانه تا زاویه جنوبی دریاچه ژنو ومعبر شط رن بین مشرق‌فرانسه و ایتالیا و سویس

۱- Bretagne - ۲ Normandie

فاصله‌است آب وهوا بکلی کوهستانی است زمستانها سرد وتابستانها گرم و خشك است و سکونت بیشتر منحصر بدره ها مخصوصا بدره هائی‌است که تحت تاثیر آب و هوای معتدل مدیترانه قرار دارند . اقسام جنگل کاج و سرو چمن در این ناحیه فراوانست و مردم بیشتر بگله داری و استفاده از اشجارجنگلها اشتغال دارند . استفاده ازقوه سقوط آبشارهای عدیده این‌ناحیه که دراین اواخر معمول‌شده صنایع الکتریکی‌وشیمیائیرا نیز در قسمت آلپ فرانسه ترقی شایانی داده است .

ناحیه پاریس و دره شط **سن‌نو ومارن** فصل مشترك بین نواحی واقع تحت تاثیر آب وهوای بحری‌سواحل اوقیانوس ونواحی دارای آب وهوای بری محسوبست بهمین‌جهت نه‌اختلاف میان‌فصول شدیداست‌ونه رطوبت و خشکی بحد افراط و تفریط ونتیجه این کیفیت استعدادخاص ناحیه پاریس است هم برای رویاندن جنگل و چمن و هم برای زراعت غلات و در نقاطی از آن که مرتفعاتی موجود باشد زراعت مو واشجار بارور نیز بخوبی ممکن است .

ساختمان طبیعی فرانسه -از لحاظ ساختمان‌طبیعی فرانسه‌یکی از خوشبخت ترین ممالك دنیاست‌چه کوههای آن طوری واقع شده‌اند که‌تنها درمقابل آثار خیرو برکت دریاهای مجاوریعنی اوقیانوس اطلس‌و مدیترانه مانع وسد نیستند بلکه برخلاف جلوی آثار مشئوم آب وهوا های بری اسپانیا و اروپای مرکزی را میگیرند

از این گذشته فرانسه آن اندازه کوه که برای منابع معدنی و استفاده از آبشارهای طبیعی وبرف‌و یخ لازم باشد دارد و از قضاکوهها و جلگه های آن نیز از یکدیگر چندان دور اتفاق نیافتاده که ساکنین کوهستانها از جنس‌معیشت مردم جلگه هابیخبر ومحروم بمانند ومردم

جلگه نشین از احوال کوهستانیها وطرز زندگانی آنها مطلع نشوندبلکه برخلاف چون ارتفاع کوهها زیاد نیست و معابر کثیر سهل‌العبور آنهارا بجلگه‌ها مرتبط میسازدزندگانی‌عموم‌مردم فرانسه‌چه ساکن جلگه‌باشند چه از اهالی کوهستان با یکدیگر مخلوط و بهم پیوسته است و همه از مزایا وفوایدی که جنس خاك و منابع ثروتی‌مساکن ایشان بدست‌میدهد بهره برمیدارند .

شمال فرانسه بشرحیکه در جغرافیای‌طبیعی جزایر بریتانیای کبیر گذشت دنباله جلگهٔ اروپای مرکزی است که بساحل اوقیانوس اطلس منتهی میگردد و مغرب و قسمت اعظم مرکز آن هم که ازمشرق بجلگهٔ پاریس شروع میشود تا دامنه های پیرنه تقریبا بهمین حالت است فقط جنوب غربی (ناحیهٔ‌پیرنه) و مشرق (ناحیهٔ آلپ وژورا و وژ) و قسمت دیگری از مرکز آن میدان بروز و ظهور آثار اراضی مرتفعه است .

مرکز فرانسه بصورت‌نجدی است که ارتفاع آن بین۸۰۰و۱۱۰۰ متر تغییر مییابد و آنکه‌بنام **کوهستان‌مرکزی**[1] معروف است در دامنهٔ شرقی بسلسلهٔ **سون**[2] منتهی است و دارای قلل آتش فشانی متعددی است که امروز همه خاموشند و ارفع آنها۱۸۸٦ متر ارتفاع دارد ،

کوهستان مرکزی بانشیب ملایم بطرف جلگه‌های غربی پیش‌میآید وپس از تبدیل بیکرشته کوهستانهای‌کم‌ارتفاع تر و رسیدن بدره‌های‌وسطای شطوط گارن ولوار بکلی محومیشود ولی دردامنهٔ شرقی‌یك‌رشته‌نجدهای دیگری آنرا بکوهستان وژ وکوههای **آرگن**[3] متصل میسازند .

مشرق فرانسه‌را بشرحیکه سابقاگفتیم سه‌سلسلهٔ آلپ و وژ وژورا

۱- Massif central ۲- Sevennes ۳- Argonne

گرفته اند و ارتباط فرانسه از این سمت با همسایه های خود از طریق معابر این کوهستانهاست و با اینکه در این رشته کوهها قلل مرتفع زیاد است و قله سفید[1] در آلپ بارتفاع ۴۸۱۰ متر ارفع قلل اروپاست بازعبور از آن اشکالی زیاد ندارد واز قدیم رومیان مابین ایتالیا و ولایت گالیای قدیم (فرانسهٔ حالیه) از همین طرق رفت و آمد داشتند ،

در جنوب غربی فرانسه سلسلهٔ پیرنه قرار دارد که ارتفاع قلل آن بین ۲۸۰۰ و ۳۴۰۰ متر است ربا اینکه ارتفاع رؤس آن از آلپ بمراتب کمتر است معابر خوب ندارد وبهمن علت ازهمان ایـام قدیـم روابط بین ایطالیا وفرانسه بمراتب بیشتر بوده است تا بین این کشورواسپانیا . پیرنه ازطریق دامنه های شمال شرقی خود بکوهستان لیون مربوط است .

بغیراز مرتفعاتیکه نام بردیم بقیهٔ فرانسه جلگه هموار یرا دارد که قسمت های شمالی آن متوجه دریای مانش وقسمتهای غربی متمایل بسمت اوقیانوس اطلس و نواحی جنوبی آن بسمت بحر مدیترانه متوجه است ودرهر کدام شط بزرگی جاری است که این جلگه هارا باشعب خود مشروب مینمایند تنهادر شعبه جزیرهٔ برتانـی ازجنس مرتفعات تلهای کم ارتفاعی از بقایای کوههای بسیار قدیمی دیده میشود که آنها را برجستگیهای آرمریك[2] میگویند واز جنس معادن زغال و آهن در آنها بدست میآید .

مناطق طبیعی - فرانسه را از جهت مقدار ریزش باران وجنس نباتات بهشت منطقهٔ طبیعی بشرح ذیل میتوان تقسیم کرد .

۱ - **جلگهٔ پاریس و درهٔ شط سن** ، که هم بعلت وقوع آن بین اروپای بری واوقیانوس اطلس آب و هوای قسمتهای مختلف آن تغییر

---

۱ - Mont Blanc

۲ - Manssifs Armoricains (آرمریك نام قدیم برتانی است)

مییابد وهم بعلت داشتن مرتفعات آهکی از یکطرف و اراضی رسوبی از طرف دیگر دارای جنس های گوناگون ازخاك است بهمین علت دراین جلگه هم تربیت مواشی و گله داری رایج است وهم زراعت غلات و مو و اشجار بارور بعلاوه اکثر قسمتهای این ناحیه ازجنگل پوشیده است .

ریزش باران دراطراف پاریس نسبة کم است لیکن همینکه بمغرب یا بمشرق نزدیك شویم مقدار آن افزایش مییابد درمغرب بعلت نزدیکی بدریا ودرمشرق بسبب مرتفع شدن اراضی

۲ - **شبه جزیره‌های برتانی و نرماندی** - دراین دوقسمت که بدریای مانش واوقیانوس اطلس تکیه دارند مقدارسقوط باران زیاداست وریزش آن نسبت بفصول نیز نسبتاً منظم است زمستانها سرد وتابستانها بحال اعتدال باقی است

کثرت درخت وجنگل وخرمی اراضی و زیبائی دره های شطوط وتضاریس سواحل برتانی ونرماندی را درتابستان ازمحلهای بسیارجالب برای گردش وییلاق کرده وهرسال جمعیت کثیری ازداخلهٔ فرانسه وازخارج جهت استراحت وتمتع ازمناظر دلفریب طبیعت باین دو قسمت میآیند و یك جزء عمده ازمعیشت مردم برتانی ونرماندی ازهمین طریق استفاده ازآمد ورفت سیاحان ببلاد وسواحل مساکن ایشان میگذرد .

۳ - **درهٔ شط گارن یاناحیهٔ آکی تن** که جلگهٔ هموار وسیعی است درجنوب دومنطقهٔ مذکور درفوق وچون ازآن دو منطقه بجنوب نزدیکتراست درجهٔ حرارت آن بالنسبه بالاست وتابستانهای آن گرم‌تر است . درسواحل خلیج **گاس کنی**[1] مقدار ریزش باران زیاد است اما

---

۱ - Gasscogne

بعلت پستی جنس خاك وریگ و شنیکه سراسر ساحل ولایت لاند[1] را گرفته جز علف و کاج وسرو نبات دیگری در آن نمیروید برخلاف دره علیای گارن ازاراضی بسیار حاصلخیزاست ،

٤ - ناحیهٔ پیرنه - که بعلت کوهستانی بودن بکلی منطقه ای جداگانه است جنگل نارون وزبان گنجشك درقسمتهای پائین و کاج و سرو درقسمتهای بالاتر آن فراوان است . قلل آن غالب اوقات ازبرف مستور و آبشارها وسیلاب‌های آن بسیاراست .گله‌داری دردره‌های آن رواج دارد ولی زراعت جز کشت مو وبعضی اشجار بارور در نواحی گرم‌تر دربقیهٔ نقاط آن ممکن نیست . باران آن جز در قسمت شرقی نسبة فراوان است این ناحیه نیز درتابستان ازمحلهای سیاحت و گردش کسانی است که تفرج کوهستانیرا براقامت در کنار دریا ترجیح دهند .

٥ - مدیترانهٔ شمال غربی ودرهٔ سفلای رن شامل سه ناحیه لانگدك[2] وپروانس[3] وریویرا[4] دارای بارانی فراوان وهوائی ملایم ومعتدل وزراعت غلات ومرکبات وزیتون وتربیت کرم ابریشم . دراین قسمت (جزدرقسمت ریویرا که نزدیك بساحل خلیج ژن است) چون رشتهٔ آلپ ازدریا دوراست اراضی در حکم جلگه است و حاشیهٔ خلیج لیون برخلاف سواحل خلیج ژن که‌محل‌فرود آمدن سیلابهای کوهستانی است صورت مردابی دارد و جزایر و برکه های عدیده در دهانهٔ رن وانهار دیگر این قسمت دیده میشود . این منطقه ازفرانسه هم چنانکه سابقا گفتیم یکی ازجالب‌ترین نقاط‌عالم برای گردش‌های زمستانی و آمدو رفت سیاحان است .

۱- Landes ۲- Languedoc ۳- Provence
۴- Riviera

۶ - **کوهستان مرکزی** - دراین منطقه بعلت ارتفاع بالنسبه زیاد زمستانها سخت سرد است . باران درقسمت غربی آن که اول بارباد های بحری بآنها میرسند زیاد تراست تا در قسمتهای شرقی ، ناحیهٔ مرکزی آن خشك ترین قسمتهاست وجز گله‌داری مختصری استفادهٔ دیگری از اراضی کوهستان مرکزی میسر نیست مگر دردره‌های انهار که خاك برای زراعت مستعد است .

۷ - **ناحیهٔ بورگنی ولرن** - ناحیه بورگنی[۱] و لرن[۲] اراضی مرتفعه‌ای هستند که درقسمت علیا دونهر موزل[۳] وموز[۴] از آنها میگذرند و از جانب غربی آن ها شط سون[۵] جاری است . دره های این شطوط همه حاصلخیز است مخصوصا انگور آنها فراوانست .

۸ - **درهٔ رُن** که جلگه‌ایست بسیار حاصلخیز ، در دامنهٔ وژ ریزش باران متوسط است زمستانها نسبة معتدل و تابستانها گرم است . جنگل دراین ناحیه فراوان است وگله داری رواج کلی دارد کوهستان وژ برخلاف جز دردره‌های عمیق بهیچوجه مستعد برداشت محصول نیست امادرعوض دارای معادن نفیس از آهن وذغال وپتاس است وهمین کیفیات این قسمت ازفرانسه رایکی ازصنعتی ترین نواحی آن کرده‌است .

۲ - اوضاع اقتصادی

ازاجمالی که درباب اوضاع طبیعی ووضع ساختمان ومناطق نباتی فرانسه شرح دادیم برروی هم معلوم شد که‌این سرزمین ازبرکت داشتن جلگه های حاصلخیز وآب وهوای معتدل وباران ورودخانه‌های فراوان

۱- Bourgogne ۲- Lorraine ۳- Moselle
۴- Meuse ۵- Saône

ودسترستی سهل بچندین دریا ومخازن زیرزمینی (اگرچه دراین قسمت فرانسه قابل قیاس با انگلیس و آلمان نیست) ازنواحی بسیارمستعداست وطبیعت ازهمه جهت بآن وسایل بسط زراعت وصنعت وتجارت بارونقی را داده وچون ازقضا ساکنین این کشورهم مردمی زحمت کش وصرفه جو وباهوش و دارای خاصهٔ ابتکار و ابداعند بخوبی توانسته اند از نعمیکه دست طبیعت بایشان عطاکرده حد اکثر بهره را بردارند ومملکت خود را بصورت یکی ازمتمدنین ترین وفعال ترین کشورهای اقتصادی عالم در آورند. بهمین نظر مناسب چنین مینماید که قبل ازشروع درشرح اوضاع اقتصادی شمه‌ای نیز ازاحوال مردم آن گفتگو کنیم.

جمعیت فرانسه - درسال ۱۸۰۱ فرانسه با ۲۷ ملیون جمعیت خود پرجمعیت ترین ممالك اروپا محسوب میشد و با این مقدار $\frac{1}{17}$ از کل ساکنین قطعهٔ اروپارا شامل بود. امروز بالغ بر ۴۲ ملیون جمعیت فرانسه فقط $\frac{9}{100}$ مجموع سکنهٔ اروپا میشود وعدهٔ از ممالك این قطعه از لحاظ شمارهٔ ساکنین بر آن فزونی دارند.

اگرچه در عرض این یك قرن و نیم فاصله جمعیت فرانسه افزایش یافته لیکن افزایش آن نسبت بسایر کشور های اروپا بسیار بطیء بوده است واین امر علل عدیده دارد که اهم آنها بشرح ذیل است.

۱ - فرانسوی مردی است پیش بین وصرفه جو و چون تمام هم اودر زندگانی آنست که برای ایام پیری وروز مبادا جهت خود و فرزند خود اندوخته وسرمایه ای گرد آورد بهمین جهت نوعاً خانواده‌های فرانسوی اندوخته وپس انداز بمراتب بیشتر دارند تافرزند اگر کسی دراین خصوص برایشان نکته گیری کند در جواب میگویند «فرزند متعدد داشتن بسیار خوب است اما قبلا باید وسایل تربیت ونیك بختی ایشان را اندیشید.

۳ - یکی از علل عمدهٔ افزایش سریع جمعیت در انگلیس و آلمان بسط فوق‌العادهٔ صنعت در این دو کشور است چه صنایع کارخانه‌ای محتاج بکارگر متعدد وفراوان است اما در فرانسه که اصولا مملکتی زراعتی است وصنعت کبیر در آن تامدتی ترقی فوق‌العاده نداشته اکثر مردم بهمان اشتغالات زراعتی وصنایع کوچك یك نواخت سر گرم بوده وموجبی برای داخل کردن تغییری در نوع زندگی خود نمیدیده اند و بعد از آن هم که صنعت کبیر روبترقی نهاده زارعین فرانسه بر خلاف کشاورزان انگلیسی دست از آب وخاك موروثی اجدادی نشسته و بطرف کارخانجات نلدویده اند بلکه تعلق خاصی بمساکن و مزارع قدیمی خود اظهار داشته وپابند بجنس معیشت دیرینهٔ خود مانده اند وهمین امر علت کثرت مهاجرین خارجی درفرانسه مخصوصا درنواحی صنعتی وفراوانی کار گران اجنبی در کارخانجات این کشور . عدهٔ خارجیان مقیم فرانسه بالغ بر سه ملیون است

از ارقام ذیل میتوان نسبت توجه جمعیت فرانسه را بمشاغل مختلفه دریافت:

از نصف بیشتر ساکنین فرانسه که بکاری سر گرمند نسبت هر طبقه چنین است:

کشاورزی	٪۳۶
مشتغلین بصنعت	٪۳۳
« بتجارت	٪۱۲٫۵
کار گران حمل و نقل	٪۵
اعضای ادارات	٪۴
مشتغلین بپیشه های آزاد	٪۳
مشاغل دیگر	٪۶٫۵

چنانکه ملاحظه میشود اکثریت مردم کار گر فرانسه بکشاورزی

مشغولند اما باید دانست که این شمار شامل شکارچیان و صیادان و کسانی نیز هست که باستفاده از جنگلها اشتغال دارند.

توزیع جمعیت در سطح فرانسه بیك نسبت نیست یعنی بعضی قسمتها بعللی طبیعی واقتصادی واجتماعی جمعیت بسیار دارند و پاره‌ای نواحی کمتر، بطور کلی جمعیت بیشتر در قسمتهای ذیل دیده میشود.

۱ - نواحی اقتصادی مهم مثل نواحی صنعتی شمال یا مراکز تجارتی دره سفلای سن:

۲ - قسمتهائی که منابع ثروتی مختلف دارند مثل آلزاس که هم زراعت آن مهم است وهم معادن وصنعت آن،

۳ - قسمتهائی که محل توجه مهاجرین خارجی است مثل ولایات ساحل بحر مدیترانه،

٤ - مراکز التقای راههای تجارتی عمده مثل درهٔ رُن وحوالی شهر لیون

٥ - قسمتهائی که توالد وتناسل مردم در آن نسبة زیاد است مانند ناحیهٔ برتانی،

کم جمعیت ترین اراضی فرانسه یکی کوهستانهاست که بعلت قلت منابع ثروتی و عدم استعداد جنس خاك وشدت آب وهوا باسکونت انسان مساعدت ندارند دیگر قسمتهائی که زراعت آنها در درجات ساده وپست است مانند ناحیهٔ لاند و شامپانی[1]

بلاد عمده - درهر کشور شهر مرکز تجمع عده کثیری از مردم است واین حال یعنی اجتماع مقدار زیادی از مردم دریك نقطه یابر اثر حسن موقع جغرافیائی محل واستعداد طبیعی آنست (مثل وقوع آن در

---

۱ - Champagne

منتهی الیه راهی یادرمحل تقاطع چندین راه یادر محل تلاقی دو شط یا وقوع آن در کنار چشمه آبی معدنی یادرمجاورت زیارتگاهی یادرمصب شطوط و غیره) یابعلت ایجاد صنعت و کشف معدن و تمرکز زندگانی اقتصادی در آن محل شهرهای قدیم فرانسه همه از نوع اولند وشهرهای جدید ازطبقه دوم .

بلاد قدیمی فرانسه بچند دسته منقسمند .

۱ - شهرهائی که در ملتقای دوشط بوجود آمده‌اند مثل **لیون**[۱] (در محل تلاقی رن وسون) و **گرنوبل**[۲] (درملتقای ایزر[۳]) وغیره .

۲ - شهرهائی که درمحل تقاطع چندین راه بزرك واقعشده و از آنهاخطوط مهمی ببلادبری متوجه‌است مثل **پاریس** و **تور**[۴] و **ارلئان**[۵] و**بردو**[۶] و **استراسبورك** .

۳ - شهرهائیکه برسرراه‌های بین‌المللی عمده قرار گرفته وحکم بارانداز وایستگاه را دارند مانند **لیل**[۷] و **رنس**[۸] .

٤ - بلادیکه در مدخل گدار های کوهستانی قرار گرفته اند مثل **گاپ**[۹] و **برانسیون**[۱۰] .

٥ - شهر هائیکه بعلت وقوع در سر حد دو منطقهٔ مختلف بازار معامله ومحل تبادل جنس بین ساکنین این‌قبیل مناطقند مانند **شارتر**[۱۱] و**شامبری**[۱۲] در سرحد بین جلگه و کوهستان .

٦ - بنادر کنار دریا مثل **مارسی** و **لهاور**[۱۳] ونظایر آنها .

Orléans -۵ Tours-۴ Isere —۳ Grenoble-۲ Lyon-۱
Brancion-۱۰Gap-۹ Rheins -۸ Lille-۷ Bordeaux-٦
Le Havre - ۱۳ Chambéry - ۱۲ Chartres-۱۱

اما بلاد جدید فرانسه بعضی محل استخراج معادن و اجتماع کار-خانجات صنعتی اند مثل **سنت اتین**[1]، بعضی دیگر از وقتی که جلب سیاحان خارجی برای گردشهای تابستانی و ورزشهای زمستانی واستعلاج از آبهای معدنی معمول شده ترقی و اعتبار یافته اند مانند **ویشی**[2] و **لوشن**[3] و غیره ها .

الف ـ زراعت

ازمقدماتی که گذشت معلوم شد که فرانسه اساساً کشوری زراعتی است و منبع عمده ثروت مردم واشتغال قریب بنصف ایشان این رشته از اقتصاد است اما باید دانست که در فرانسه غلبهٔ کلی باخرده مالکین است و مثل انگلیس و آلمان شرقی عده ملاکین بزرك چندان زیاد نیست چنانکه شمارهٔ ملاکین بزرك در میان فرانسویان از ۲۷۰۰ نفر تجاوز نمیکند درصورتیکه عده خرده مالکین از سه ملیون تن نیز متجاوز است وهرسال نیز شماره ایشان رو بافزایش است .

از ۵۵ میلیون هکتار که وسعت سطح فرانسه است قریب ۲۶ میلیون هکتار آن در زیر زراعت اقسام مختلفه نباتات است ۱۱ میلیون هکتار آنرا جنگل پوشانده وبقیه کوه یااراضی غیرذی زرع است .

محصولات نباتی عمده ـ مهمترین محصولات زراعتی فرانسه گندم است چه فرانسوی درمیان ملل اروپائی بیش ازهمه نان گندم صرف میکند. محصول گندم فرانسه از جهت مقدار در عالم دررتبهٔ پنجم قرار دارد (بعد ازممالك متحده امریکای شمالی وروسیه و کانادا وهندوستان) باوجود این باز فرانسه برای نان مصرفی خودمحتاج بوارد کردن مقداری

Louchon -۳ Vichy-۲ Sinte-Etienne-۱

گندم از خارج است ومحصول آن وافی برای تمام غذای اهالی نیست .

منطقه عمدهٔ زراعت گندم در فرانسه شمال این کشور است باستثنای شبه جزیره های غربی که بواسطه بدی جنس خاك استعداد هیچگونه زراعتی مهم را ندارد وازاین میان اهمیت ناحیهٔ پاریس ازهمه بیشتر است چه این ناحیه ازلحاظ درجه حرارت ومقدارریزش باران برای تربیت گندم بسیار مستعد وازغالب جهات نظیر جلگه‌های انگلیس شرقی است .

شبه جزیره های غربی فرانسه یعنی نورماندی و برتانی از جهت جنس خاك بی شباهت بقسمت غربی انگلیس نیستند تنها تربیت حیوانات اهلی در آنها رواج دارد و هر سال از آن مناطق مقداری کره بانگلیس فرستاده میشود .

بعداز گندم مهمترین محصول نباتی فرانسه انگور است چه فرانسوی همانطور که نان زیاد میخورد شراب نیز زیاد مینوشد وشراب برای فرانسویان همان حکم را دارد که چای برای مردم چین وبعضی دیگر ازملل شرقی

باوجود اینکه فرانسه ازجمیع ممالك دیگر عالم بیشتر در عرض سال شراب میسازد میتوان گفت که تقریبا تمام این محصول را باستثنای مقداری ازمشروبات الکلی مخصوص مانند **شامپانی**[1] (مخصوص ناحیه شامپانی) و عرق **کنیاك** و قسمتی از شراب های بردو و بورگنی خود فرانسویان در داخله بمصرف میرسانند . بعداز گندم و مو محصول عمده فرانسه **چغندر قند** است که ازقسمت شمال شرقی این کشور بدست میآید وبرای ساخت قند بمصرف میرسد .

زیتون درمنطقه مجاور مدیترانه و**توت** در درهٔ شط رُن بخوبی

---

۱ - Champagne

بعمل میآید اولی بکار استخراج روغن زیتون میرود و دومی در تربیت کرم ابریشم مورد استفاده است وجود درخت توت دردره رن و اطراف شهر لیون این ناحیهٔ را از قدیم یکی از مراکز عمدهٔ بافت پارچه های ابریشمین وشهرلیون را از بازارهای عمده داد وستد ابریشم کرده بود و هم امروز این مقام برای آن ناحیه باقی است .

فرانسه یکی ازممالك میوه خیز عمدهٔ دنیاست چه تقریبادرسراسراین کشور اشجار بارور موجوداست اماغلبهٔ کلی بانواحی جنوبی یعنی حوالی مدیترانه ودره های شطوط گارن ولواست درهٔ رُن و ناحیه آکی تن نیز میوه فراوان دارند وهرسال فرانسه مقداری از آنهابخارج میفرستد در **تربیت حیوانات اهلی** فرانسه برجمیع کشور های دیگر اروپا مقدم است چه هم مراتع فراوان برای اینکار وجود دارد وهم احتیاج شدید مردم بگوشت وشیروپشم و پوست واستفاده از قوهٔ باربری تربیت آنها را شدت داده .

تربیت گاو شیرده در شمال شرقی و در برتانی و قسمتهای غربی فرانسه فوق العاده رونق دارد وبیشتر ازشیر وکرهٔ آنهااستفاده میشود در صورتیکه نواحی آلپ وژورا بیشتر شیر محصول را بپنیر تبدیل میکنند وپنیر های این دو ناحیه شهرتی بخصوص دارند وتربیت اسب و گوسفند نیز خالی از اهمیت نیست .

ب ـ استخراج معادن و صنایع

ثروت معدنی فرانسه نسبت بکشور هائی نظیر انگلیس وآلمان بالنسبه کم است بهمین علت استخراج معادن وصنایع کبیر درفرانسه آن بسطی راکه درکشور های مذکور دیده میشود ندارد .

زغال در فرانسه از نواحی ذیل بدست میآید :

۱ ـ ناحیهٔ شمال شرقی مجاور مرز بلژیك که دنباله معادن زغال بلژیك است و تاجنوب ناحیه لیل امتداد دارد .

۲ ـ دره علیای شط لوار واطراف شهرسنت اتین

۳ ـ در اطراف شهر کروزو وترعهٔ مرکزی

درمعادن زغال فرانسه هرسال قریب ۱۰۰٬۰۰۰ نفر کارگر باستخراج آنها مشغولند وحاصل سالیانه آنها بالغ بر ۵۰٬۰۰۰٬۰۰۰ تن است باوجود این فرانسه هرسال مقداری زغال از خارج میخرد درنواحی زغال خیز فرانسه یا در نقاطی که بسهولت بزغال خارجی دست رسی دارند برای استفاده از این مادهٔ مولد حرارت کارخانجات عظیم نساجی و فلز کاری وغیره ایجادشده چنانکه در ناحیهٔ شمال شرقی یعنی در اطراف لیل عظیم ترین کارخانجات بافت فرانسه صورت وجودیافته ولیل مرکز نسج پارچه های پشمی و پنبه‌ای وکتانی گردیده است .

در بندر روان که ازمراکز مهم ورود وخرید پنبه امریکائی وزغال انگلیسی است نسج پارچه های پنبه‌ای رونق دارد .

سنت اتین که از زغال کوهستان مرکزی استفاده میکند ازمراکز بافت پارچه های ابریشمی وتهیه ماشین آلات واشیاء فلزی و تهیه رزین است و لیون هم که بزغال کوهستان مرکزی دست دارد و هم بمحصول ابریشم خام درهٔ شط رن مهمترین مراکز بافت پارچه های ابریشمین فرانسه است و بعلت حسن موقع جغرافیائی ووقوع آن برسر چندین راه معتبر بری و آبی ازبازارهای بزرك تجارت داخلی است شهر کروزو که مختصر زغالی در اطراف آن وجود دارد و ازآهن ولایت لورون نیز استفاده میکند شهری شده است صنعتی واز مراکز مهم اسلحه سازی وفلز کاری است

از جمیع منابع زیرزمینی فرانسه آنکه بیش ازهمه اهمیت دارد **آهن** است و محصول سالیانه آهن این کشور اخیراً ترقی فاحش یافته و میزان آن بسالی ۴۵،۰۰۰،۰۰۰ تن رسیده است فرانسه از جهت محصول آهن پس ازممالك متحده دردنیا مقام اول رادارد . بیشتر آهن فرانسه از ولایت لرن و درهٔ نزدیك شط موزل بدست میآید و آهن این نواحی در بلاد مزبور یا در کرزوصرف تهیهٔ فولاد وساخت ماشین و آلات دیگر فلزی و اسلحه میشود ، درولایت نرماندی نیزمعادنی از آهن موجوداست درنزدیکی شهر کان که درمحل از آنها استفاده بعمل میآید .

بعد از آهن وزغال ازجنس معدنیات محصول عمدهٔ فرانسه **نمك** است که بحال سنك در نزدیکی نانسی مقدار کثیری از آن وجود دارد واز آب دریا نیز در سواحل مدیترانه وخلیج کاسکنی مبلغ عظیمی از آن حاصل میشود محصول نمك معدنی فرانسه درسال بالغ بر ۱٬۵۰۰،۰۰۰ تن است

پتاس در آلزاس مخصوصا درمجاورت **مولوز**[1] زیادبدست میآید و محصول آن درسال با ۱٬۰۰۰،۰۰۰ تن برابر است .

مس و **قلع** و **سرب** و **نیکل** و **طلا** نیز در فرانسه وجود دارد اما مقدار استخراجی آنها چندان زیاد نیست

برخلاف **خاك چینی** و**سنك بنا** واقسام احجار مفیددیگر درفرانسه زیاد است مخصوصاً ساختن ظروف چینی وسفالی ولعابی و بلور آلات و شیشه دربلاد مختلف این کشور خاصه دراطراف پاریس وشهرهای قسمت مرکزی بسیار رایج است و هم در نهایت ظرافت و زیبائی است

باوجود اینکه صنعت کبیر در فرانسه آن درجه از بسط واهمیت راکه این شعبه از اقتصاد درزندگانی مردم انگلیس و آلمان پیدا کرده

۱-Mulhouse

ندارد باز در این کشور در منتهای رونق و ترقیست تا آنجاکه قریب نه ملیون از جمعیت فرانسه را در شعب مختلفهٔ خودبکار مشغول میدارد

در شعب صنعت مقام اول در فرانسه از آن صنایع نساجی است چه بافت پارچه های پنبه‌ای وپشمی چه‌نسج پارچه‌های کتانی وابریشمی دو دامنهٔ جبال وژ و ناحیهٔ شمال مرکز بافت پارچه های پنبه‌ای و پشمی وکتانی است و بلاد اینقسمت هم اززغال فراوان شمال استفاده میکنند وهم از آبشارها ، مراکز عمدهٔ بافت اینقسم پارچه ها یکی شهر **مولوز** است‌در آلزاس دیگر بلاد **لیل وروبه وتورکوان** همه‌درشمال و شمال شرقی بندر **روان** با اینکه از این منطقه دور است چنانکه‌سابقا یادآور شدیم بعلت‌سهولت‌دسترسی‌بپنبهٔ امریکا نیز ازمراکز کارخانجات نساجی‌است ، پارچه‌های کتانی بیشتر در **دن کرك** تهیه و بافت‌پارچه‌های ابریشمی تقریبا بلیون و درهٔ شط رن انحصار دارد .

فرانسه بعد از بلژیك بصنعت قلابدوزی مشهور است از جنس مصنوعات‌فرانسه آنچه بیش ازهمه بخارج فرستاده‌میشود برخلاف آلمان وانگلیس وامریکاغالبا مصنوعاتی است سبك وزن‌وگران قیمت یعنی آن‌ها که بیشتر درساخت آنها هنرنمائی واستادی و ظرافت بکاررفته و ازاین جهت شهر پاریس در مقام اول است چه پاریس که هم از وجود زغال‌و آهن محروم است و هم از مواد خام و اولیه نمیتواند مرکز صنعتی‌بزرك شود ، ناچار مردم صنعتگر باذوق و هنرمندآن بتهیهٔ‌اجناسی ازمصنوعات پرداخته‌اند که بهمان حیثیات مذکور در فوق ممتاز است

فرانسه را از لحاظ مناطق صنعتی بشرح ذیل میتوان تقسیم‌نمود:

۱ - **آلزاس** ، مرکز بافت پارچه‌های‌پشمی وپنبه‌ای‌وآبجوسازی و خمیرهای غذائی و اشیاء میکانیکی و استخراج پتاس .

۲- **لرن**، مرکز استخراج آهن و ساخت فولاد وظروف سفالین و وکلاه و کاغذ و بلور آلات.

۳- **شمال وشمال شرقی** - محل استخراج زغال وفلز کاری وصنایع نساجی و ساخت شراب وقند وبلور آلات وادویهٔ شیمیائی وماشین آلات

٤ - **ناحیهٔ پاریس**، محل ساخت اشیاء ظریفه وظروف چینی و قالی ومبل و ادویه شیمیائی ولباس ولوازم کتاب وتحریر.

٥ - **نرماندی**، مرکز تهیهٔ لبنیات و شراب سیب و فولاد ریزی و قلابدوزی و ساخت ظروف سفالین.

٦ - **برتانی**، محل ساخت کشتی و تهیهٔ آرد و خمیرهای غذائی

۷ - **ناحیهٔ مغرب**، مرکز شرابسازی وتهیهٔ آرد وخمیرهای غذائی و وماهی ساردین وصباغی و کفاشی.

۸ - **دامنهٔ پیرنه**، از مراکز صنایع شیمیائی و فلزکاری وشراب و عرق کشی

۹ - **سواحل مدیترانه**، محل بافت پارچه‌های پشمی و ابریشمی وکلاه وکفش و صابون سازی و روغن کشی و تهیهٔ ماهی خشك وکاغذو کشتی سازی،

۱۰ - **ناحیهٔ آلپ**، مرکزصنایع شیمیائی وکفاشی و ساعت‌سازی و بافت پارچه های ابریشمی

۱۱ - **دره رن** -، محل بافت پارچه های پشمی و ابریشمی و اشیاء مکانیکی و ادویهٔ شیمیائی.

۱۲ - **دامنهٔ ژورا**، مرکزساعت سازی وفلزکاری وساخت لبنیات

۱۳ - **کوهستان مرکزی** از مراکز تهیهٔ لبنیات و اشیاءرزینی و

فلزکاری و اسلحه‌سازی .

ج - طرق ارتباطیه

خطوط برّی - جلگه های شمالی فرانسه مرکز عبور چندین رشته راه معتبرند که همه از پاریس شروع میشوند و اکثر آنها ببنادر سواحل‌مانش منتهی میگردند و فرانسه را ازاین‌طریق باانگلیس‌وممالك ساحلی بالتیك و امریکا مرتبط می سازند ، منتهی‌الیه این خطوط بنادر ذیل است :

دون کرك علاوه بر این حیث‌محل ورود پشم امریکای جنوبی‌و آهن سوئد و چوب از اسکاندیناوی است ، **کاله** مرکز ورود شوره از شیلی ، **بولونی** که مانند کاله ازایستگاههای بین پاریس و لندن‌است ، **دیپ** که منتهی‌الیه خط‌دیگری است بین پاریس ولندن

ازپاریس خطوط آهن متعدد متوجـه بنادر شمالی یا سرحـدات بلژیك است ازاین میان سه خط جنبهٔ بین‌المللی دارند اول خط پاریس ببندر کاله که ازخطوط معتبر بین پاریس ولندن‌است دوم خط پاریس‌بشهر لیل‌که فرانسه را ببلژیك و هلند مرتبط میسازد سوم خط پاریس بشهر سرحدی **موبوژ** [1] که معروف بقطار سریع السیر شمال[2] است وبتوسط آن پاریس با بلاد برلین و ورشو ومسکو مربوط میشود .

درطرف مغرب بنادر عمدهٔ فرانسه اول **هاور** است که جلوتراز روان درکنار اوقیانوس اطلس‌ودهانهٔ شط سن واقع شده ومرکز صدور لبنیات ومیوجات وتخم مرغ برای انگلیس ومحل ورود آهن و چـوب اسکاندیناوی وماشین آلات وذغال وسرب و قلع انگلیس و پنبه و قهوهٔ

۱- Maubeuge ۲- Nord — exprese

امریکا ونفت ایران است بعد از آن بندر نانت[1] که تقریبا همان وسعت هاور را دارد ودر کنار ترعه‌ای مصنوعی که به دهانهٔ لوار متصل است بنا شده وپیش بندر آن سن نازر[2] است ازمراکزعمدهٔ کشتی سازی فرانسه ومحل ورود قهوه و کاکائو و نیشکر برزیل وهند غربی .

بندر بزرك جنوب غربی فرانسه بردو است که در دهانه گارن ساخته شده و آن که راه ارتباط و داد وستد عمدهٔ فرانسه با افریقاو امریکای جنوبی واسپانیا است از طرفی باین نواحی شراب و مصنوعات ظریفهٔ فرانسه را میفرستد واز طرفی دیگر ازاسپانیا آهن وسرب و از امریکا مس ونقره وازبرزیل وجزایر آنتیل نیشکر وقهوه واز آرژانتین گوشت و پشم وپوست وازافریقا کاکائو وتخم های نباتی و طلا و صمغ وارد مینماید .

راه بزرگی که پاریس را ازطرف مغرب باین بنادر یا بمرزاسپانیا متصل میکند راه معتبری است که درشهر ارلئان بشط لوار میرسدیك شعبه از آن از ارلئان متوجه بلاد مرکزی وجنوب غربی میشود وشعبهٔ دیگر بشهر تور[3] میآید . درتور قسمتی ازاین خط از طریق درهٔ لوار ببنادر نانت وسن نازر منتهی میگردد وشعبهٔ دیگر ازراه پواتیه[4] ببردو وسرحد اسپانیا میرود .

برای اتصال پاریس بدوناحیهٔ برتانی ونرماندی یك رشته خطوط آهن دیگری موجود است که پاریس را ازطریق مغرب ببنادر روان و هاور و برست و شربورگ مربوط مینمایند .

فرانسه با اسپانیا بتوسط چهار رشته خط آهن مربوط است ، دو

---

1 Nantes — 2 Saint—Nazaire
3 Tours — 4 Poitiers

رشته از آنها ازدو گوشهٔ جبال پیرنه میگذرند یکی فرانسه را بپایتخت پرتغال ودیگری آن را ببارسلن متصل میکند ودو رشتهٔ دیگر ازمعابر کم ارتفاع این سلسله عبورمینمایند که یکی از آن‌هامتوجه بارسلن‌است ودیگری‌متوجه درهٔ علیای شط ابر .

خطوط ارتباطیهٔ فرانسه با خارج از طریق مشرق سه رشته خط معتبراست اول خط پاریس بلوکزامبورك که از این راه بالاخره ببرلین مربوط میشود دوم خط پاریس بشهر وینه پایتخت اطریش قدیم که در امتداد درهٔ شط مارن بنانسی میرسد وبعدازگذشتن ازمعابر جبال وژ باستراسبورگ میآید وازروی شط رن میگذرد وداخل آلمان جنوبی میگردد سوم خط سریع السیرسمپلون بمشرق[1] که ازطریق دیژن[2] بشهر لوزان درسویس میرسد وپس از گذشتن از شمال ایتالیا و یوگوسلاوی پاریس راببلاد بزرك شرق اروپامثل صوفیه وآتن واسلامبول وبخارست ارتباط میدهد .

شهرلیون یکی ازبزرگترین مراکزاتصال راههای تجارتی‌عالم‌است چه جمیع راه های ممالك شمال غربی اروپا با سواحل مدیترانهٔ شرقی و افریقا باین شهر میرسد و ازطریق درهٔ سفلای شط رن ببندر مارسی منتهی میگردد وهمین کیفیت یکی از علل عمده ترقی این شهر و بندر مارسی گردیده‌است و مارسی چنانکه میدانیم دومین شهر فرانسه است وآن علاوه برمقام عظیمی که در کشتیرانی دارداز مراکزصنعتی نیزهست وکارخانجات‌بزرك تصفیهٔ نفت وروغن وصابون سازی در آن بکارمشغولند درجنوب‌شرقی مارسی‌بندر نظامی تولن[3] ساخته شده که پناهگاه‌جهازات

1 - Orient Express 2 - Simplon Dijon 3 - Toulon

جنگی فرانسه درمدیترانه است وتولن دراین منطقه حکم برست[1] را دارد
درساحل اوقیانوس اطلس وشر بورگ[2] را درکنار دریای مانش

خطوط آهن همه باستثنای رشته خطوط آلزاس لرن و خطوط برتانی ونرماندی که دولت آنها را اداره میکند بقیه دردست شرکتهای خصوصی است فقط دولت درتعیین قیمت کرایه ومال الاجاره وتأمین کسر مداخل آنها مداخله مینماید.

طول مجموع خطوط آهن فرانسه برابراست با۶۳٫۲۳۷ کیلومتر وچنانکه دیده شد مبدأ همهٔ آنها پاریس است باستثنای یك رشتهٔ که به به رشته جنوبی[3] معروف است واز بردو بسواحل مدیترانه ودامنه‌های پیرنه میرود وواسطهٔ ارتباط مابین دو رشته خطوط‌ـی استکه یکی از پاریس ازطریق ارلئان ببردو وتولوز میآید ودیگری ازپاریس بمارسی و بنادر دیگر کنار مدیترانه.

خطوط آبی داخلی - فرانسه دارای قریب ۱۵۰ شط ونهر قابل کشتیرانی است که طول آن‌ها بالغ بر ۴۲۰۰۰ کیلومتراست واین راه‌های آبی داخلی را یك رشته ترعه‌های مصنوعی بیکدیگر متصل میسازدطول آن ها نیزبه ۲۴۰۰۰ کیلومتر میرسد بنابراین فرانسه درداخله خودیك رشته منظم ومفصل راه آبی دارد بطول قریب به ۶۵۰۰۰ کیلومتر

فرانسه ازلحاظ بسط ترعه‌های مصنوعی یعنی ترعه‌هائیکه یاشطوط داخلی را بیکدیگر متصل میسازند یا آنها را بدریاهای اطراف ارتباط میدهند ازبهترین ممالك اروپاست بطوری که ازهریك ازشطوط آن بهمین وسیله میتوان بشط دیگر یا بدریاهای اطراف راه یافت.

مهمترین ترعه‌های داخلی فرانسه بقرار ذیل است:

Réseau du Midi - 3 Cherbourg -2 Brest - 1

۱ - ترعه نهر **اواز**[1] بشطوط **مارن**[2] و **سامبر**[3]

۲- ترعه مارن بشط رن که مارن را ازطریق نانسی واستراسبورك برن مرتبط میسازد .

۳ - ترعه بورگنی بین نهرسن و ین[4] ازشعب شط سن

٤ ترعه مرکزی[5] مابین لوار وسن بطول ۱۲۷ کیلومتر که از ناحیهٔ صنعتی اطراف کروزو میگذرد ووسیلهٔحمل ونقل چوب و زغال سنك است .

٥ . ترعهٔ بین دو شط رن و رن که ازطریق ناحیه بورگنی این دو رودخانه رابیکدیگر متصل مینماید

٦- ترعهٔ جنوبی[6] مابین دوشط گارن ورن ازطریق تولوزو کارکاسن[7] که درحقیقت راه ارتباط اقیانوس اطلس است بادریای مدیترانه

راه‌های هوائی و تحت‌البحری -پاریس یکی ازمهمترین مراکز هواپیمائی کشوری است وازفرودگاه **لبورژه**[8] بندرهوائی پاریس درایام عادی هرروزمرتباً یکی یا چند بارهواپیمائی بطرف لندن وبرلین وکلنی و آمستردام وبروکسل ولیسبن و مادرید ووینه وپراگ ورم واستانبول حرکت میکنند .

غیر از این فرانسویها دو خط بین المللی عمدهٔ دیگری نیز دارند یکی ازتولوزببنادردارالبیضاء (کازابلانکا)[9] درمراکش وداکار[10] درافریقای غربی فرانسه و از آنجا بامریکای جنوبی دیگری خط مارسی بشام و

Yonne - 4 Sambre - 3 Marne - 2 Oise - 1

Canal du Midi - 6 Canal du Centre - 2

Le Bourget - 8 Carcassonne - 7

Dakar - 10 Casa Blanca - 9

آسیای شرقی که ازطریق سواحل خلیج فارس وبحرعمان و هندوستان فرانسه را بسواحل هندوچین وچین مرتبط میکند.

فرانسه دارای ۷٥'۰۰۰ کیلومترخطوط تلگرافی زیر دریائی است که طویلترین آن‌ها دو رشته است یکی خطیکه بندر نظامی برست را بنیویورك ربط میدهد دیگرخط بین برست ودار البیضاء وداکار.

درسال ۱۹۲٦ مابین پاریس و استراسبورك یك رشته خط تلفون زیرزمینی کشیده‌شده بطول ٤۹٤ کیلومتر که یکی از طویلترین خطوط تلفونی زیرزمینی فرانسه‌است.

د ــ تجارت

فرانسه قبل از جنگهای اخیر ۱٦۰۰ فروند کشتی تجارتی داشته بظرفیت ۳٥۰۰۰۰۰ تن وازاین جهت این مملکت درعالم دررتبهٔ ششم بوده پس ازانگلیس وممالك متحده وژاپن وآلمان ونروژ.

بزرگترین کشتیهای تجارتی ومسافر بری فرانسه **نورماندی** است که درسال ۱۹۳٥ بآب انداخته شده وآن که قریب ۷۹۰۰۰ تن گنجایش دارد درموقع بآب انداختن تندرو ترین کشتیهای تجارتی عالم ویکی از ظریف ترین وآراسته‌ترین آنهابوده

تجارت بحری فرانسه قسمت اعظم آن بتوسط بندر **مارسی** عمل میشود وآن وسیلهٔ داد و ستد این کشور است با اروپای جنوبی وافریقای شمالی وممالك مشرق وبعدازآن بندر **هاور** است که باامریکا و انگلیس و ممالك شمالی تجارت میکند ودر درجهٔ سوم **بردو** مرکز تجارت با افریقای شرقی واسپانیا وپرتغال وامریکای جنوبی وپس ازاین بنادر **روان** و **نانت** و **دونکرك** و **سن نازار** میآیند که سابقا باهمیت و

نوع معاملات هریك اشاره کرده‌ایم .

واردات - فرانسه تنها مملکتی است در اروپا که از خارج غله ومواد غذائی یا هیچ وارد نمیکند یا اینکه واردات آن ازاین جنس قلم درشتی نیست اما درعوض بغیراز آهن باکثر موادخام واولیه محتاج است وآن‌هارا از بلاد همسایه یانواحی دورترمیآورد .

اقلام عمدهٔ واردات فرانسه بقرارذیل است .

١ـ حیوانات زنده‌از آرژانتین وممالك متحده ومستعمرات انگلیس

٢ ـ قهوه ونیشکر ازبرزیل وافریقا .

٣ـ شراب ازالجزایر واسپانیا

٤ ـ چوب‌ازممالك اسکاندیناوی وروسیه ومقداری آهن ازسوئد و اسپانیا .

٥ ـ مس ونقره ازامریکا

٦ ـ زغال از آلمان وبلژیك وانگلیس

٧ ـ نفت ازامریکا وایران وعراق وروسیه

٨ ـ کتان ازروسیه وابریشم ازایتالیا وممالك مشرق

٩ ـ پشم از آرژانتین و افریقای جنوبی وپنبه از امریکا و مصر وهندوستان .

١٠ ـ ماشین آلات ازانگلیس

درسال ١٩٣٧ قیمت مجموع واردات‌فرانسه به ٤٢٣١٦٠٠٠٠٠٠ فرانك‌وقیمت جمع صادرات آن به ٢٣٬٩٣٥٬٠٠٠٬٠٠٠ فرانك میرسیده بنابراین درسال مزبور فرانسه قریب به ١٨٬٣٨١٬٠٠٠٬٠٠٠ کسرصادرات داشته است این قسمت را دولت هرسال بوسیلهٔ مالیات و غیره یا بوسیله

صدرات غیر مرئی که درجغرافیای انگلیس بآن اشاره شد تکافومیکند

دوثلث عمده ازصادرات فرانسه‌اشیاء ساخته است‌ازنوع پارچه‌های ابریشمی (دردرجهٔ اول) وپارچه های پنبه‌ای وپشمی بعد ازآن ادویهٔ شیمیائی وماشین آلات واتومبیل ونفایس پاریس واشیاء تجملی وکتاب و کاغذوگل وغیره‌است .

ثلث دیگر صادرات فرانسه یا موادخام و اولیه است مثل آهن و فولاد وچدن‌وپشم وپوست وپتاس‌یا موادغذائی مخصوصا مشروبات‌الکلی وقند وپنیر وکره وماهی وگوشت وبقولات

بیشتر تجارت خارجی فرانسه درمرحلهٔ اول با همسایگان وبعداز آنها باممالك متحدهٔ امریکای شمالی‌است . تجارت فرانسه بامستعمرات آن بعلت عدم ترقی کافی اینمستعمرات آن رونقی راکه تجارت انگلیس با مستعمرات خود داراست ندارد چنانکه مثلا اینمستعمرات فقط $\frac{1}{10}$ واردات فرانسه‌را تهیه میکنند واز صادرات آن تنها $\frac{1}{15}$ آن‌را میخرند و علت این کیفیت‌علاوه برعقب ماندن مستعمرات‌فرانسه نسبت بمستعمرات انگلیس ضعف بحریهٔ تجارتی فرانسه نیزهست

ه ــ مستعمرات فرانسه

فرانسه از جهت وسعت سطح مستعمرات دومین کشور دنیاست . مردم مستعمرات فرانسه ازجهت حقوق باخود فرانسویان تفاوتی ندارند ومانند ایشان بدولت خود کمك مالی ونظامی میدهند .

الجزایروقسمتی ازمراکش وتونس رامستقیماً وزارت امورخارجه وبقیهٔ مستعمرات‌را وزارت مستعمرات آنمملکت اداره مینماید. مراکش وتونس‌تحت حمایت فرانسه اند درصورتیکه‌الجزایرضمیمهٔ خاك فرانسه

محسوب میشود . برای ادارهٔ مراکش وتونس هریك نماینده‌ای ازطرف دولت فرستاده میشود که درمراکش با سلطان و در تونس بابیك آنجا همکاری‌میکند درصورتیکه الجزایرمستقیماتحت ادارهٔ یك نفرحکمران کل فرانسوی است .

از۱۹۱۹ ببعد یعنی پس ازعقد معاهدهٔ ورسای فرانسه قسمتی از توگولند وکامرون راکه سابقادرافریقا متعلق بآلمان بوده تحت‌قیمومیت خود آورده وشام را هم بهمین عنوان بادارهٔ خویش گرفته بوده‌است .

آسیای فرانسه مرکب از پنج بندر است در هندوستان بوسعت ۳۲۰ کیلومتر مربع و۲۷۷٬۰۰۰ نفرجمعیت وپنج قسمت از هند وچین بوسعت ۴۹۶٬۰۰۰ کیلومترمربع و۱۶٬۶۰۰٬۰۰۰ نفرجمعیت .

در افریقا غیر از الجزایر و تونس و مراکش (مجموعا بوسعت ۷۹۳٬۰۰۰۰ کیلومترمربع‌و مجموعا دارای۱۲٬۳۸۸٬۰۰۰ نفر جمعیت) فرانسه مالك قسمتی است ازافریقای غربی (سنگال وگینه وساحل‌عاج وداهومی) وسودان فرانسه وقسمتی ازساحل نیجریه و صحرا وافریقای استوائی فرانسه ودر افریقای شرقی جزایر ماداکاسگار ورئونیون وقمر وساحل سومالی .

در امریکا مستعمرات فرانسه انحصار دارد بمجمع الجزایر میکلن‌سن‌پیر[1] در اوقیانوس اطلس شمالی ومارتی نیك[2] و گوادلوپ[3] و گویان‌فرانسه درساحل‌شمالی امریکای جنوبی .

دراوقیانوسیه ازجزایر متعلق بفرانسه مهمترازهمه کالدونی‌جدید

Martinique - 2 Miquelon - et - Saint- Pierre - 1
Guadeloupe — 3

است با مجمع الجزایر سوسیته یا تائی‌تی[1] وسعت کل مستعمرات فرانسه برابر با ۱۰٬۵۲۵٬۰۰۰ کیلومترمربع وجمعیت آنها بالغ بر ۵۹٬۵۵۰٬۰۰۰ نفر است .

پس از ختم جنگهای بین‌المللی اخیر قسمتی از مستعمرات سابق فرانسه بخصوص مستعمرات آسیائی آن مثل هندوچین و پنج مستعمرهٔ هندوستان مستقل شدند .

1- Taïti = Archipel de la Société

فصل سوم

جغرافیای اقتصادی آلمان

کلیات

آلمان که تا قبل از الحاق اطریش وچکوسلواکی و تصرف قسمتی ازپروس شرقی ولهستان ۴۶۸٬۷۴۶ کیلومترمربع وسعت و ۶۲٬۴۳۰٬۰۰۰ نفر جمعیت داشت دراروپا ازجهت وسعت چهارمین کشوربود (بعداز روسیه وفرانسه واسپانیا) وازلحاظ جمعیت مقام دوم داشت(پس ازروسیه) اما پس ازالحاق نواحی که درفوق مذکور شد دیگر هیچ مملکتی در اروپا بغیر ازروسیه ازآن وسیعتر نبود وجمعیت آن هم نزدیك به ۸۵ ملیون میرسید وازروسیه گذشته از جمیع جهات دیگر بزرگترین و پر جمعیت ترین کشورهای اروپا محسوب میشد از شط رن تا ویستول واز دریای شمال وبالتیك تانزدیکهای آدریاتیك ودرهٔ وسطای دانوب بسط یافته وبا اکثر ممالك بزرك وکوچك اروپا همسایه‌وهمخاك بود اماامروز پس ازشکست اخیر از وسعت وجمعیت آن بسیار کاسته شده و تکلیف آیندهٔ آن معلوم نیست بنابراین آنچه‌دراینجا درباب اوضاع آن نوشته میشود مربوط بایام قبل ازجنگهای اخیراست .

اجمال وضع طبیعی آلمان - سراسر کشور وسیع آلمان را از جهت ساختمان طبیعی بسه منطقه میتوان تقسیم کرد . اراضی پست در شمال ، اراضی مرتفع درجنوب ودرهٔ وسطای شط رن درمغرب .

اراضی پست شمال آلمان قسمتی هستند ازجلگهٔ وسیع اروپای مرکزی که ذکر آن درجغرافیای انگلیس وفرانسه گذشت. دراین اراضی جلگه‌هائی حاصل خیزدیده میشودوآب آنها نیز فراوان است فقط در سطح آنها دورشته تپهٔ مرتفع ازشمال غربی بجنوب شرقی کشیده شده یك رشته ازولایت **مکلنبورك**[1] (درمشرق شط الب) تاکنارشط ویستول دیگرازولایت **لونه بورك**[2] (مابین دوشط وزر والب) تا ولایت **شلزین**[3] (سیلزی) .

مرکز عمدهٔ اراضی مرتفعهٔ جنوب آلمان نجد باویر و رشته **فیختل گبیرگه**[4] است که بمنزلهٔ عقدهٔ کوهستانی آلمان جنوبی استو چنین مینماید که رشته‌های دیگر این قسمت ازآلمان همه ازآن متفرع شده باشند

در مغرب فیختل گبیرگه کوههای **تاونوس**[5] قراریافته که شعبه های شرقی رن اکثراز آنها سرچشمه میگیرند و بین این کوهها وسلسله وژ شط رن فاصله است

درزاویهٔ جنوب شرقی نجد باویر رشتهٔ **آلپ باویر**[6] کشیده شده که بولایت **تیرل**[7] اتصال مییابد و آن شامل قلهٔ **تزوکس پیتزه**[8] است

۱- Mecklenburg ۲- Lüneburg ۳- Schlesien

۴- Fichtelgebirge (فیختل گبیرگه بآلمانی بمعنی رشته کوه است)

۵- Taunur ۶- Alpen Bayriche ۷- Tyrol ۸- Tzugspitze

بارتفاع ۷۹٦٤ متر که از آن بلند تر نقطه ای در سراسر آلمان دیده نمی شود .

درهٔ وسطای شط رن که از شهر بال در مرز سویس تا مرزهلند بتمامی در آلمان غربی واقع است گودال عظیمیست مابین جنگل سیاه و مرتفعات وستفالی[1] در مشرق و کوههای وژ در مغرب دو کنارهٔ این دره (باستثنای آلزاس که بفرانسه واگذارشده) بتمامی درخاك آلمان واقع است و آن هم بسیار حاصلخیز است وهم دارای معادن فلزات وزغال فراوان وجود شط رن و شعب آن که حمل و نقل ورفت و آمد را بین دوساحل آن و نواحی مجاور بسیار سهل کرده اند سبب آن شده که این قسمت از آلمان یکی ازمراکزمهم صنعت و آبادی و جمعیت عالم شود

از شرحی که گذشت فی الجمله دانستیم که آلمان شمالی سرتاسر جلگه وسیعی بیش نیست درصورتیکه آلمان جنوبی مرکب از یکعده سرزمین های مرتفعی است که غالباً دورا دور هر کدام از آن ها رامرتفعات کوهها فراگرفته و درمیان هر کدام از آن ها نیز رودی یارودخانه هائی از شعب علیای شطوط معتبر آلمان جاریند .

مناطق طبیعی - آلمان را از لحاظ طبیعی ومناطق نباتی بهشت منطقه میتوان تقسیم کرد بقرارذیل :

۱ - منطقه شمال غربی یعنی قسمت شرقی ساحل بحر شمال که جلگه ایست پست و شنزار ، سواحل آن یا از سطح دریاپست ترند و آنها را بوسیله سد از استیلای آب حفظ کرده اند یا آنکه ارتفاع چندانی ندارند .

---

۱ - Westphalie

۲- منطقه ساحلی بالتیك دارای زمستانهای سخت و تابستانهای گرم و باران متوسط است جنگل در این منطقه بالنسبه فراوان بوده ولی غالباً آن‌ها را برانداخته‌اند تا اراضی قابل کشت وزرع شوند.

۳- منطقه کوهستانی اطراف شط رن که باستثنای دره‌های عمیق بقیه سنگستان و بیحاصل است فقط در آن‌دره‌ها زراعت و تربیت مو شیوع دارد قسمتی از این منطقه جنگل زار و قسمتی نیز مستور از چمن و مرتع است.

٤ - درهٔ شط رن که جلگه‌ایست بسیار حاصلخیز ولی چون سلسله وژ مابین آن و اوقیانوس اطلس قرار گرفته ریزش باران برسطح آن از حدمتوسط تجاوز نمیکند، زمستانهای آن ملایم و تابستان های آن گرم است. این دره که مابین دوسلسله وژوجنگل سیاه واقع شده مستور از جنگل است و اشجارمخروطی شکل آن فراوانند. قسمتهای بالنسبه مرتفع این دره مرتع حیوانات اهلی است.

٥ - مرتفعات اطراف دونهر ماین[1] و نکار[2] از شعب دست راست شط رن که اراضی سنگستان و شنزارند و ماین و نکار ازمیان آن ها بزحمت با پیچ و خمهای زیادمیگذرند، جنگل دراین منطقه برروی کوهها فراوان دیده میشود

٦ - سرزمین مرتفع تورینگن[3] ودرهٔ شط وزر[4] مرکب از تپه‌های مستدیر ودره‌های پرپیچ وخم، خاك اینقسمت خاصلخیزوتپه‌های کم ارتفاع آن از اقسام جنگلها پوشیده است. باران در این منطقه نسبة زیاد فرو میریزد و درقلل کوهای بلند آن مثل هارتر و تورینگر والد جنگلهای کاج و سروفراوان است.

۱- Main ۲- Neckar ۳- Thüringen ۴- Weser

۷ - اطراف نجد بوهم مستور از کوههای پر ارتفاع دارای بارانی بالنسبه کم و زمستانهای سرد . آب در این منطقه براثر ذوب برف جبال مرتفعه زیاد است

۸ - منطقه آلپ دارای دریاچه های متعدد و رسوب فراوان ، فراوانی آب و خاك پرقوت این قسمت را یکی ازمناطق حاصلخیز آلمان کرده بعلت زیبائی مناظر و کثرت دریاچه وبرف منطقه آلپ آلمان یکی از مراکز مهم ورزش و ورزشهای زمستانی است

آب وهوای آلمان درشمال ومشرق درزمستان نسبة سخت است چه در این دو ناحیه هیچ مانع طبیعی که بتواند جلوی باد های سرد سیبری و اوقیانوس منجمد شمالی رابگیرد نیست . درطرف جنوب ومغرب برخلاف وجودموانع طبیعی نمیگذارد که هوای ملایم و بخار آب مدیترانه و اوقیانوس اطلس تا این قسمتها پیش بیاید بهمین جهت این مناطق بامناطق همعرض خود در فرانسه هم ازجهت ملایمت آب و هوای آلمان هرقدر از اوقیانوس اطلس دور تر و بمشرق نزدیکتر شویم بری تر و شدیدتر می گردد .

بلاد عمده - آلمان چنانکه دیدیم امروزپس از روسیه پرجمعیت ترین ممالك اروپاست و چون در اینکشور هم مانند انگلیس اشتغال بصنعت بمراتب از زراعت بیشتراست قریب دوثلث از مردم آن شهرنشینند و دور معادن وکارخانجات مجتمع آمده‌اند بهمین علت پرجمعیت ترین نواحی آلمان مناطق معدنی و صنعتی است مانند پروس غربی ودره وسطای شط رن (راین لاند[1]) وولایت زاکسن (ساکس)[2] وشلزین (سیلزی)

۱- Rheinland ۲- Sachsen=Saxe

وولایت برلین و مصب شطوط عمده بالعکس ناحیه آلپ وپروس شرقی که نه معدنی قابل دارند نه استعدادزراعت خوب ازجمعیت زیاده محرومند

آلمان تنها کشوریست از اروپاکه عدد جمعیت ۵۰ شهر آن از ۱۰۰،۰۰۰ نفر متجاوز است و از اینعده ۲۸ شهر آن بیش از ۲۰۰،۰۰۰ جمعیت دارند .

برلین پایتخت آلمان دارای ۴،۳۳۲،۰۰۰ نفر نفوس است و ازاین حیث سوم شهر دنیا (پس ازنیویورك ولندن) و اول شهر اروپای برّی است و آن نیز مانند پاریس از مراکز عمدهٔ انشعاب خطوط آهن و خطوط هوائی و از بلاد صنعتی و علمی مهم عالم است .

بعد از برلین از جهت اهمیت و اعتبار و جمعیت بندرهامبورگ است که بیش از ۱،۱۴۶،۰۰۰ تن جمعیت دارد و اول بندراروپای بریست و از بسیاری از جهات بالندن رقابت میورزد . سوم شهر آلمان **شهر کلن**[1] (کلنی) است که جمعیت آن به ۷۴۰،۰۰۰ میرسد از بنادر کنار شط رن که مانند برلین ازمراکز بزرك انشعاب خطوط آهن و هوائی آلمان و ازبلاد بزرك صنعتی است بلا فاصله بعد ازکلن شهر**مونشن**[2] (مونیخ) میآید دارای ۷۳۰،۰۰۰ جمعیت که دوم پایتخت سیاسی آلمان محسوب میشود و ازمراکز علم وهنر ودارای موزه‌ها وکتابخانه معتبری است .

در ولایت زاکسن مهمترین بلاد **لیپزیش**[3] است دارا ۳۰۰،۰۰۰ سکنه از مراکز تجارتی مهم و **درسدن**[4] (۶۳۳،۰۰۰ جمعیت) که پایتخت این ولایت محسوب میشود و از بنادر کنار شط الپ است . در ولایت

---

1 - Cologne = Köln 2 - Munich = München

3 - Leipzig 4 - Dresden

ورتمبرك شهر مهم معتبر **اشتوتگارت**[1] است در کنار نهر نکار دارای ۳۷۵۰۰۰ جمعیت بلاد عمدهٔ دیگر آلمان یا شهرهای صنعتی ناحیه رن و زاکسن و شلزین هستند یا بنادر تجارتی که درطی مباحث آینده بآنها اشاره خواهیم کرد

اجمال اوضاع اقتصادی

ترقی فوق العاده آلمان -تا ۱۸۷۱ که دولت واحد آلمان تشکیل نیافته و این کشور بقطعات مجزا منقسم بود زندگانی مردم بیشتر ازراه زراعتی متوسط میگذشت وصنعت و تجارت رونقی چندان نداشت اما از تاریخ فوق تا ۱۹۱۳ و ابتدای جنگهای بین المللی یعنی درمدت ۴۵ سال چنان آلمان راه ترقی پیمود و صنعت و تجارت خود را رونق بخشید که مورد اعجاب دنیا و باعث عقب زدن بزرگترین کشور های اقتصادی عالم گردید

تاریخ ۴۵ ساله اینمدت آلمان مشتمل بردو واقعه عظیم است یکی افزایش سریع جمعیت دیگر ترقی و بسط اقتصادی عجیب آن . جمعیت آلمان در ۱۸۷۱ تنها بچهل ملیون میرسید درصورتیکه در ۱۹۱۴ شمارهٔ آن بر ۶۵ ملیون بالغ گردید بهمین وجه تجارت آن که در ۱۸۷۵ فقط بشش میلیارد فرانك طلا میرسید در ۱۹۱۳ از ۲۵ میلیارد فرانك طلا تجاوز میکرد .

در ۱۸۷۱ آلمان کشوری بود زراعتی ودراین مقام نیز حائز اهمیتی بسزا نبود از حدود ۱۸۸۰ این کشور درمرحله استخراج معادن وایجاد کارخانجات عظیم واردشد و طولی نکشید که پس ازانگلیس دوش بدوش

1- Stuttgart

ممالك متحدهٔ امریکا فعالترین و مهمترین ممالك صنعتی عالم شد تا آنجاکه در ۱۹۲٤ آلمان سوم مملکت دنیا بود دراستخراج زغال و نسج پارچه و دوم کشور در مقدار صدور آهن و چدن و فولاد و اولین آنها از حیث صنایع الکتریکی و ساخت قند و ادویه شیمیائی و موادملونه و و لوازم عکاسی دوربینی و غیرها

این ترقی فاحش و بسط فوق‌العاده امور اقتصادی در آلمان علل عدیده داشته که اهم آن‌ها بقرار ذیل است :

۱ ـ ثروت بی پایان خاك آلمان مخصوصا زغال وفلزات

۲ ـ کثرت جمعیت و سهولت تحصیل کارگر بقیمت ارزان و فراهم آوردن مصنوعات بقیمتی مناسب

۳ ـ شرکت جدی دارالفنون‌ها و علمای آلمانی در پیشرفت کلیه مسائل علمی مربوط بصنعت و استخدام آن‌ها توسط ارباب صنایع و کارخانجات برای یافتن نکاتی تازه که باصلاح و تحسین و تسریع صنعت کمك کند و در نتیجه همین توجه کمتر کارخانهٔ صنعتی آلمانیست که از وجود چندین دارالتجزیه و آزمایشگاه وخدمت چندصد نفردانشمندوشیمیدان خالی باشد .

٤ ـ توجه فوق‌العاده دولت در ترویج صنعت وتوسعهٔ کارخانجات و بسط طرق ارتباطیه مخصوصا طرق آبی داخلی

٥ ـ طرز تربیت نژاد آلمانی وروح انتظام و روش کار ایشان که ذیلا بآن اشاره میکنیم .

نژاد آلمانی ـ آلمانی مانند جمیع اقوام اروپای شمالی مردیست تعلیم یافته ، کارکن ، جسور ، خونسرد وپشت کاردار ، اقدام بهیچ کاری

نمیکند مگر آنکه قبلا روش صحیحی جهت خود اختیار نماید و پس از آنکه داخل درعمل شد بشدت دنبال اقدام خود رامیگیرد . احترام بنظم وقدرت خاصهٔ نژاد آلمانی‌است وتعاون ودستیاری یکدیگردرامور اجتماعی و اقتصادی ایشان درهمه جا نمودار است .

با اینکه نژادآلمانی هیچوقت‌از وجود نوابغی ارجمند درمرحلهٔ ذوقیات‌وعلم خالص خالی نبوده ودر ادبیات و حکمت وموسیقی بزرگان درجهٔ اولی از میان ایشان برخاسته‌اند باز توجه عمومی آلمان‌ها بموارد عملی علوم بیشتر است وهمین امر باعث ترقی‌فوق‌العادهٔ‌صنایع‌مکانیکی‌و شیمیائی در آلمان شده‌است

چون آلمان برای حوائج دیگرخود محتاج بخارج است واینکار یعنی جلب خاطر مشتری ومنصرف کردن او از توجه بمصنوعات‌دیگران مهارت و تدابیری خاص‌لازم دارد آلمانها مطابق نوع احتیاج و ذوق هر طبقه ازمشتریان خود در عالم یك جنس کالا میسازند تاهم بمذاق ایشان بچسبد و هم گرانتر ازمقدمات ایشان تمام نشود وهمین امریکی‌ازاسرار عمدهٔ ترقی فوق‌العاده تجارت خارجی آلمان بوده است .

۱ ـ زراعت

ازفضای سطح آلمان قریب بیك نیمهٔ آن مزروع‌است‌وازاین‌مقدار یك‌ربع در زیر جنگلهاست و دوثلث مستور از چمن ومرتع وبطورکلی خاك آلمان (باستثنای ناحیهٔ جنوب شرقی) چندان حاصلخیز نیست اما بعلت جمعیت زیاد و احتیاجی‌که درغذا دادن باین عده از مردم موجود است از کمتر نقطه‌ای از آلمان هست‌که بر اثر زحمت وکار و وسایل مصنوعی علمی حاصلی‌برداشته‌نشود بطوریکه باوجود صنعتی بودن آلمان

باز برای راه بردن امور فلاحتی در این کشور قریب ۳۷۰۰۰ شرکت که عدهٔ اعضای آن بچهار ملیون نفر بالغند وجود دارد وشمارهٔ کسانی که از طریق کشاورزی و کارهای جنگلی زیست میکنند تقریبا برابر بانصف جمعیت آلمان است

بمناسبت کم قوتی خاك بهترین غله‌ای که در اکثر اراضی آلمان بخوبی بعمل میآید گندم سیاه است و نان سیاه نان رایج آلمان محسوب میشود گندم وجو کمتر بدست میآید و بیشتر درجلگهٔ ماگدبورگ و جنوب غربی آلمان ودره شط رن ودرقسمتی ازولایت زاکسن وشلزین کاشته میشود .

در میان نباتات غذائی زراعت آن که بیش از همه معمولست سیب زمینی است آلمانها علاوه بر استفادهٔ غذائی از سیب زمینی بعضی مشروبات الکلی ویکنوع الکل نیز از آن استخراج مینمایند .

انگور در آلمان انحصار دارد بدرهٔ وسطای رن وشعب آن مثل ماین ونکار وموزل وشرابهای رن آلمان مشهور است وچون آلمانها شراب بسیار کم مینوشند قسمت عمدهٔ آن بخارج فرستاده میشود .

در تربیت نباتات صنعتی برخلاف آلمان اهمیت فوق العاده دارد مخصوصا در زراعت بعضی از آنها این کشور در اروپا صاحب مقام اول است

بعد از چغندر اهمیت کلی از آن رازك است که بکار ساختن آب جو می رود .

کشت توتون دردرهٔ شط ادر وپروس معمول است و بااینکه جنس آن چندان ممتاز نیست باز آلمانها در زراعت آن سعی کلی بخرج میدهند تا آنجا که آلمان از حیث مقدار محصول توتون اول مملکت اروپاست .

زراعت کتان وشاهدانه نیز در آلمان معمول است ولی محصول آنها وافی باحتیاج اهالی نیست وهرسال مقداری ازاین جنس ازخارج خواسته میشود وهمین حال وجود دارد برای میوجات که با وجود آنکه آلمان از این نوع محصول مقداری درداخلهٔ خود حاصل مینماید باز آن برای رفع حاجت جمعیت کثیر آلمان کافی نیست و سری آن را ازممالك آسیای غربی وارد میکنند .

در تربیت حیوانات اهلی آلمان اهمیتی خاص دارد مخصوصاً چون آلمانها گوشت و چربی خوك زیاداستعمال میکنند تربیت این حیوان دراینکشور فوق العاده مورداعتناست بطوریکه آلمان ازجهت مقدارخوك اول مملکت اروپا محسوب میشود و درسال ۱۹۳۷ عدد خوکهائی که در آلمان وجود داشته نزدیك به ۲٤،۰۰۰،۰۰۰ بوده است .

پرورش اسب نیز درهمین نواحی و قسمت هانور[1] ومکلنبورك و شلزین وزاکسن معمول است و مقام آلمان از جهت مقدار اسب دراروپا پس از روسیه و لهستان قرار دارد .

گاو در کوههای جنوب شرقی ودرهٔ دانوب وولایات و ورتمبرگ و پروس شرقی ومکلنبورگ تربیت می‌شود وعدد آنهادد ۱۹۳۷ بحدود ۲۱،۰۰۰،۰۰۰ می‌رسیده

در سواحل بحر شمال صید ماهی رونقی کامل دارد وبندرمهم ماهیگیری آلمان دراینطرف **گست مونده**[2] است که‌رقیب بنادرانگلیس شرقی در این عمل است با این حال آلمانهاهرسال مقداری زیاد ماهی از ممالك اسکاندیناوی وهلند و انگلیس میخرند .

۱- Hanover 2- Geestemunde

ب . معادن وصنعت

آلمان هم معادن فراوان دارد و هم از آنها مالك انواع عدیده است مخصوصا ذغال و آهن آن نسبت باجناس دیگر زیاد تر است .

اکثر زغال آلمان در مناطقی است که بین جلگهٔ شمالی واراضی مرتفعه مرکزی فاصله اند باستثنای معادن ناحیه **سار**[1] که در زوایهٔ جنوب غربی مرتفعات کنار شط رن قرار یافته‌اند .

مهمترین معادن زغال آلمان در اطراف رن وسطی مخصوصا در دره‌های انهار **سار** و **روهر**[2] اتفاق افتاده و غیرازاین دومنطقه در ناحیهٔ شلزین نیز معادنی از این جنس موجود است خاصه زغال لین‌بیت و در درهٔ علیای شط ادر معادن زغال شلزین علیاست که سابقاً قسمت مهم آنرا بلهستان واگذار کرده بود و و حالیه باز آلمان‌ها آنها را بتصرف خود گرفته اند .

آهن هم دردرهٔ روهروجود دارد وهم در درهٔ سار اماامروز بعد از آنکه معادن آهن لرن از آلمان منتزع وبفرانسه داده شده آلمان از برای تحصیل آهن وغذادادن بکارخانه‌های عظیم ناحیهٔ رن بشدت محتاج بخارج است و در مواقع عادی آنچه را از این کالاکم داشته باشد از سوئد وفرانسه واسپانیا وانگلیس میخرد .

روی در آلمان فراوان است وتقریبا نصف مصرف روی دنیا را آلمان تهیه میکندوهمچنین قریب بیك نیمه از **نقره** و **مس** و**سرب** اروپا از آلمان بدست میآید .

نمك معدنی و **تاس** - درهانورو **زاکسن** وتورین گن زیاداست

Ruhr - 2 Saar —1

وگرافیت در مصب شط ادر یعنی درناحیهٔ فین کن والد[1] .

در آلمان چشمه های آب گرم ومعدنی فراوان دیده میشود مشهور ترین آنها چشمه‌های بادن - بادن[2] است درناحیه جنگل سیاه .

اما صنایع آلمان در درجهٔ اول صنایع استخراجی وفلز کاری است واین رشته ازصنعت درگرد نواحی زغال خیز آنکشور متمرکز شده و مشهور ترین مناطق آن پنج است .

۱- منطقهٔ روهر وحوالی آن ، که منطقه ایست تقریبا بوسعت ۳۶۰۰ کیلومتر مربع شامل قسمتی از درهٔ سفلای رن و دوجانب نهر روهر وقسمتی ازولایت وستفالین که آن‌را ناحیهٔ صنعتی راین و وستفالین[3] نیز میگویند .

این منطقه یکی از عظیم‌ترین مناطق صنعتی عالم است و بهرحال در اروپا نظیر ندارد وبلادبزرك آن مرکز آهن کاری و فولاد سازی و نساجی وصنایع شیمیائست .

در انتهای شرقی این منطقه شهر درت موند[4] است که ازمراکز عمدهٔ صنایع استخراجی وفلز کاری است ودرطول درهٔ روهر قدری بطرف مغرب شهر اسن[5] ساخته شده که محل کار خانه بسیار مشهور کروپ[6] است . مابین دورتموند و اسن شهر معتبر بوهوم[7] واقع است که هم معادن زغال آن مهمند وهم کارخانجات فلز کاری وماشین سازی وادویهٔ شیمیائی آن .

Baden Baden -2 Finkenwalde-1

Rheinisch - westfälischen Industriegebeiete-3

Bockum-7 Krupp-6 Essen-5 Dortmund-4

مابین نهر روهر وشهر کلن یك عده بلاد مهم دیگر هستند که بیشتر کار آنها نساجی است مشهور ترین آنها یکی شهر **کرفلد**[1] است که مرکز نسج پارچه‌های ابریشمین آلمان محسوب میشود و آنرا بهمین جهت لیون آلمان لقب داده‌اند .

۲ - **منطقهٔ شلزین** ، در ناحیهٔ کوههای زودتن و اطراف شهر **برسلاو**[2] که به علت زغال بالنسبه فراوان از مراکز صنعتی مهم آلمان شده لیکن دراین قسمت آهن بالنسبه کم است ولی درعوض در نزدیکی معادن زغال روی فراوان بدست میآید و کارخانجات ذوب روی در این ناحیه زیاد است .

۳ - **منطقهٔ زاکسن** ، که معادن زغال آن بیشتر درنزدیکی شهر **کمنیتز**[3] است و کمنیتز مهمترین مرکز نساجی پارچه‌های پنبه‌ای آلمان محسوب میشود و آنرا بهمین علت منچستر آلمان ملقب کرده‌اند .

درشمال تزویکاو و کناریکی از شعب شط الب شهر مشهور **لایپ زیش**[4] قرار دارد که ازمراکز مهم کاغذسازی و کتاب‌فروشی و چرم‌فروشی است .

٤ - **منطقهٔ هارتز** ، یعنی مرتفعات کنار درهٔ شط وزر[5] که هم لین ییت ونقره ومس وپتاس آن فراوان است وهم مقداری آهن در آن وجود دارد بهمین جهت اقسام صنایع در آن منطقه رونق یافته ومهمترین آنها صنایع شیمیائی واستخراج موادی است که ازپتاس و املاح دیگر بدست میآید ومرکز کارخانجات عمدهٔ این منطقه شهر **شتاس فورت**[6] است

٥ - **منطقهٔ زار** - از مراکز عمدهٔ زغال آلمان که بعد از عقد

Leipzig-4 Chémnitz-3 Breslaw-2 Krefeld-1
Stassfurt-6 Weser-5

معاهدهٔ ورسای تا سال ۱۹۳۵ برای استفاده ازهمین معادن آن بفرانسه واگذار بوده ولی ازتاریخ اخیر مجددا ضمیمهٔ آلمان گردیـده است این منطقه علاوه بر استخراج زغال دارای کارخانه های مهمی است برای فلزکاری وماشین‌سازی مراکزعمده اینکار منطقهٔ زار ، زار بروکن است.

غیر از این پنج منطقه در غالب بلاد دیگر آلمان هم یك یاچند شعبه ازصنعت رواج دارد . اجمالا میتوان مراکزعمدهٔ هریك ازاقسام صنایع آلمان را چنین خلاصه کرد .

۱ ـ ماشین آلات وآهن کاری درپروس غربی وزاکسن و بایرن .

۲ ـ آلات واشیاء فولادی درمنطقهٔ راین ووستفالن .

۳ ـ پارچه‌های پشمی در زاکسن ودرهٔ وسطای راین .

٤ ـ پارچه های پنبه‌ای درپروس غربی و زاکسن وبادن‌وبایرن .

٥ ـ پارچه های ابریشمی در البرفلد و بادن ،

٦ ـ پارچه‌های کتانی در وستفالن وزاکسن وشلزین .

۷ ـ آب جو دربایرن مخصوصا (مونشن) و شراب دردره هـای راین‌و موزل .

۸ ـ ادویه شیمیائی در پروس غربی وهارتز و مانهایم[1]

۹ ـ چینی سازی دربرلین ودرسدن و مای‌سن .

۱۰ـ کشتی‌سازی دربنادرهامبورگ و برمن[2] وکیل[3] و اشتتین[4]

۱۱ ـ کاغذ سازی و لوازم چاپ وکتاب و نقشه های جغرافیائی درلایپ زیش و گوتا[5] و وایمار[6]

Gotha -5 Stettin-4 Kiel.3 Bremen-2 Manheim -1
Weimar-6

۱۲ - قند سازی درزاکسن وهانور مخصوصا درماگدبورگ

۱۳ - لوازم دوربین های نجومی وعکاسی وعینك وذره بین درینا

۱۴ - پارچه کنفی دربرلین وهامبورگ ومایسن .

۱۵ - چرم سازی درولایت **هسن**[1] مخصوصادرشهر **دارمشتات**[2]

۱۶ - هواپیما در شهر **دساو**[3] پایتخت ولایت **آنهالت**[4] وغیره

ج - طرق ارتباطیه

درهٔ شط رن (راین) بزرگترین راه تجارتی داخلی آلمانست چه هم دوساحل آن آباد وپر ثروت و پرجمعیت است و هم در اروپای غربی رن راه طبیعی قسمت شمالی آن بقسمت جنوبی است بخصوص که رن بر خلاف شطوط جلگهٔ شمالی آلمان دارای جریانی منظم است و درنقاطی که موانعی در آن برای رفت و آمدوجود داشته آنرا از میان برداشته و رودخانه را برای اینکار مستعد ساخته‌اند بطوریکه کشتیهای بخاری بخوبی میتوانند از مصب این شط تا شهر **کلن** پیش بیایند و کلن علاوه بر اینکه مهمترین بنادر کنار شط رن است از مهمترین مراکز انشعاب خطوط بری آلمان نیز هست و جنبهٔ صنعتی آن هم در نهایت اهمیت است .

قدری پائین تر از کلن بندر **کبلنتز**[5] واقع شده که در ملتقای دوشط رن و موزل قرار یافته و در اینقسمت رن ازدرهٔ تنگی میگذرد و دردوساحل آن بموازات جریان شط دو رشته خط آهن نیز کشیده شده .

بندرماینتز[6] در محلی که نهر ماین برن میریزد واقع است و از

Anhalt-4 Dessaw-3 Darmstadt-2 Hessen-1

Mainz-6 Koblenz-5

این بندرپائین‌تر **مانهایم**[1] اتفاق افتاده (در آنجا که نهر نکار داخل رن میشود) و مانهایم یکی از مهمترین بنادر کنار رن است .

استراسبورك که درساحل یساررن در خاك فرانسه واقعست بعلت وقوع آن در سر راه تجارتی سویس شمالی و آلزاس و ناحیهٔ صنعتی راین و وستفالن و ترعه ای که دو شط مارن و رن را بشط رن مرتبط میسازد ازبنادر مهم کنار رن است

در دو طرف شط رن از شمال و شمال شرقی یکعدهٔ بالنسبه‌زیاد راه‌های بزرك بری متوجه جنوب است واکثر آنها درکنار ماین درشهر **فرانکفورت**[2] با یکدیگر تلاقی میکنند و از آنجا ببلاد ماینتز ومانهایم میرسند و امتداد درهٔ رن را پیش میگیرند .

مابین فرانکفورت و ماینتز برروی نهر ماین رفت و آمد کشتیهای بخاری بزرك دایر است و از فرانکفورت ببعد کشتیهای بخار کوچکتر در روی ماین تا شهر نورنبرك درداخله آلمان جلو میروند و از آنجا ماین بوسیله **ترعهٔ لودویگ**[3] بشط دانوب متصل میشود و نورنبرك درکنار یکی ازراههای بزرك تاریخی جنوب آلمان واقع است و آن راهی است که شمال غربی آلمان را بدره دانوب وشهروینه واروپای شرقی مربوط میسازد واین همان راهی است که امروز قطار سریع السیر استاند بوینه از آن میگذرد وقطار سریع السیر دیگری که ازهمین درهٔ دانوب اروپای غربی را به اروپای شرقی اتصال میدهد راه آهن پاریس باستراسبورگ و اشتوتگارت و موانشن بوینه و ممالك بالکان است .

در میان شطوط جلگهٔ شمالی آلمان **امس**[4] بارن بتوسط ترعهٔ

1- Mannheim 2- Frankfurt 3- Ludwigs Kanal
4- Ems

طویلی متصل است که چون درشهر دورتموند برن می‌پیوندد آنرا ترعهٔ دورتموند وامس میگویند و این ترعه راه ارتباط ناحیهٔ صنعتی راین و وستفالن است بدریای آزاد از طریق شط امس وامس بوسیلهٔ دو ترعهٔ متوازی بدهانه نهر **وزر** نیز مرتبط است لیکن بین وزر وشطوط مشرق آن بوسیلهٔ ترعه راهی نیست.

بیشتر تجارت شط وزر از راه بندر برمن انجام میگیرد و برمن بالاختصاص محل ورود پنبهٔ خارجی بآلمان وبازار داد وستد این کالاست

شط الب از لحاظ راه تجارت وارتباط آن بانواحی اطراف ازمهمترین طرق آلمان است ومحل بارگیری وباراندازی مال التجاره هائیست که یا ازجانب شمال غربی میآیند ویامقصد آنها این سمت است وماگدبورگ آنهارا بوسیلهٔ ترعه ایکه بین الب ونهر **آلر**[1] ازشعب وزروجود دارد ازالب پیاده ویابر آن سوار میکنند

دردهانهٔ شط الب بندر بسیار معتبر **هامبورك** و بندر ضمیمه آن **آلتونا**[2] واقع شده‌اند که مجموعاً بصورت بندری واحد مهمترین بنادر آلمان واولین بندراروپای برّی‌اند والب درجنوب هامبورك بمدد ترعه‌ای بابندر **لوبك** ارتباط دارد وازاین طریق کشتیهای تجارتی ازدریای بالتیك داخل دریای شمال میشوند وبدورزدن شبه‌جزیره ژوتلند محتاج نیستند.

شط **اُدر** که تقریباً بموازات الب کشیده شده در تمام مجرای خود درخاك آلمان قابل کشتی رانی است و در روی آن نیز مانند الب دوشهر معتبر آلمان واقع است یکی **برسلاو** که درکنار ادر همان مقام درسدن را دارد درکنار الب، دیگر **فرانکفورت** که موقع آن در ساحل ادر بی‌شباهت بمقام ماگدبورگ برکنار الب نیست مخصوصاً ادر هم از فرانکفورت ببعد جهت شمال شرقی را میگیرد و آلمانها برای آنکه

۱- Aller ۲- Altona

کالاهای وارداز شمال غرب یامتوجه اینجهت راکه باید بر روی ادر رفت وآمدکنند بر آن شط سوار یاپیاده کنند ترعه‌ای بین ادر و نهر **اشپره**[۱] ساخته‌اند که‌فرانکفورت‌را ببرلین متصل میکندواین ترعه به **ترعه فریدریش ویلهلم**[۲] معروف است.

شط ویستول (ویکسل)[۳] که درجلگه لهستان بمحاذات ادرجاری است همین که بشهر **برومبرك**[٤] رسیدیکمرتبه برخلاف جهت سابق متوجه شمال شرقی میگردد وچون در همان نزدیکی نهر **نتزه**[٥] ازشعب شرقی ادر جاریست آندورودخانه رابوسیله ترعه‌ایکه بترعه برومبرگ معروف است بهم راه‌داده‌اند بطوریکهٔ تمام قسمت‌ازلهستان نیز میتوانند از طریق ترعهٔ برومبرگ ونهر نتزه وادر وترعهٔ فینوبادریای شمال راه‌داشته باشد

در دهانه شط ویستول بندر **دانتزیك**[٦] ودرگوشه شمال شرقی خلیج دانتزیك بندر **کونیگسبرك**[۷] قراریافته‌اندکه هردو از بنادر معتبر بالتیك اندولی هیچکدام بابنادر آلمان دردریای شمال قابل قیاس نیستند

چون‌دریای‌بالتیك درزمستان یخ می‌بندد وبنادر آن ازکار می‌افتد هامبورگ ازاین‌پیش‌آمد استفاده زیادمیکند باین معنی‌که اکثر نواحی مرکزی وشرقی آلمان‌که طبعاً باید بوسیله بنادر بالتیك با خارج رفت وآمد وداد وستدداشته باشند راه خود رااز طریق مجاری داخلی وترعه ها وراه‌آهن‌بسمت هامبورگ برمیگردانند وهامبورگ تایخ‌بندان‌بالتیك باقی‌است کاربنادر یخ بستهٔ آن دریا رانیز انجام میدهد.

ازمشهورترین راه های آبی آلمان‌که اهمیت نظامی آن بیش از

---

۱ - Spree ۲ - Friederich Wilhelm Kanal
۳ - Weichsel = Wistule ۴ - Bromberg ۵ - Netze
۶ - Danzig ۷ - Konigsberg

اهمیت تجارتی آنست ترعه‌ایست که آلمانها آنرا ازدهانه شط الب دربحر شمال ببندر کیل[1] دربحر بالتیك ساخته‌اند و بوسیلهٔ آنکه ترعه دریای شمال بدریای شرق[2] یا بترعهٔ امپراطور ویلهلم[3] معروف است شبه جزیرهٔ ژوتلند را ازخشکی بکلی جداکرده ودردریای شمال وبالتیك (باصطلاح آلمانها دریای شرق) رابهم مرتبط نموده‌اند.

وجود این ترعه که ساختن آن قریب هشت سال (از۱۸۸۷ تا ۱۸۹۵) طول کشیده آلمانها را قادر میسازد که علاوه بر ارتباطات آسان تجارتی بین دو دریا و کوتاه کردن راه بسهولت کشتیهای جنگی خود رادرمدتی قلیل بدون آنکه محتاج باشند جزایر وسواحل دانمارك را دور بزنند ازبالتیك بدریای شمال یا بالعکس بیاورند وبرای حملهٔ بخصم در هریك از دودریاکه محتاج شوند حد اکثر نیروی دریائی خود را جمع آورند.

ترعهٔ کیل درقسمت فوقانی ۱۰۰ متر و درقسمت تحتانی ۳۶ متر عرض دارد وعمق آن از۱۰ به ۱۲ متر میرسد طول آن برابراست با۹۸ کیلو متر.

راه های آهن - آلمان بدون ضمایم اخیر آن دارای ۵۳۸۲۱ کیلومتر راه آهن است وبا همین مقدار از جهت طول خط اول کشور اروپاست و از جهت مقدار نسبی خط سوم مملکت (پس از بلژیك و انگلیس).

مراکز عمدهٔ خطوط آهن آلمان یکی برلین است که مستقیماً با برسلاو وهامبورك و دانتریك و کلن و کونیگسبرك یعنی بلاد بزرك

۱- Kiel ۲- Nordostsee Kanal ۳- Kaiser wilhelm Kanal

سرحدی آلمان مرتبط است بعلاوه جمیع خطوط معتبر بین اروپای غربی بسمت روسیه پس از گذشتن از ناحیهٔ وستفالن از طریق شهرهانور ببرلین میرسند واز برلین یا ازطریق کونیگسبرك بلنینگراد میروند ویاازراه فرانکفورت وپل شط ادر بورشو و مسکو ویا بوسیلهٔ خط برسلاو بادسامی پیوندند .

ازمراکزعمدهٔ انشعاب خطوط آهن آلمان یکی نیزشهرفرانکفورت است واقع بر کنارشط ماین که چندین خط مهم بین‌المللی آن را بچهار سمت آلمان مرتبط میکنند. فرانکفورت ازسمت شمال باکلن وبنادراستاند وآنورس ورتردام وبرلین مربوط است وازجنوب با استراسبورك ومونشن و بازل و وینه ، از مغرب با درسدن و برسلاو و از مشرق با شهر مس (متز) درفرانسه .

مرکز دیگرراه‌های آلمان شهرکلن است که جمیع خطوط بین‌المللی فرانسهٔ شمالی وبلژیك بطرف آلمان ومشرق اروپا یا بالعکس و خطوط آلمان شمالی وهلند بطرف آلزاس و لرن ومدیترانه و سویس و ایتالیا ازآنجا میگذرند بعلاوه کلن مرکز جمیع خطوط آهنی است که بلاد صنعتی مهم ناحیهٔ راین ووستفالن را بیکدیگر مرتبط میسازند

کشتی رانی - در اول سال ۱۹۱۳ بحریهٔ تجارتی آلمان مرکب بود از ۲۰۹۸ کشتی بخاری و ۲۴۳۰ کشتی بادی وقایق مجموعاً بظرفیت ۴٬۸۳۸٬۲۱۸ تن و ازاین جهت آلمان بعد ازانگلیس درعالم رتبهٔ اول را داشت پس ازختم جنگهای بین‌المللی وشکست آلمان وازاین مقدارچیزی که برای این کشور باقی ماند برابربود با ۴۱۹۰۰۰ تن

اما آلمان‌ها بزودی براثرساختن کشتیهای بخاری جدید وخریدن ازممالك دیگر باحیای بحریهٔ تجارتی قبل ازجنك خود مشغول شدند و

سال بسال میزان آن را بالا بردند بطوری که در سال ۱۹۱۹ ظرفیت کشتیهای بیش از صد تنی که در آلمان ساخته شده به ۱۳٤٬۵۳۵ تن رسید و در ۱۹۲۷ به ۱۰۵ ' ۲٦۱ تن ودر ۱۹۲۹ به ۳۵۷٦۰۰ تن در سال ۱۹۳۲ گنجایش بحریهٔ تجارتی آلمان به ٤٬۳۱۸٬۰۰۰ تن یعنی تقریبا بمیزانی که اینمملکت پیش ازاعلان جنك های بین المللی مالك بود نزدیك شد

تا قبل از اعلان جنگهای اخیر آلمان ۲۰٤۳ کشتی بخاری که ظرفیت هریك از آنها بیش از ۱۰۰ تن بوده داشته بگنجایش ۳٬٦۹۰٬۹۹۰ تن و ازاین حیث آلمان درمقام پنجم بوده است پس از انگلیس وممالك متحده وژاپن ونروژ

ه ــ تجارت خارجی

درتجارت خارجی آلمان نیز تاحدی مانند انگلیس است باینمعنی که صادرات آن اشیاء ساخته و واردات آن مواد غذائی وخام است با این تفاوت که میزان اشیاء ساختهٔ صادره از آلمان نسبت باین جنس ازصادرات انگلیس کمتراست بعلاوه آلمان باندازه انگلیس برای مواد غذائی بخارج احتیاج ندارد لیکن درعوض احتیاج آن بمواد خام واولیه خیلی بیشتر میباشد .

ترقی فوق العادهٔ صنعت وبحریه تجارتی آلمان قبل از بروز جنگهای بین المللی باعث رونق وپیشرفت سریع تجارت خارجی آلمان شده بود تا آنجاکه اینمملکت در آن تاریخ دردنیا مقام دوم را داشت وباانگلیس در اینمرحله بشدت رقابت میورزید . شکست آلمان و از دست رفتن مستعمرات وانتزاع بعضی ازقسمتهای صنعتی ازخاك آن وکم شدن مقدار کشتیهای تجارتی لطمهٔ بزرگی بآن واردساخت .

از ۱۹۲۵ ببعد دولت آلمان تجارت خارجی را براثر وضع حقوق گمرکی بالنسبه سنگین برای بعضی از اقلام ازواردات تحت نظارت خود گرفته ودرحقیقت اقتصاد دربسته ومحدود را معمول داشته وروز بروز هم بوسیلهٔ وضع مقرراتی جدید درحمایت صنایع داخلی وکاستن مقدار واردات غیرلازم کوشیده است وباین ترتیب بتعدیل وتراز تجارت خارجی خودموفق آمده تاآنجاکه در ۱۹۲۷ قریب $\frac{11}{100}$ معاملات دنیا بازبدست آلمان انجام میگرفته است وازین سال تا ۱۹۳۱ هرسال میزان صادرات آن بر واردات میچربیده .

واردات عمدهٔ آلمان ازلحاظ قیمت تقریبا بقرار ذیل است :

روغنهای نباتی ، میوجات ، پنبه ، گندم ، کائوچو ، پشم ، قهوه ، پوست ، تخم مرغ ، پارچه ، توتون ، مس ، آهن وچوب .

صادرات عمدهٔ آن چنین است :

تیرهای آهنی ، اشیاء فولادی ، منسوجات ، ماشین آلات ، ادویه شیمیائی ، لوازم الکتریك ، کاغذ وچرم ولوازم عکاسی وغیره .

درسال ۱۹۳۷ مجموع واردات آلمان ۵۴٬۶۸۴٬۰۰۰٬۰۰۰ مارك وصادرات آن بالغ بر ۵۹٬۱۱۰٬۰۰۰٬۰۰۰ مارك بوده است .

تجارت خارجی آلمان هم بوسیلهٔ راههای آهن وترعه هاوشطوط داخلی انجام میگیرد وهم بوسیلهٔ بنادربحرشمال وبالتیك ویك قسمت از آنهم ازراه بنادر رتردام وانورس عمل میشود .

تقریبا نصف تجارت خارجی آلمان ازطریق بندر **هامبورگ** در بحرشمال صورت میگیرد و پس ازآن بندر **برمن** است در همین دریا **اشتتین** دربالتیك درمیان بنادرآلمان مقام سوم را دارد .

اشتتین	٦ در ۱۰۰
کیل	۲ « «
بنادر دیگر بالتیك	۱٤ « «
مجموع بنادر بالتیك	۲۲ « «

درمیان کشورهای بیگانه مقام اول رادر تجارت باآلمان وانگلیس وپس از آن ممالك متحدهٔ امریکای شمالی دارند واتفاقاً این دو مملکت جدی‌ترین رقبای آلمان درتجارت خارجی هستند ورتبهٔ آلمان درتجارت خارجی بلافاصله پس ازرتبه انگلیس وممالك متحده‌است .

پس از این دوکشور بیشتر تجارت آلمان باهمسایه‌های غربی آن یعنی با هلند وفرانسه وبلژیك است ، درمیان همسایه‌های شرقی آلمان پس ازنابودشدن چکوسلواکی ولهستان روسیه مقام اول را دارد مخصوصاً حالیه براثر پیش آمد جنك وبسته شدن راه تجارت آلمان ازطرف دریا وازسمت مغرب میزان معاملات بین آلمان وروسیه ترقی فاحش کرده . روسیه ازآلمان بیشترماشین آلات ومصنوعات فلزی میخرد وآلمان از روسیه موادخام ونفت وغلات وگوشت وغیره .

امروزآلمان درخارج ازاروپابهیچ اسم ورسمی مالك هیچ نقطه‌ای نیست لیکن قبل ازجنگهای بین‌المللی ۱۹۱٤-۱۹۱۸ درافریقا و آسیا و اوقیانوسیه مستعمراتی داشت بوسعت ۲۹۵۲۵۰۰ کیلو متر مربع و ۱٤۹۰۰۰۰۰ جمعیت

پس ازختم جنگهای مزبور مستعمرات آلمان را متفقین فاتح از چنك اوبیرون بردند وآنهارا بین خود تقسیم کردند .

پایان

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1805493930-18

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1805493930-18

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1805493930-18

ULB Halle 3
008 923 604

21
WA
1933

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1805493930-18

جغرافیای اقتصادی

و تجارتی ایران و انگلیس و فرانسه و آلمان

برای سال چهارم دبیرستانها

مطابق ب

حق چاپ

شرکت نسبی مط

Universitäts- und Landesbibliothek Sachsen-Anhalt
urn:nbn:de:gbv:3:5-1192015415-1805493930-18